

بازتاب اخبار و گزارش عملکرد موسسه دارالمعارف شیعی

زمستان ۱۳۹۱

دی ماه

اخبار رسانه ها



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

روابط عمومی و امور بین الملل



WWW.ANSARIAN.IR - WWW.ANSARIAN.IR

پایگاه اطلاع رسانی
حضرت استاد انصاریان

فهرست کتب | لوح التلاوة | صحيفة سجاده | فتاوى الحائ | تألیفات | سخنرانیها | بیوتی الحسین | پرسش و پاسخ | نگارخانه | کتب ها | برنامه سخنرانیها

پایگاه اطلاع رسانی (سایر استاد انصاریان)

شبهه در وجود حضرت رقیه (س) !!

۱۳۹۱

دی

۲



استاد حسین انصاریان : گاهی در مورد وجود حضرت رقیه (س) شبهات و تردیدهایی مطرح می شود که نام ایشان در اکثر کتب نیامده و یا نامهای مشترک و مشابهی در آنها به چشم می خورد که با توجه به آن نمی توان به طور حتم بر وجود دختری به این نام اطمینان داشت.

در پاسخ باید گفت :

عدم ذکر نام «رقیه» در برخی منابع تاریخی نمی تواند دلیل بر خرافه بودن این شخصیت باشد؛ چرا که وجود نامهای اشتباهی (کنیه و لقب) در کنار نام اصلی افراد از رسومات رایج عرب است و همان گونه که عده ای معتقدند، حضرت رقیه (س) همان فاطمه صغری است که نامش در بسیاری از تواریخ ذکر شده است. علاوه بر اینکه بر نام «رقیه» در کتاب شریف لاهوت سید بن طاووس و نیز سایر کتب تصریح شده است. مرحوم شیخ علی فلسفی در کتاب «حضرت رقیه (س)» می گوید در بیش از بیست کتاب، نام ایشان را رقیه دیده است.

در کتاب معالی السیطين حائری آمده است : «کنت للحسین (ع) بنت صغيرة... تسمى رقیه و كان لها ثلاث سنين» (۳). تعبیر «تسمى رقیه» نشان دهنده این مطلب است که «رقیه» نام اصلی ایشان نبوده بلکه به این اسم معروف بوده است. ابن ابی مخنف نیز در مقتل الحسین درباره وداع حسین بن علی (ع) می نویسد : «ثم نادى يا ام كلثوم و يا زينب و يا سكينه و يا رقیه و يا عائكة و يا صفیه...» (۴).

در کتاب احقاق الحق نیز آمده است : «ثم نادى يا ام كلثوم يا سكينه يا رقیه يا عائكة يا زينب يا اهل بيتى عليكن منى السلام...» (۵) خرابه ای به شرافت رسیده تا ملکوت

از محکم ترین دلایل وجودی حضرت رقیه (س)، وجود بارگاه ملکوتی آن نازدانه سیدالشهداء (ع) در شهر شام (در کشور سوریه) است که به گفته بزرگان و اهل معرفت، نمی تواند ساختگی و دروغ باشد. ممکن نیست خداوند به یک خرافه، این همه جلالت و عظمت و کرامت عنایت کند. عبدالوهاب بن احمد شافعی مصری معروف به شعرانی در کتاب «المنن» می نویسد : «نزدیک مسجد جامع دمشق، بقعه و مرقدی است که به مرقد رقیه بنت الحسین معروف است. به روی سنگی که در درگاه آن واقع است چنین نوشته شده است : «هذا البيت بقعه شرفت بال النبی (ص) و بنت الحسین الشهيد رقیه (س)» (۶).

در کتاب منتخب التواریخ نیز آمده است که مزاری که در خرابه شام است منسوب به مزار رقیه بنت الحسین است. از دیگر وقایعی که دلیلی محکم بر صحت استناد این مزار شریف به حضرت رقیه (س) است داستان آب گرفتگی مزار مطهر ایشان در حدود سال ۱۲۸۰ هجری است که طی آن سید بزرگواری بنام سید ابراهیم دمشقی از نوادگان سید مرتضی علم الهدی از جانب حضرت، مأموریت پیدا میکند تا آب گرفتگی قبر مطهر را چاره کند و ایشان نیز بعد از صلاح اندیشی با بزرگان و اهل علم به این امر مبادرت می کند و با بدن و کفن سالم حضرت مواجه می شود که در میان آب است. پس از آن قبر مطهر را تعمیر و مرمت می کنند. نتیجه سخن آنکه وجود حضرت رقیه (س) را نمی توان انکار کرد و آنچه پیرامون آن حضرت مطرح می شود نباید به راهی برای خدشه دار شدن منزلت آن حضرت در میان ارازمندان اهل بیت (ع) تبدیل شود. در هر صورت به کراماتی که از آن حضرت در طول سالیان متوالی متوجه شیعیان شده است را نمی توان به چشم بی توجهی نگریست.



دارالعرفان
موسسه دارالعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



به گزارش خبرگزاری اهل بیت (ع) - ابنا - «حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین انصاریان» در مسجد امام حسین شهرستان کامیاران در باب اخلاق با بیان آیات و احادیثی از پیامبر (ص) و امامان، درباره تأثیرات زبان‌دار ماهواره بر از هم پاشیدگی بنیان خانواده ها و به ویژه نسل جوان و ایجاد اختلاف بین مذاهب و بیشتر از همه در استان کردستان توضیحاتی ارائه داد.

وی افزود مردم همیشه در صحنه ایران با عشق به پیامبر، توحید، اسلام و ولایت ققیه وحدت خود را روزه روز محکمتر و دشمنان اسلام را ناامیدتر می‌کنند.

انصاریان با اشاره به این حدیث از امام صادق (ع) که می‌فرمایند، بداخلاقی و تندگی از ویژگی‌های دشمنان خداوند است، بیان کرد: ارتباط انسان‌ها بر پایه محبت، رحمت، عشق، شوق و مهر است.

وی اعلام کرد: اخلاق حسنه مایه رشد و پیشرفت انسان در تمامی زمینه‌هاست و این همان رسالتی است که خداوند متعال در راستای رسیدن به کمال نهایی بر عهده انسان قرار داده است.

این استاد حوزه در ادامه مطالعه و کسب دانش را از وظایف خطیر هر انسانی دانست و خاطرنشان کرد: خداوند و انبیا به ما دستور داده‌اند که در دانش تعصب نداشته باشیم و به هر علمی از هر شخصی و هر دینی از هر کجای دنیا جنگ زنید و بیاموزید و از آن سود ببرید.



دارالاعراف
موسسه دارالاعراف شیمی

مرکز علمی تحقیقاتی دارالاعراف

گروه اجتماعی: یکی از مدرسان حوزه علمیه قم با بیان اینکه دشمنان از اوایل انقلاب قصد بهره بردن از تفاوت مذهب میان ملت مسلمان ایران را دارند، ماهواره را یکی از ابزارهای در دست آنان برای دامن زدن به این امر عنوان کرد.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایگنا) شعبه کردستان، حجت الاسلام والمسلمین حسین انصاریان، یکی از مدرسان حوزه علمیه قم در مسجد امام حسین (ع) شهرستان کامیاران در باب اخلاق با بیان آیات و احادیثی از پیامبر (ص) و امامان خاندانها را از تأثیرات زیانبار ماهواره بر از هم پاشیدگی بنیان خانوادهها و به ویژه نسل جوان و ایجاد اختلاف بین مذاهب و بیشتر از همه در استان کردستان آگاه کرد.

وی افزود: مردم همیشه در صحنه ایران با عشق به پیامبر (ص) و توحید و اسلام و ولایت فقیه وحدت خود را روز به روز محکمتر و دشمنان اسلام را نا امیدتر می کنند.

انصاریان با اشاره به این حدیث از امام صادق (ع) که می فرمایند: بد اخلاقی و تندى از ویژگی های دشمنان خداوند است، بیان کرد: ارتباط انسان ها بر پایه محبت، رحمت، عشق، شوق و مهر است.

وی عنوان کرد: اخلاق حسنه مایه رشد و پیشرفت انسان در تمامی زمینه ها است و این همان رسالتی است که خداوند متعال در راستای رسیدن به کمال نهایی بر عهده انسان قرار داده است.

وی در پایان مطالعه و کسب دانش را از وظایف خطیر هر انسانی دانست و خاطرنشان کرد: خداوند و اثبیا به ما دستور داده اند که در دانش تعصب نداشته باشیم و به هر علمی از هر شخص و هر دینی از هر کجای دنیا چنگ زنیم و بیاموزیم و از آن سود ببریم.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



انصاریان: ماهواره عاملی برای ایجاد اختلاف بین مذاهب است



یک استاد حوزه و دانشگاه گفت: دشمنان از اوایل انقلاب قصد بهره بردن از تفاوت مذهب در بین ملت مسلمان ایران را دارند که ماهواره یکی از ابزارهای آنها بوده است.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منطقه کردستان، حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین انصاریان در مسجد امام حسین شهرستان کامیاران در باب اخلاق با بیان آیات و احادیثی از پیامبر (ص) و امامان، درباره تأثیرات زبان‌دار ماهواره بر از هم پاشیدگی بنیان خانواده‌ها و به ویژه نسل جوان و ایجاد اختلاف بین مذاهب و بیشتر از همه در استان کردستان توضیحاتی ارائه داد.

وی افزود: مردم همیشه در صحنه ایران با عشق به پیامبر، توحید، اسلام و ولایت فقیه وحدت خود را روزه روز محکم‌تر و دشمنان اسلام را ناامیدتر می‌کنند.

انصاریان با اشاره به این حدیث از امام صادق (ع) که می‌فرمایند، بد اخلاقی و تندگی از ویژگی‌های دشمنان خداوند است، بیان کرد: ارتباط انسان‌ها بر پایه محبت، رحمت، عشق، شوق و مهر است.

وی اعلام کرد: اخلاق حسنه مایه رشد و پیشرفت انسان در تمامی زمینه‌هاست و این همان رسالتی است که خداوند متعال در راستای رسیدن به کمال نهایی بر عهده انسان قرار داده است.

این استاد حوزه در ادامه مطالعه و کسب دانش را از وظایف خطیر هر انسانی دانست و خاطرنشان کرد: خداوند و انبیا به ما دستور داده‌اند که در دانش تمصب نداشته باشیم و به هر علمی از هر شخص و هر دینی از هر کجای دنیا چنگ زنیم و بیاموزیم و از آن سود ببریم.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



جستجو در تمام اخبار ...

امروز شنبه 9 دی 1391

اخبار معاصر رهبری

تی نیوز

۱۳۹۱

دی

۵

انصاریان: ماهواره عاملی برای ایجاد اختلاف بین مذاهب است



به گزارش خبرگزاری اهل بیت (ع) - اینا - «حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین انصاریان» در مسجد امام حسین شهرستان کامیاران در باب اخلاق با بیان آیات و احادیثی از پیامبر (ص) و امامان، درباره تأثیرات زیان بار ماهواره بر از هم پاشیدگی بنیان خانواده ها و به ویژه نسل جوان و ایجاد اختلاف بین مذاهب و بیشتر از همه در استان کردستان توضیحاتی ارائه داد.

وی افزود: مردم همیشه در صحنه ایران با عشق به پیامبر، توحید، اسلام و ولایت فقیه وحدت خود را روزی که محکم تر و دشمنان اسلام را ناامیدتر می کنند.

انصاریان با اشاره به این حدیث از امام صادق (ع) که می فرمایند، بد اخلاقی و تندگی از ویژگی های دشمنان خداوند است، بیان کرد: ارتباط انسان ها بر پایه محبت، رحمت، عشق، شوق و مهر است.

وی اعلام کرد: اخلاق حسنه مایه رشد و پیشرفت انسان در تمامی زمینه هاست و این همان رسالتی است که خداوند متعال در راستای رسیدن به کمال نهایی بر عهده انسان قرار داده است.

این استاد حوزه در ادامه مطالعه و کسب دانش را از وظایف خطیر هر انسانی دانست و خاطرنشان کرد: خداوند و انبیا به ما دستور داده اند که در دانش تعصب نداشته باشید و به ...



دار العرفان
 موسسه دارالمعارف شیعی
 مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



www.ansarian.ir

پایگاه اطلاع رسانی
حضرت استاد انصاریان

فهرست کتب | لوح التلاوة | صحیفه سجاده | فتاوی الحائ | تألیفات | سخنرانیها | بیوسن التمس | پرسش و پاسخ | نگارخانه | کتب ها | برنامه سخنرانیها

پایگاه اطلاع رسانی (سای انصاریان)

استاد انصاریان: ماهواره عاملی برای ایجاد اختلاف بین مذاهب است

۱۳۹۱

دی

۷



یک استاد حوزه و دانشگاه گفت: دشمنان از اوایل انقلاب قصد بهره بردن از تفاوت مذهب در بین ملت مسلمان ایران را دارند که ماهواره یکی از ابزارهای آنها بوده است.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منطقه کردستان، استاد حسین انصاریان در مسجد امام حسین شهرستان کامیاران در باب اخلاق با بیان آیات و احادیثی از پیامبر (ص) و امامان، درباره تأثیرات زیانبار ماهواره بر از هم پاشیدگی بنیان خانواده ها و به ویژه نسل جوان و ایجاد اختلاف بین مذاهب و بیشتر از همه در استان کردستان توضیحاتی ارائه داد. وی افزود مردم همیشه در صحنه ایران با عشق به پیامبر، توحید، اسلام و ولایت قبیله وحدت خود را روزه روز محکوتر و دشمنان اسلام را ناامیدتر می کنند.

استاد انصاریان با اشاره به این حدیث از امام صادق (ع) که می فرماید، بد اخلاقی و تندگی از ویژگی های دشمنان خداوند است، بیان کرد: ارتباط انسان ها بر پایه محبت، رحمت، عشق، شوق و مهر است. وی اعلام کرد: اخلاق حسنه مایه رشد و پیشرفت انسان در تمامی زمینه ها است و این همان رسالتی است که خداوند متعال در راستای رسیدن به کمال نهایی بر عهده انسان قرار داده است.

این استاد حوزه در ادامه مطالعه و کسب دانش را از وظایف خطیر هر انسانی دانست و خاطرنشان کرد: خداوند و انبیا به ما دستور داده اند که در دانش تعصب نداشته باشیم و به هر علمی از هر شخص و هر دینی از هر کجای دنیا چنگ زنیم و بیاموزیم و از آن سود ببریم.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شبیه
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



WWW.ANSARIAN.IR - WWW.ANSARIAN.IR

پایگاه اطلاع رسانی
حضرت استاد حسین انصاریان

فهرست کتب | لوح الملافه | صفحه سجاده | فتاوی الحائ | تالیفات | سخنرانیها | بیوتی المسمی | پرسش و پاسخ | نگارخانه | کتب فا | برنامه سخنرانیها

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

شاخصه‌های برتری اصحاب امام حسین (ع) بر دیگر شهدای تاریخ

۱۳۹۱

دی

۸



مدیر مؤسسه دارالمعارف شیعی با اشاره به روایتی از پیامبر اکرم (ص) شهدای کربلا را برتر از شهدای تمام تاریخ بشریت دانست و گفت: در حادثه بی‌نظیر کربلا ۷۲ تن، شیوه عملی امامشناسی را به متصه ظهور رساندند. به گزارش راسخون به نقل از فارس، استاد حسین انصاریان مدیر مؤسسه دارالمعارف شیعی در دومین کنگره حماسه حسینی با محوریت اخلاق و معنویت با اشاره به اینکه بعد عرفانی ۷۲ انسان بی‌نظیری که حادثه عظیم کربلا را به وجود آوردند، از نظر ظاهر روشن است، اظهار داشت: آن چیزی که باعث شد ۷۲ یار امام حسین (ع) به اوج برستند، معرفت، عرفان و شناخت آن‌ها بود. وی این شناخت را حاصل عکس‌العمل ۷۲ تن در شب عاشورا به سخنان اباعبدالله الحسین (ع) دانست و افزود: آنچه باعث برتری آن‌ها شده، وجهه امامشناسی آن‌ها است، چرا که این اعتقاد عظیم معنوی، ۷۲ تن را به جایی رساند که برای تاریخ، بی‌نظیر و بی‌نمونه معرفی شوند.

استاد انصاریان با اشاره به زیارت ناحیه امام زمان (عج) و سلام حضرت حجت (عج) برای برخی از یاران امام حسین (ع)، خاطرنشان کرد: یکی از یاران امام حسین در شب عاشورا خطاب به مولای خویش گفت: اگر فردا ۷۰ یار من را بکشند و خدا من را زنده کند من هرگز دست از شما بر نمی‌دارم و شما را تنها نمی‌گذارم. این جملات «سلم بن عوسجه» اوج معرفت یک انسان به امامش را نشان می‌دهد.

● مطلع الفجر واقعی چه کسانی هستند؟

وی با تأکید بر اینکه برای شناخت عرفان این ۷۲ تن توجه به اعمال، رفتار، کردار، صحبت‌ها و برخوردهای آن‌ها لازم است، ادامه داد: از وجود شهودی این ۷۲ تن عرفان کاملاً قابل به دست آوردن است، عرفانی که توأم با عشق آتشین و غیرقابل سرد شدن است، ۷۲ تن عارف عاشق، عارف واصل و مجذوب سالک بودند.

این عاشوراپژوه بیان داشت: در کربلا اوج همه حقایق الهی و انسانی از مشرق وجود ۷۲ تن طلوع کرد و آن‌ها مطلع الفجر واقعی هستند که اسماء الهی و صفات پروردگار از آن مطلع الفجر طلوع کامل داشته است.

وی با بیان اینکه هر کدام از این ۷۲ تن «کلمة الله» جامع بودند، افزود پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: آقای همه انسان‌های اولین و آخرین، شهدا هستند و آقای همه شهیدان اولین و آخرین شهدای کربلا هستند و آقای شهدای کربلا، حسین من است. فقط کنید که پیامبر چه نگاهی به این ۷۲ تن داشتند که این شهدا را آقای شهدای اولین و آخرین معرفی می‌کند.

استاد انصاریان با اشاره به مراحل تعیین و زمین و مکان ساخت سد و تولید برق از توربین‌ها، اظهار داشت: زمین کربلا نسبت به تمام زمین عراق در پایین‌ترین سطح از دریا قرار دارد و امام حسین (ع) در گودال قتلگاه شهید می‌شود، خداوند متعال توربین‌های نور دهنده بین دنیا و آخرت را این ۷۲ تن قرار داده و رحمت خویش را نثار این ۷۲ تن یاور امام حسین (ع) می‌کند، به عبارت دیگر این ۷۲ تن برقی را که از خداوند می‌گیرند، به تمام جهان پخش می‌کنند.

وی با اشاره به بعد اخلاقی ۷۲ یار شهید امام حسین (ع) ادامه داد: از روز دوم تا نهم محرم اگر تک‌تک افراد امام حسین (ع) را نگاه کنید، سراسر دلسوزی و مهربانی در اخلاق آنان تبلور یافته است، حتی هنگامی که به میدان نبرد می‌روند رجزهای عالمانه، حکیمانه و عارفانه می‌خوانند و رجزهای حماسی بیان نمی‌کنند و اینها همه نشان‌دهنده اوج کرامت اخلاقی آن‌ها بود که به جای هزینه کردن خسونت، کینه و نفرت فقط مهر و محبت را نثار می‌کردند.

ادامه در صفحه بعد...



دارالمعارف
موسسه دارالمعارف شیعی

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالمعارف



www.ansarian.ir - www.ansarian.ir

پایگاه اطلاع رسانی
حضرت استاد انصاریان

فهرست کتب | لوح التلاوة | صحيفة سجادية | فتاوى العتبات | تألیفات | سخنرانها | موضوعات | پرسش و پاسخ | گزارشات | کتب ها | برنامه سخنرانها

پایگاه اطلاع رسانی (سای انصاریان)

شاخصه های برتری اصحاب امام حسین (ع) بر دیگر شهدای تاریخ

۱۳۹۱

دی

۸



• گران ترین آب دنیا کجاست؟

این عاشورا یژه با اشاره به آخرین لحظات زندگی امام حسین (ع)، تصریح کرد: در آن لحظات آخر هنگامی که تشنگی زیاد بر آن حضرت غلبه کرده و از نبرد هم خسته شده بودند، نیزه خود را در خاک فرو کردند تا اندکی استراحت کنند، عمر بن سعد با دیدن این صحنه، به یکی از لشکریان خود دستور می دهد که به سوی امام حمله ور شود و کار او را یکسره کند.

وی در ادامه افزود: فرد مهاجم به سوی امام حمله ور شد و امام در مقام دفاع از خود برآمد و پای راست مهاجم را قطع کردند در این هنگام امام از اسب پیاده شد و بالای سر مهاجم رفت و فرمود: می خواهی تو را به خیمه ام ببرم تا زخم های مرا مداوا کنند، فرد مهاجم گفت: نه! اقوام من در لشکر عمر بن سعد هستند، آن ها را صدا بزنید! این ماجرا نشان از پایداری به اخلاق از سوی امام حسین (ع) تا آخرین لحظات دارد.

استاد انصاریان با اشاره به ماجرای جوشیدن آب زمزم از زیر پای حضرت اسماعیل (ع)، بیان داشت: خداوند رحمت خودش را در سه ماهگی بر اسماعیل نازل کرد، خداوند به خاطر تحمل تشنگی امام حسین (ع)، رحمتی را برای او قرار داد که قیمتی ترین آب در جهان است. آبی که در دل ها می جوشید و از چشمه اشک ها جاری می شود، این آب عامل بخشش، شفاعت و مغفرت است.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

آپارات

سرویس اشتراک ویدیو

تیم نام

صفحه نخست

لیست ویدیو ها

آرشیو

تیم نام

شماره (248294)	تخصص (7058)	عمر (11938)	آموزشی (13126)	تفریحی (24297)	فیلم (10541)	تغییری (46525)	موسیقی (24402)	خبری (4352)	سیاسی (12130)
علمی (7435)	ورزشی (36095)	جوانان (8085)	طبیعت (1550)	حیوانات (8141)	مغز (25860)	تلفات (7053)	شرف (3141)	کاروان (5180)	موسیقی

آپارات

روضه جانسوز و مجلس استثنایی شیخ حسین انصاریان

۱۳۹۱

دی

۸



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مراکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



ذیپول

کلیپ روضه شنیدنی عصر عاشورا - استاد شیخ حسین انصاریان

۱۳۹۱

دی

۸



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مراکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

اربعین حسینی (ع) ہیئت کجا برویم؟

عقیق: چهل روز از وداع جاسوز حسین (ع) و زینب کبری (س) می گذرد چهل روز عاشقان حسینی سیه پوش و داغ دار حادثه تلخ و جانگذا کربلایند و چهل روز است خیمه های حسینی برپا مانده تا همندردی کند با حضرت صاحب الزمان (عج)



عقیق: به مناسبت فرا رسیدن صبح روز اربعین حسینی (ع) مسجد شهید بهشتی اقامه عزای می کند.

به گزارش عقیق این مراسم که با حضور خواهران، برادران در مسجد شهید بهشتی خیابان نبرد برگزار می گردد، به شرح ذیل می باشد:

سخنران: استاد شیخ حسین انصاریان

مداح: کربلائی مهد الوثیان - حاج محمد منطقی

زمان: روز اربعین از ساعت ۷:۳۰ صبح

مکان: پیروزی خیابان نبرد شمالی مسجد شهید بهشتی

از عاشقان و شیفتگان سید الشهداء علیه السلام برای شرکت در این مراسم دعوت به عمل می آید.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



www.ansarian.ir - www.enfan.ir

پایگاه اطلاع رسانی
حضرت استاد حسین انصاریان

فهرست کتب | ترجمه سجادیه | فتاوی الحائ | تألیفات | سخنرانیها | بیوتی المسمی | پرسش و پاسخ | مجازاتیه | کتب فقه | برنامه سخنرانیها

پایگاه اطلاع رسانی استاذ انصاریان

پیام تسلیت مرکز دارالعرفان به مناسبت
ارتحال حضرت آیت الله مجتبی نهرانی

۱۳۹۱ دی ۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

ارتحال عالم ربانی فقیه عاقلقدر حضرت آیت الله حاج شیخ مجتبی نهرانی را تسلیت عرض نموده و برای روح آن بزرگوار علو درجات
را مسئلت می نمایم.

مؤسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان
مؤسسه هدایت



دارالعرفان

مؤسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



پیام تسلیت مرکز دارالعرفان به مناسبت ارتحال حاج آقا مجتبی تهرانی



ارتحال عالم ربانی فقیه عالیقدر حضرت آیت الله حاج شیخ مجتبی تهرانی را تسلیت عرض نموده و برای روح آن بزرگوار علو درجات را مسئلت می نمایم.

به گزارش خبرگزاری اهل بیت (ع) - ابنا - در پی ارتحال آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی مرکز دارالعرفان پیام تسلیتی صادر کرد.

بسم الله الرحمن الرحيم
انا لله و انا اليه راجعون

ارتحال عالم ربانی فقیه عالیقدر حضرت آیت الله حاج شیخ مجتبی تهرانی را تسلیت عرض نموده و برای روح آن بزرگوار علو درجات را مسئلت می نمایم.

مؤسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان
مؤسسه هدایت



دارالعرفان

مؤسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



التمتع علی محمد و آله و ائمه و اسحق بن اسحاق بن تقی المعصومین من ذریه آیین

مؤسسه اسلامی هدایت تهران مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

پایگاه مؤسسه اسلامی هدایت

۱۳ دی ۱۳۹۱

ارتحال آیت الله مجتبی تهران

بسم الله الرحمن الرحيم

اَما الله و اَما اليه راجعون

ارتحال عالم ربانی فقیه عالیقدر حضرت آیت الله حاج شیخ مجتبی تهرانی را تسلیت عرض نموده و برای روح آن بزرگوار علو درجات را مسئلت می نمایم.

مؤسسه اسلامی هدایت تهران

پیکر آیت الله مجتبی تهرانی در حرم عبدالعظیم (ع) به خاک سپرده می شود

پیکر مرحوم آیت الله آقا مجتبی تهرانی، فردا ۱۴ دی ماه بعد از تشییع در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) به خاک سپرده می شود

مراسم تشییع پیکر پاک معظمله همزمان با اربعین سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) فردا (پنج شنبه ۱۴ دی ماه ۱۳۹۱) از ساعت ۸ صبح در مدرسه عالی شهید مطهری واقع در میدان بهارستان برگزار می شود و رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای بر پیکر ایشان قاعه نماز می کنند.

مؤسسه دارالمعارف شیعی قم

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



دارالعرفان

مؤسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

انتقاد شیخ حسین انصاریان از تهاجمات قلمی و لفظی: فضا را آلوده و نجس کرده اند

چکیده: حجت الاسلام و المسلمین انصاریان می‌پرسد «کجا رفت مهرورزی‌ها و صفاها؟» «اخلاق انبیا کجا رفت؟» «زبان‌ها و قلم‌های پاک کجا رفت؟» گفت: این کفران نعمت است که این‌گونه فضا را آلوده و نجس کرده‌اند... حجت الاسلام و المسلمین انصاریان می‌پرسد «کجا رفت مهرورزی‌ها و صفاها؟» «اخلاق انبیا کجا رفت؟» «زبان‌ها و قلم‌های پاک کجا رفت؟» گفت: این کفران نعمت است که این‌گونه فضا را آلوده و نجس کرده‌اند. به گزارش کلمه از سخنرانی این روحانی در مراسم شب اربعین در مسجد امام صادق (ع) تهران حجت الاسلام و المسلمین انصاریان با طرح این سوال که آیا معنی شکر در اسلام پرآوردن لفظ مقدس از نوک زبان است؟ گفت: این نهایت تمسخر است، شکر نعمت عملی است.

انصاریان سال گذشته نیز، با اشاره به برخی مشکلات و نابسامانی‌های موجود در کشور، از مردم عذرخواهی کرد و می‌گفت: ما که شعار دادیم، متبر رفتیم، برای انقلاب بیایه دادیم، شما مردم را تشویق به انقلاب کردیم، دنبال میز و پست نبودیم و نیستیم. ما وقتی به دنبال انقلاب و پیروزی آن بودیم، چنین وضعی که در کشور پیش آمده را نمی‌خواستیم.

شب گذشته نیز وی با اشاره به این‌که تعریف از کارهای مثبت روش اهل بیت (ع) است، کتمان یا تکذیب خوبی مسئولان در جامعه اسلامی را کفران نعمت دانست و گفت: متأسفانه در جامعه ما کافران به نعمت خدا زیاد هستند. این استاد حوزه علمیه با بیان این‌که شکر یعنی هر نعمتی را در جای خود تحقق عملی دادن در راه خدا اظهار داشت: شکر نعمت قدرت، عدالت واقعی می‌باشد، شکر نعمت قلم، این است که خداوند بتواند به آن نوشته و قلم قسم بخورد اما در غیر این‌صورت این کفران نعمت است، اگر قدرتی صرف ظلم شود و یا قلمی صرف هجوم به یک فرد ابرومند، مدیر قوی، رزمنده، فرد مدبر و دلسوز و یا آبادگر شد این کفران نعمت است و ضدیت با پروردگار است و این از مبدایی به نام حسد سرچشمه می‌گیرد.

وی با بیان حدیثی از امام صادق (ع) مبنی بر این‌که روش ما اهل بیت (ع) این است که از کار مثبت اهل بیت تعریف کنیم و تکذیب کار خوبان کار دشمنان ماست گفت: این دشمنان هستند که خوبی‌ها را کتمان می‌کنند، بدی می‌سازند و بدی‌ها را به دیگران نسبت می‌دهند و متأسفانه در جامعه ما کافران به نعمت خدا زیاد هستند.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



WWW.ANSARIAN.IR - WWW.ANSARIAN.IR

پایگاه اطلاع رسانی
حضرت استاد حسین انصاریان

فصل کرام | نهج البلاغه | صحیفه سجاده | فتاوی الحائری | تالیفات | سخنرانیها | بیوتی الحسین | پرسش و پاسخ | کتابخانه | کتب ها | برنامه سخنرانیها

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

۱۳۹۱

دی

۱۶

پیام تسلیت مرکز دارالعرفان به مناسبت ارتحال حضرت آیت الله مجتبی نهرانی



خبرگزاری رسا - استاد حسین انصاریان با اشاره به این که تعریف از کارهای مثبت روش اهل بیت (ع) است، کتمان یا تکذیب خوبی مسئولین در جامعه اسلامی را کفران نعمت دانست و گفت: متأسفانه در جامعه ما کفران به نعمت خدا زیاد هستند. به گزارش خبرنگار خبرگزاری رسا، استاد حسین انصاریان از اساتید حوزه علمیه شامگاه چهارشنبه سیزدهم دی ماه در مراسم شب اربعین که در مسجد امام صادق (ع) تهران واقع در میدان فلسطین برگزار شد اظهار داشت: از مدینه تا مکه بیش از هفتاد فرسخ از جاده قدیم راه است و هزار و پانصد سال قبل وجود مبارک حضرت سیدالشهدا ۲۵ بار از منزل خود با پای برهنه این جاده را برای انجام حج و عمره طی می کردند.

استاد انصاریان با اشاره به این که امام معصوم با داشتن توان مالی، شهرهای جوان و اسبهای تیزرو با پای پیاده و برهنه ۲۵ بار از مدینه به سوی آن منطقه مقدس مرکز نور مرکز هدایت قبله عبادت سفر می کند گفت: امام (ع) با این عمل خود خواستند عظمت کعبه و مسجدالحرام و مناسک حج را به مردم بفهمانند که این خانه مسجد و مناسک از چه جایگاهی برخوردار است.

وی در ادامه افزود: البته خداوند جواب این پیامدرویی های او را داد امسال نزدیک ۱۸ میلیون نفر از شصت کشور پیاده و عده ای از آن ها با پای بدون کفش برای زیارت مزار او که کعبه دل ها و مرکز پخش نور خدا در عالم است حرکت کردند.

این واعظ برجسته با تأکید بر این که امام حسین (ع) این عظمت و شخصیت را دارد گفت: مهم ترین روایات مربوط به زیارت او است که اغلب آن ها در معتبرترین کتاب کامل زیارات جمع و عنوان بندی شده است، اگر تعدادی از آن روایات و متن را کنار هم بچینیم این معنا از آن در می آید که «زیارت قبرالحسین الفضل من زیارت امام الحی» زیارت قبر امام حسین (ع) یا فضیلت تر از زیارت امام زنده می باشد.

استاد انصاریان با اشاره به این که امام حسین (ع) در ۲۵ سفر هنگامی که به درب ورودی مسجدالحرام می رسیدند وارد مسجد نمی شدند بلکه صورت مبارک را روی دیوار بیرون مسجد می گذاشتند و به شدت گریه می کردند اظهار داشت: امام حسین (ع) به پیشگاه پروردگار با تواضع حاضر می شدند، چنان تواضعی که امروز در کسی از این هفت میلیارد جمعیت وجود ندارد.

وی افزود: حضرت سیدالشهدا (ع) پس از این تواضع و فروتنی با همان پای خسته و پرلله وارد مسجدالحرام می شدند و تا کنار بیت پیش می آمدند و در کنار بیت به دیوار کعبه تکیه می دادند و مانند ابر بهار گریه می کردند.

این استاد حوزه علمیه با بیان این که حدود ۱۵۰ سال است شیعه مانند آخوند خراسانی را مخصوصاً در علم اصول به خودش ندیده است گفت: در این ۱۵۰ سال هرکس مرجع تقلید شده است بر سر سفره این مرد، مرجع شده است، پهلوانان علم در شیعه با حاشیه زدن بر کتاب کفایه او پهلوان شدند، علم عالمان شیعه با حاشیه های بر کتاب آخوند سنجیده می شد.

استاد انصاریان افزود: فردی خواب آخوند خراسانی را دید و از او سوال کرد آقا شما از دنیا ترفند؟ فرمود بله من الان در دنیا تیستم، گفت آقا از برزختان می توانید برای ما تعریف کنید؟ گفت نه الزامی ندارم خبری از آن بدهم ولی یک خبری می توانم بدهم و آن این است که من که ۷۰ سال شناگر ۱۱ رشته علم بودم و در آن ها مجتهد بودم این جا که آمد حسین بن علی (ع) را شناختم.

این واعظ برجسته در رابطه با امام حسین (ع) تصریح کرد: این گوهر مجهول در عالم بعد برای مردم معلوم می شود و یک سر الهی است که در قیامت روشن خواهد شد.

ادامه در صفحه بعد...



دارالعرفان

موسسه دارالعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



www.ansarian.ir - www.ansarian.ir

پایگاه اطلاع رسانی دفتر
حضرت استاد حسین انصاریان

فهرست کتب | نهج البلاغه | صحیفه سجاده | فتاوی الحائ | تألیفات | سخنرانها | موضوعات | پرسش و پاسخ | مجازات | کتب ها | برنامه سخنرانها

پایگاه اطلاع رسانی (سای انصاریان)

۱۳۹۱ دی ۱۳

پیام تسلیت مرکز دارالعرفان به مناسبت ارتحال حضرت آیت الله مجتبی نهرانی



وی با بیان این که اگر همه دنیا حرفهای حضرت را می فهمیدند کره زمین بستر تواضع، پاکی، امنیت، فضیلت و درستی می شد و سبب می شد که مردم بهشت روز قیامت را در همین دنیا تجربه کنند گفت: این وجود مقدس به کعبه تکیه می داند و با پروردگار می گفتند «خدایا هر نعمت مادی و معنوی را که به بندهات حسین (ع) عنایت کردی یکبار حسین (ع) را در کنار هیچ نعمتی شاکر نیافتی یعنی من بر هر نعمت تو که شکر آن لازم است باید شکرش را انجام بدهم، برای این که به من توفیق انجام شکر را دادی نیز شکر لازم است و من کدام نعمت تو را توانستم شکر کنم.

استاد انصاریان با طرح این سوال که آیا معنی شکر در اسلام پرتیدن لفظ مقدس از نوک زبان است؟ گفت: این نهایت تمسخر است، شکر نعمت عملی است.

این استاد حوزه علمیه با بیان این که شکر یعنی هر نعمتی را در جای خود تحقق عملی دادن در راه خدا اظهار داشت: شکر نعمت قدرت، عدالت واقعی می باشد، شکر نعمت قلم، این است که خداوند بتواند به آن نوشته و قلم قسم بخورد اما در غیر این صورت این کفران نعمت است، اگر قدرتی صرف ظلم شود و یا قلمی صرف هجوم به یک فرد آبرومند، مدیر قوی، رزمنده، فرد مدبر و دلسوز و یا آبادگر شد این کفران نعمت است و ضلالت با پروردگار است و این از میدایی به نام حسد سرچشمه می گیرد.

وی با بیان حدیثی از امام صادق (ع) مبنی بر این که روش ما اهل بیت (ع) این است که از کار مثبت اهل مثبت تعریف کنیم و تکذیب کار خوبان کار دشمنان ما است گفت: این دشمنان هستند که خوبی ها را کتمان می کنند، بدی می سازند و بدی ها را به دیگران نسبت می دهند و متأسفانه در جامعه ما کافران به نعمت خدا زیاد هستند.

استاد انصاریان در پایان با طرح سؤالاتی نظیر «کجا رفت مهرورزی ها و صفاهای؟» «اخلاق انبیا کجا رفت؟» «زبان ها و قله های پاک کجا رفت؟» گفت: این کفران نعمت است که این گونه فضا را آلوده و نجس کرده اند.



دارالعرفان

موسسه دارالعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



به گزارش خبرگزاری اهل بیت (ع) - ابنا - گفتگویی که در زیر از نظر می‌گذرانید مصاحبه‌ای است. نشریه معارف با استاد حجت الاسلام والمسلمین انصاریان پیرامون عرفان مصطلح و تصوف صورت گرفته است. توجه شما را به این گفتگو جلب می‌کنیم. همان‌گونه که مستحضردر مورد خاستگاه «عرفان اسلامی» نظریه‌های متعددی وجود دارد؛ نظر شما در این باره چیست؟ نسبت عرفان با دین را چه می‌دانید؟

استاد انصاریان: ابتدا باید به این حقیقت توجه کرد که اگر منظور از عرفان، محصول فکری و نظری اندیشمندان و اهل حال جوامع گوناگون و ملت‌ها و آیین‌های مختلف است، تقریباً همه آنان با اختلاف آیین‌هایشان بر اصول و بخش عمده‌ای از فروع آن اجماع دارند و به صورت ذاتی نظری که در حدی هم قابل عمل است درآمده و تحت عنوان عرفان ارائه شده، که بخشی مبتنی بر فطرت انسان‌هاست و این منبع در همه این‌ها بشر مشترک است و البته بخشی تحت تأثیر فرهنگ‌های جوامع و یا حالات روحی و روانی اشخاص می‌باشد و بتأثیر این ارتباطی به اصل دین ندارد، و دین از امضای کامل آن امتناع دارد. اما اگر مقصود از عرفان، عشق سوزانی است که از معرفت به اوصاف و کمالات و زیبایی بی‌نهایت حضرت رب‌العزّه، از طریق قرآن و معارف اهل بیت (ع) به ویژه دعاها و چون کمیل، عرقه سیدالشهدا (ع) و ابو حمزه ثمالی در قلب ظهور می‌کند و موتور برای حرکت انسان به سوی لقاءالله و رضوان الهی است و عامل عمل به خواسته‌های حق و رنگ گرفتن از اخلاق الهی است، باید گفت چنین عرفانی به منزله روح دین و صفای آیین و مایه و پایه دینداری می‌باشد.

یکی از پرسش‌های جدی و دل‌مشغولی‌های اندیشمندان بزرگ اسلامی، رابطه «عرفان و فلسفه» یا راه «دل و عقل» است؛ نظر شما در این باره چیست؟ برای وصول انسان به حقیقت، کدام راه کفایت می‌کند؟

استاد انصاریان: فلسفه در اصل دانشی بشری است که بر پایه استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است؛ که البته بسیاری از امور مربوط به بخش طبیعی آن با پدید آمدن علوم جدید و ابزار نو، از میان رفته و باطل شده است. بخش علمی و معارفی فلسفه که در پرورش ذهن و اندیشه و در حد پخته شدن عقل باقی مانده، به نظر می‌رسد رابطه‌ای با عرفان خالص دینی ندارد؛ اما بسیاری از فلاسفه کوشیده‌اند فلسفه را با عرفان بشری آشتی داده و مکتبی فلسفی - عرفانی از آن بسازند و اصرار بر این دارند که آن راهی که فلسفه برای اثبات موضوعی به کمک استدلال حلی می‌کند، همان راه را دل در صورتی که از همه دلائل اخلاقی و شائبه‌ها پاک باشد، حلی می‌کند. فلسفه از طریق دلیل، دل از طریق کشف و شهود، عمل می‌کند؛ ولی جای این پرسش هست که آیا دل غیر از دل ثبوت و امانان معصوم (ع) به عرصه کشف و شهود راه دارد یا نه؟ اگر دارد دل چه طایفه‌ای؟ و نمونه آن دل والا و پاک از هر عیب و نقص، دل کیست؟ با توجه به این‌که شاهد روشنی بر اثبات کشف و شهود اهل دل، از طریق آیات قرآنی و روایات اهل بیت (ع) در منظر ما وجود ندارد، ادعاهایی که در این زمینه در «فتوحات» محی‌الدین عربی و شرح «گلشن راز» شبستری و «صالحیه» ملاعلی گنابادی و امثال این کتب می‌بینیم را نمی‌توانیم بپذیریم. بنابراین عرفان اصطلاحی نه عرفان ناب قرآن و اهل بیت (ع)، رابطه‌ای قوی و مستحکم با فلسفه ندارد؛ و به نظر می‌رسد آشتی بین این دو رشته، به زور و به دور از انصاف صورت گرفته است و آشتی عقلی و علمی به نظر نمی‌رسد.



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



نسبت «عرفان» با «تصوف» چیست؟ موضع افتراق و اشتراک آنها چیست و یا کجاست؟

استاد انصاریان: اولاً با مطالعه دقیق در آثار متصوفه پیش و پس از اسلام، اموری به دست می‌آید که دست کم برخی از آنها بر خلاف اصول دین خدا و بخشی از فروع اسلامی است؛ مانند: دوری از عمل‌گرایی و تن به راحت و استراحت سپردن، جدایی دین از سیاست، مخالفت شدید با فقیهان مکتب اهل بیت (ع)، صلح و سازش با همه پیروان مکتبها و به عبارت دیگر صلح کلی بودن؛ چنان‌با نیک و بد سر کن که بعد از مرگت عرفی

مسلمات به زمزم شوید و هندو بسوزانند

نزدیکی به پادشاهان ستمگر و تأمین مخارج خاندانها از طریق شاه و درباریان و خوردن هرگونه مالی که به صوفی هدیه شود، تأویل عجیب و غریب آیات قرآن و روایات - از باب نمونه تفسیر این‌عربی و تأویلات نجمیه - به جای رویکرد به قرآن و اهل بیت (ع) رویکرد شدید به شعر و شاعری و خیال‌پردازی، اباحه‌گری، ایجاد روح رخوت و سستی در امت تحت عنوان رضا به قضای الهی، بی تفاوت بودن به جنگ امت با ستمگران و نهایتاً بیهوده دانستن جنگ، تهمت به پاکان و نیکان در اشعار و مقالات، انباشته شدن کتب صوفیه از مطالبی که از مکتبهای بودایی، هندویی، فلوطینی، فرغوریوسی، چینی و البته اندکی نیز از اسلام، و...

موضوع افتراق تصوف با عرفان و اشتراکش با آن چندان قابل توجه نیست. هر دو مکتب در بعضی از امور مثل حال باطنی یا هم مشترک و در بعضی از امور مانند مبدأ پیدایش و برخی از قواعد از هم جداست. کتاب «عارف و صوفی» مرحوم حاج میرزا جواد آقا تهرانی، چندان تفاوتی بین عارف و صوفی قائل نیست، بلکه هر دو را یک مسلک یا دو نام می‌داند.

حضرت عالی نزاع دایم تاریخی فقهاء (اهل شریعت) با اهل معنا (اهل طریقت، به ویژه متصوفه) را چگونه تفسیر می‌کنید؟

استاد انصاریان: در مجموع با توجه به سیر تصوف و عرفان و مسائل بیان شده در هر دو مکتب که به اجمال در سه بخش قبل بیان شد، حق بودن نزاع فقها به ویژه فقه‌های شیعه روشن می‌شود؛ چرا که نزاع فقها با عارفان اصطلاحی (نه عارفان حقیقی که از مشرب عرفان ناب شیعی سیراب می‌شوند) و متصوفه و به عبارت دیگر اهل طریقت، به این علت بوده که رواج این مکتب را در امت سبب هدم دین و به حاشیه رانده شدن فقه و موجب خطر تأویل نادرست آیات و روایات می‌دانستند و از این وحشت داشتند که مکتب اهل بیت (ع) چون خود اهل بیت (ع) از جامعه جدا شود و محبوس گشته، امت از آن محروم شوند.

ایا کشف و شهود در عرفان اسلامی حجیت دارد؟ به عبارت دیگر نسبت خارق عادت و یا کرامات با حقیقت چیست؟ ملاک اثبات صحت و سقم تجربه‌های عرفانی چه می‌باشد؟

انصاریان: اگر مراد از کشف و شهود در عرفان منتسب به اسلام همان باشد که در «فتوحات» ابن عربی، «صالحیه» ملا علی گنابادی و «گلشن‌راز» شیشتری آمده، و مراد از خارق عادت آن باشد که در «تذکره» عطار، «طیقات صوفیه»، «حلیه الاولیاء» ابونعیم، «تفسیر روح البیان» و «کیمیای محبت» ضبط شده، باید گفت: هیچ دلیلی بر حقانیت کشف و شهود ادعا شده از قرآن و روایات نداریم. اما اگر مراد شهود قلبی انبیا و ائمه (ع) و کرامات و خارق عادات آنان است، در صریح قرآن و روایات به عنوان حقیقت و کاری که مصدق نبوت و امامت است، به صورت فراوان بیان شده است.



دارالعارفین

موسسه دارالعارفین شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعارفین

فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



از نظر شما مؤلفه‌های عرفان و سلوک ناب اسلامی - شیعی چیست؟

استاد انصاریان: عرفان شیعی، مرکب از سه مقوله «معرفت»، «عشق به حق»، «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره/۱۶۵)، و «عمل و حرکت» است؛ و سلوک عرفانی اسلامی شیعی با توجه به آیات و معارف حقه نهایتاً عبارت است از: اجتناب از محرمات ظاهری و باطنی «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ» (انعام/۱۵۱)، تخلق به اخلاق حسنه و عمل بر اساس فقه اهل بیت(ع)، که جز این سه مرحله گمراهی است، گرچه رنگ و لعاب دینی داشته باشد.

تحلیل شما از موج معنویت‌گرایی توپدید و عرفان‌های جدید در جهان چیست؟ آیا منشأ این مسئله، احساس خلاء معنویت ناب و اسیل است و یا پروژه‌ای سیاسی برای تحت تأثیر قرار دادن ادیان الهی می‌باشد؟ به نظر شما بهترین راه مقابله با این موج یا هدایت و مدیریت آن در ایران اسلامی چیست؟

انصاریان: قطعاً موج معنویت‌گرایی در دنیای امروز معلول و محصول خلأ معنوی بشر است که مکتب‌های مادی و الحادی در شرق و غرب سبب این خلأ شده‌اند؛ اما سیاست‌آزان جهانی و ملحدان به کار گرفته از طرف استعمارگران و استثمارچیان به شدت با پروژه های دین‌سازی و عرفان‌سازی جدید، پرکردن این خلأ را پی می‌گیرند تا از رشد جهانی دین اسلام و مکتب ناب قرآن و اهل بیت(ع) جلوگیری کنند.

راه مقابله با این خلأ معنوی رساندن پیام اسلام ناب با رسانه‌های صدا و سیما، مجلات، روزنامه‌ها و جذب نسل جدید به معارف دینی است؛ و به خصوص باید از این وسایل مدرن در شناساندن خطرات عرفان‌های کاذب به نسل کنونی کشور اقدام کرد. در این زمینه نیز واجب و ضروری است مساجد و حسینیه‌ها را به هر شکل ممکن تبدیل به حوزه بسیار پرجاذبه از نظر ساختمان و اموری چون کتابخانه و برنامه‌های جذاب مستمر سالانه به ویژه در اوقات فراغت نمود و به تقویت و عطا درس‌خوانده در حوزه‌ها و مورد تأیید علمی مدارس دینی و عالمان واجد شرایط پرداخت و منابع و رادیو و تلویزیون را از دست بی‌سوادان و بی‌هنران و آنان که سخنرانی هایشان مردم و نسل را دین‌گریز می‌کنند گرفت و در این زمینه به‌خاطر اسلام هیچ مشابهتی را روا نداشت. نیز لازم است جزوایی متین، استوار، مستدل، کیم‌حجم، یا جاذبه ادبی از طریق دانشگاه‌ها، مدارس، ادارات، مساجد، در اختیار نسل جدید قرار داد و خطرات و دشمنان را به آنان شناساند.

تحلیل شما از گسترش نشر و استقبال روزافزون از کتاب‌های شرح احوال عرفاء و اهل معنا در جامعه چیست؟ آثار مثبت و آسیب‌های محتمل این امر را چه می‌دانید؟

استاد انصاریان: سخنرانی‌های ناب و صحیح حضرت امام خمینی(ره) در اوایل پیروزی انقلاب و چند سال پس از آن در رابطه با معنویت و یا اشارات ایشان به مسائل عرفان، نسل ما را مجذوب عرفان نمود. بخشی از این نسل بدون مراجعه به اهل فن و بدون مطالعه کتب پرمحتوا و نقاد، به مسائل روحی و عرفان‌گرا گرایش پیدا کرد، و به دنبال مباحث عرفانی و شرح حال عرفا رفت. گروهی از کسانی که در هر زمان با هر دست‌آویزی حریصانه برای پر کردن جیب خود از مال و مثال دنیا و پول و ثروت در تکیاوبند، از این پدیده معنوی سوء استفاده کرده و به نوشتن و قروختن این‌گونه کتاب‌ها در شرح احوال اشخاص گذشته و معاصر پرداختند؛ کتاب‌هایی که پر از داستان‌های غیرواقعی و کشف و کرامات ساختگی بوده است.

ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



من سالیان طولانی با برخی از کسانی که این‌گونه کتاب‌ها در باره آنان نوشته شده است، مراوده و معاشرت داشتم، و با این که خود به شدت در طلبش بودم، اما آنچه این بازرگانان ثروت نوشته‌اند، از آنان ندیدم! کرامات اینان فقط در تقوا و عمل صالح فردی‌شان بود هیچ‌کدام به اندازه یک میلیونوم خمینی بزرگ نه با مردم بودند، نه برای دین و مردم در برابر استبداد و استعمار مبارزه کردند و نه کار چشم‌گیری برای مردم و دغدغه آنان انجام دادند؛ بلکه برخی از آنان جز عبادت فردی و حفظ شخصیت و ابروی خود کاری نداشتند! روی این حساب من اکثر آن کتاب‌ها را چنان که در منابر و مجالس خصوصی‌ام اعلام کرده‌ام، قبول ندارم، بنده آن کتاب‌ها را فقط وسیله ارتزاق و تخریب عقاید حقه مردم می‌دانم. البته تنها کتابی که در این مورد سفارش به خواندنش دارم «فضیلت‌های فراموش شده» شرح حالات اخوند ملاعباس تربتی است که این کتاب، کتاب متین و درستی است و کرامات اخلاقی و عملی اخوند در آن به قلم فرزند دانشمند و روشنفکرش مرحوم راشد تربتی بیان شده و در تربیت و رشد طلاب و نسل انقلاب مؤثر است. دیگر کتاب‌ها جز این که نگاه مردم را از اهل‌بیت و کرامات آن عرشیان فرشین به دیگران معطوف نماید، اثر دیگری ندارد و شاید بدون توجه مؤلفانش به همین خاطر نوشته شده باشد.

همان‌گونه که اطلاع دارید علاوه بر درس اخلاق اسلامی در دانشگاه، یکی از دروس معارف اسلامی که به شکل اختیاری ارائه می‌شود «درس عرفان عملی در اسلام» است. نظر شما در این باره چیست؟ استاد این درس چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ آیا شما خود طرح مطالعاتی خاصی در این باره پیشنهاد می‌کنید؟ لطفاً منابع اصیل عرفان اسلامی را برای استاد و دانشجو - به تفکیک سطح - برشمارید.

بنده اغلب جزوئی که به عنوان معارف اسلامی تدریس می‌شود را به عنوان معارف ناب قبول ندارم؛ زیرا آمیخته‌ای از فلسفه و کلام است و برای دانشجویان، پیچیده و گاهی غیر قابل ترک و به صورت غیرکاربردی و صرفاً تئوری است. علاوه بر آن که این مباحث اخلاقی هم گاهی مخلوط با نقل شده‌های کتب پوئنی شده است و بیشتر محتوای ادبی و انشایی دارد و از آیات قرآن و روایات در زمینه اخلاق، چنان که باید استفاده نشده است.

درس عرفان عملی اسلام، اگر صد در صد عرفان قرآنی - اهل‌بیتی باشد، قابل قبول است. این درس باید برگرفته از قرآن و مدرسه اهل‌بیت (ع) و دارای نظامی خاص و بدون ایرام و پیچیدگی و برای دانشگاهیان بسیار جذاب باشد؛ و باید اساتیدش با زبان حال آن را به دانشجویان انتقال دهند. این در صورتی است که اساتید خوششان به حقایق ناب اخلاق و عرفان آراسته باشند تا دانشجو مصداق عملی آن درس‌ها را با چشم سر و دیده دل ببیند؛ بلکه از طریق استاد در گردونه اخلاق و عرفان قرار گیرند، و خود اسوه و سرمشق دیگران شوند.

کتاب‌هایی مانند «محجة البیضاء» فیض کاشانی، «جامع السعادات» ملامهدی نراقی، مؤلفات میرزا احمد اشتیانی، «ادب فنای مرقبان» آیت‌الله جوادی آملی، شرح دعای کمیل حقیر، و از همه بهتر اگر بتوان تلفیقی از همه آنها به دست داد، را سفارش می‌کنم. البته مؤسسه دارالعرفان با گردهم آوردن اساتیدی مؤمن و مخلص و محقق، در صدد تألیف دو نوع کتاب عرفانی است؛ یکی برای تدریس در لایمهای مختلف دانشجویی و دیگری شرح حال عرفای اصیل شیعی برای عموم.



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



همانگونه که می‌دانید، در حال حاضر دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها با رویکرد فلسفی - کلامی عرضه می‌شود (به ویژه اندیشه اسلامی ۱ و ۲)؛ به نظر شما این رویکرد و تمرکز بر براهین فلسفی، چقدر می‌تواند در تقویت ایمان و اعتقاد و جذب جوانان به دین و جلوگیری از دین‌گریزی آنها مؤثر باشد؟

استاد انصاریان: با وجود زحمات و خدمات پدید آورندگان، بنده اندیشه اسلامی ۱ و ۲ را برای دانشجویان به عنوان اندیشه اسلامی ناب نمی‌پسندم. از طریق منابع در شهرهای مختلف، از برخی دانشجویان هم شنیدم که از آن کتابها گریزانند و فقط به خاطر به دست آوردن نمره آنها را می‌خوانند! پس اثر چندان مطلوبی در حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین‌گریزی آنان ندارد. به نظر می‌رسد اگر تفسیر مختصری به اندازه همین کتابها و حجم آنها از آیات قرآن در زمینه حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین‌گریزی و نیز بخش‌هایی از نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه و روایات مربوطه به صورتی زیبا یا عنوان‌بندی‌های جذاب و به شکلی منظم به عنوان اندیشه اسلامی ۱ و ۲ و دیگر متون وابسته به این رشته تدوین شود، چون هر سه از نور وحی و ولایت صادر شده، اثر فوق‌العاده‌ای بر مخاطب خود دارد و دل‌ها را آن چنان که باید منور می‌کند و قدمها را در مسیر دین ثابت نگاه می‌دارد و درس‌گریزی را علاج می‌کند و دانشجویان را با اسلام ناب محمدی (ص) آشنا می‌سازد. پس باید هر چه زودتر این کار انجام گیرد که بسیار دیر است. در پایان از بذل توجه و اختصاص وقتی که به معارف و مخاطبان فرهیخته آن دادید، تشکر می‌کنم.

من هم از شما متشکرم، موفق باشید.

استاد انصاریان در یک نگاه:

حجت الاسلام والمسلمین استاد شیخ حسین انصاریان در سال ۱۳۳۳ شمسی در شهر عالم‌پور خوانسار متولد شد. پدر و مادر او از دو خاندان شناخته شده و خدمتگذار به دین و علم، در آن دیار بوده است. استاد در خاطره‌ای از سن ۳ سالگی خود، بیان می‌کند: «روزی آیت‌الله العظمی محمدتقی خوانساری (ره) به منزل جد ما آمده بود. من در سنین کودکی در اتاق را باز کردم و مستقیم به طرف آیت‌الله خوانساری رفتم و در آغوش او نشستم. پدر بزرگم جلو آمد که من را به اندرون ببرد. آیت‌الله خوانساری جلوی او را گرفت و مرا نوازش کرد و از من پرسید: می‌خواهی در آینده چکاره شوی؟ جواب دادم: می‌خواهم مثل شما بشوم. ایشان در حق من دعا کرد. هر گاه شیخ آن خاطره از ذهنم می‌گذرد، و یاد آن چهره ملکوتی و دعای آن بزرگوار که می‌افتم، یکی از شیرین‌ترین خاطرات عمرم در ذهنم تدلعی می‌شود».

وی در سومین بهار زندگی، همراه خانواده به تهران منتقل شد و در یکی از محله‌های مذهبی آن شهر - خیابان خراسان - سکونت گزید. در آن زمان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی اکبر برهان (ره)، محور علمی آن منطقه و امام جماعت مسجد لر زاده بود. آن مرحوم مدرسه‌ای را در آن منطقه بنا نهاد که شاگردانش از کلاس اول تحت تربیت مستقیم خود او قرار گرفته بودند. به این ترتیب استاد انصاریان از همان اوان کودکی محضر پرفیض آن استاد ربانی را درک کرد. همچنین در آن سال‌ها با چهره‌های الهی چون آیت‌الله سید محمدتقی غضنفری امام جماعت مسجد دو راه شهر خوانسار، آیت‌الله سید حسین علوی از مجتهدان سرشناس خوانسار، مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدعلی ابن‌الرضا خوانساری و مرحوم آیت‌الله الهی قمشای، مانوس بود.



تحصیلات حاج شیخ حسین در دو حوزه علمیه تهران و قم بوده است. در تهران محضر عالم ربانی آیت‌الله میرزا علی فلسفی - که جزء معدود کسانی بود که مرحوم آیت‌الله العظمی خویی کتباً به اجتهاد او تصریح کرد - درک نمود. وی در حوزه علمیه قم نیز محضر بزرگانی چون آیت‌الله حاج شیخ عباس طهرانی، حاج آقا حسین فاضلی، آیت‌الله اعتمادی، آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی، آیت‌الله محمدی گیلانی و آیت‌الله صالحی نجف آبادی را درک نمود و بهره‌ها برد. سپس در مرحله استنباطی فقه و اصول - درس خارج - از محضر فقه‌های عظامی همچون: آیت‌الله سید محمد محقق داماد، آیت‌الله حاج شیخ ابوالفضل نجفی خونساری و به ویژه آیت‌الله العظمی حاج میرزا هاشم املی لاریجانی، استفاده‌ها نمود.

استاد بعد از تحصیل علوم دینی و اتمام مدارج عالی حوزوی، به منظور نیل به هدف عالی تحقیق و تألیف و تبلیغ علوم اسلامی، از حوزه علمیه قم به تهران مراجعت نمود؛ که بیش از چهل سال، در داخل و خارج کشور مشغول خدمت در انجام وظایف الهی خود بوده و هست.

افزون بر سی هزار ساعت سخنرانی و بیش از هشتاد عنوان کتاب در قالب ۱۳۰ مجلد، گزارش کوتاه و گویایی از خدمات علمی و دینی استاد انصاریان است.

فهرست برخی از تألیفات فارسی ایشان عبارتند از: ترجمه قرآن کریم، ترجمه نهج البلاغه، ترجمه صحیفه سجاده، دیار عاشقان (تفسیر و شرح صحیفه سجاده در ۱۵ جلد)، ترجمه و بازنویسی مفتاح‌الجنان، شرح دعای کمیل (۲ جلد)، اهل بیت (ع) عروشیان فرش نشین، عرفان اسلامی (شرح مصباح الشریعه در ۱۵ جلد)، مونس جان، سیری در معارف اسلامی (۱۸ جلد)، جلوه‌های رحمت الهی، فرهنگ مهرورزی، زیبایی‌های اخلاق، بر بال اندیشه (۲ جلد)، با کاروان نور، لقمان حکیم، فروغی از تربیت اسلامی، رسائل حج، دیوان مسکین (مجموعه اشعار عرفانی)، پرسش‌ها و پاسخ‌ها (۵ مجلد)، نظام خانواده در اسلام، اسلام و علم و دانش، امام حسن بن علی (ع) را بهتر بشناسیم: معنویت اساسی‌ترین نیاز عصر ما، اخلاق خوبان، در بارگاه نور، چهره‌های محبوب و مغفور قرآن، راهی به سوی اخلاق اسلامی، ولایت و رهبری از دیدگاه نهج البلاغه، مجموعه مقالات، نفس، و... .

همچنین آثاری چند از استاد، تا کنون به زبانهای خارجی ترجمه و چاپ شده، که برخی از عناوین آنها عبارتند از: با کاروان نور (انگلیسی)، نظام خانواده در اسلام (انگلیسی، اردو، روسی، ترکی استانبولی، عربی)، شرح دعای کمیل (عربی، اردو، انگلیسی)، توبه آغوش رحمت (عربی، انگلیسی، اسپانیولی، اردو)، اهل بیت (ع) (عربی، اردو، انگلیسی، روسی)، معاشرت (عربی، اردو، انگلیسی)، شبکه «تئویزین اینترنتی معارف و عرفان» و نیز «مؤسسه دارالمعارف شیعی» (مرکز دارالعرفان شیعی) به نشانی: www.erfan.ir. با اشرف ایشان در فضای مجازی فعال است.

و اینک با تشکر از همکاری مسئولان محترم «مؤسسه دارالمعارف شیعی» در به سامان رسیدن این گفتگوی مکتوب، و تشکر از استاد ارجمند، مشروح نقطه نظرات استاد انصاریان را تقدیم شما فرهیختگان می‌کنیم.



دارالعرفان
مؤسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

خاطرات شیخ حسین انصاریان از جهان پهلوان تختی

۱۳۹۱

دی

۱۸

حجة الاسلام و المسلمین «شیخ حسین انصاریان» سخنران سرشناس در خاطره‌ای در مورد جهان پهلوان تختی، چنین گفت: چند سالی که در محله خانی آباد منبر می‌رفتم، وی همراه خانواده‌اش پای منبر می‌آمدند. خود من نیز گاه گاهی به زورخانه می‌رفتم. بدین ترتیب به مرور زمان با هم آشنا شده بودیم.

به گزارش شیعه آنلاین، «شیخ حسین انصاریان» می‌افزاید: عللی برای کشته شدن او ذکر می‌کنند. برای مثال روزی به بازار رفته بودم، از جلوی مغازه آقای شکوهی، پدر یکی از دوستان هم دوره‌ای مدرسه‌ام، رد می‌شدم. مرا صدا زد و خواست تا با هم چای بخوریم. ایشان سید بزرگوار بود و مغازه چای فروشی داشت. صحبت از تختی شد. او گفت که «زمانی وقتی تختی این جا بود، من به او گفتم پهلوان باید خواست خیلی جمع باشد. من می‌ترسم با دوسه برنامه‌ای که داری به مشکلی بر بخوری و خدای ناکرده کار دست خودت بدهی. یکی ارتباط با سید محمود طالقانی است، دیگری عضویت در جبهه ملی و بالاخره محبوبیتی که در بین مردم داری».

انصاریان در ادامه خاطره خود افزود: مرحوم غلامرضا تختی در بین مردم خیلی عزیز و پرطرفدار بود. در زلزله یوبین زهرا، برای جمع آوری کمک‌های مردمی از طرف دولت چادرهایی برپا شده بود، اما مردم به آنها توجه چندانی نمی‌کردند. یک مرتبه آقای تختی وسط سبزه میدان بازار، بلند فریاد زد: «ای مردم، کمک کنید.» با ندای آن رانمرد، سیل کمک‌های مردمی سرازیر و انبوهی از انواع و مایحتاج زلزله زدگان وسط میدان جمع شد.

شیخ حسین در ادامه گفت: یک بار نیز در باشگاهی در نزدیکی پارک شهر، مجلسی برپا و شاهپور غلامرضا، برادر شاه، دعوت بوده است. وقتی وارد می‌شود، مردم توجهی نمی‌کنند و استقبالی از او به عمل نمی‌آورند. تقابلی بعد، غلامرضا تختی وارد می‌شود. مردم همه سرپا می‌ایستند و کف مرتبی برایش می‌زنند و با سر دادن شعارهایی ابراز احساسات می‌کنند. بدین ترتیب شاهپور غلامرضا خیلی کوچک می‌شود و پیش روی مردم احساس خواری و ذلت می‌کند.

«شیخ حسین انصاریان» در پایان خاطرات خود گفت: در محله خانی آباد در مجلس ختم او شرکت کردم. مراسم به آرامی برگزار شد، اما در مجلس شب هفت او که در این بابویه برگزار شد، از اقشار مختلف مردم، شرکت داشتند، بخصوص انقلابیون و ملی‌گراها که در تضاد با حکومت بودند.



دار العرفان
موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مراکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



حجت الاسلام انصاریان مطرح کرد: فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



فلسفه در اصل دانشی بشری است که بر پایه استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است؛ که البته بسیاری از امور مربوط به بخش طبیعی آن با پدید آمدن علوم جدید و ابزار نو، از میان رفته و باطل شده است.

به گزارش مشرق؛ گفتگویی که در زیر از نظر می‌گذرانید مصاحبه نشریه معارف با استاد حجت الاسلام و المسلمین انصاریان پیرامون عرفان مصطلح و تصوف است که توجه شما را به این گفتگو جلب می‌کنیم.

همان‌گونه که مستحضردر مورد خاستگاه «عرفان اسلامی» نظریه‌های متعددی وجود دارد؛ نظر شما در این‌باره چیست؟ نسبت عرفان با دین را چه می‌دانید؟

انصاریان: ابتدا باید به این حقیقت توجه کرد که اگر منظور از عرفان، محصول فکری و نظری اندیشمندان و اهل حال جوامع گوناگون و ملت‌ها و آیین‌های مختلف است، تقریباً آنان با اختلاف آیین‌هایشان بر اصول و بخش عمده‌ای از فروع آن اجماع دارند و به صورت دانشی نظری که در حدی هم قابل عمل است درآمده و تحت عنوان عرفان ارائه شده، که بخشی مبتنی بر فطرت انسان هاست و این متبع در همه آبنای بشر مشترک است و البته بخشی تحت تأثیر فرهنگ‌های جوامع و یا حالات روحی و روانی اشخاص می‌باشد و بنابر این ارتباطی به اصل دین ندارد، و دین از امضای کامل آن امتناع دارد اما اگر مقصود از عرفان، عشق سوزانی است که از معرفت به اوصاف و کمالات و زیبایی بی‌نهایت حضرت رب‌العزّه، از طریق قرآن و معارف اهل‌بیت(ع) به ویژه دعاها و چوین کمیل، عرقه سیدالشهدا(ع) و ایوحمزّه ثمالی در قلب ظهور می‌کند و موتور برای حرکت انسان به سوی لقاءالله و رضوان الهی است و عامل عمل به خواسته‌های حق و رنگ گرفتن از اخلاق الهی است، باید گفت چنین عرفانی به منزله روح دین و صفای آیین و مایه و پایه دینداری می‌باشد.

یکی از پرسش‌های جدی و دل‌مشغولی‌های اندیشمندان بزرگ اسلامی، رابطه «عرفان و فلسفه» یا راه «دل و عقل» است؛ نظر شما در این‌باره چیست؟ برای وصول انسان به حقیقت، کدام راه کفایت می‌کند؟

انصاریان: فلسفه در اصل دانشی بشری است که بر پایه استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است؛ که البته بسیاری از امور مربوط به بخش طبیعی آن با پدید آمدن علوم جدید و ابزار نو، از میان رفته و باطل شده است. بخش علمی و معارفی فلسفه که در پرورش ذهن و اندیشه و در حد پخته شدن عقل باقی مانده، به نظر می‌رسد رابطه‌ای با عرفان خالص دینی ندارد؛ اما بسیاری از فلاسفه کوشیده‌اند فلسفه را با عرفان بشری آشتی داده و مکتبی فلسفی - عرفانی از آن بسازند و اصرار بر این دارند که آن راهی که فلسفه برای اثبات موضوعی به کمک استدلال طی می‌کند، همان راه را دل در صورتی که از همه ردائل اخلاقی و شائبه‌ها پاک باشد، طی می‌کند. فلسفه از طریق دلیل، دل از طریق کشف و شهود، عمل می‌کند؛ ولی جای این پرسش هست که آیا دلی غیر از دل انبیا و امامان معصوم(ع) به عرصه کشف و شهود راه دارد یا نه؟ اگر دارد دل چه طایفه‌ای؟ و نمونه آن دل والا و پاک از هر عیب و نقص، دل کیست؟ با توجه به این‌که شاهد روشنی بر اثبات کشف و شهود اهل دل، از طریق آیات قرآنی و روایات اهل‌بیت(ع) در منظر ما وجود ندارد، ادعاهایی که در این زمینه در «فتوحات» محی‌الدین عربی و شرح «گلشن راز» شبستری و «صالحیه» ملاعلی گنابادی و امثال این کتب می‌بینیم را نمی‌توانیم بپذیریم. بنابر این عرفان اصطلاحی نه عرفان ناب قرآن و اهل‌بیت(ع)، رابطه‌ای قوی و مستحکم با فلسفه ندارد؛ و به نظر می‌رسد آشتی بین این دو رشته، به زور و به دور از انصاف صورت گرفته است و آشتی عقلی و علمی به نظر نمی‌رسد.

ادامه در صفحه بعد...



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



حجت الاسلام انصاریان مطرح کرد: فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



نسبت «عرفان» با «تصوف» چیست؟ موضع افتراق و اشتراک آنها چیست و یا کجاست؟

انصاریان: اولاً با مطالعه دقیق در آثار متصوفه پیش و پس از اسلام، اموری به دست می‌آید که دست کم برخی از آنها بر خلاف اصول دین خدا و بخشی از فروع اسلامی است؛ مانند: دوری از عمل‌گرایی و تن به راحت و استراحت سپردن، جدایی دین از سیاست، مخالفت شدید با فقیهان مکتب اهل‌بیت(ع)، صلح و سازش با همه پیروان مکتب‌ها و به عبارت دیگر صلح کلی بودن؛ چنان با نیک و بد سر کن که بعد از مرگت عرفی

مسالمات به زمزم شوید و هندو بسوزانند

نزدیکی به پادشاهان ستمگر و تأمین مخارج خانقاه‌ها از طریق شاه و درباریان و خوردن هرگونه مالی که به صوفی هدیه شود، تأویل عجیب و غریب آیات قرآن و روایات - از باب نمونه تفسیر ابن‌عربی و تأویلات نجمیه - به جای رویکرد به قرآن و اهل‌بیت(ع) رویکرد شدید به شعر و شاعری و خیال‌پردازی، اباحه‌گری، ایجاد روح رخوت و سستی در امت تحت عنوان رضا به قضای الهی، بی تفاوت بودن به جنگ امت با ستمگران و نهایتاً بیهوده دانستن جنگ، تهمت به پاکان و نیکان در اشعار و مقالات، اثبات شدن کتب صوفیه از مطالبی که از مکتب‌های بودایی، هندویی، فلوطینی، فرفوروسی، چینی و البته اندکی نیز از اسلام، و...

موضوع افتراق تصوف با عرفان و اشتراکش با آن چندان قابل توجه نیست. هر دو مکتب در بعضی از امور مثل حال‌یابانی با هم مشترک و در بعضی از امور مانند مبدأ‌پیدایش و برخی از قواعد از هم جداست. کتاب «عارف و صوفی» مرحوم حاج میرزا جواد آقاچه‌رانی، چندان تفاوتی بین عارف و صوفی قائل نیست، بلکه هر دو را یک مسلک با دو نام می‌داند.

حضرت‌عالی نزاع دائم تاریخی فقهاء (اهل شریعت) با اهل معنا (اهل طریقت، به ویژه متصوفه) را چگونه تفسیر می‌کنید؟

انصاریان: در مجموع با توجه به سیر تصوف و عرفان و مسائل بیان شده در هر دو مکتب که به اجمال در سه بخش قبل بیان شد، حق بودن نزاع فقها به ویژه فقه‌های شیعه روشن می‌شود؛ چرا که نزاع فقها با عارفان اصطلاحی (نه عارفان حقیقی که از مشرب عرفان ناب شیعی سیراب می‌شوند) و متصوفه و به عبارت دیگر اهل طریقت، به این علت بوده که رواج این مکتب را در امت سبب هدم دین و به حاشیه رانده شدن فقه و موجب خطر تأویل نادرست آیات و روایات می‌دانستند و از این وحشت داشتند که مکتب اهل بیت(ع) چون خود اهل‌بیت(ع) از جامعه جدا شود و محبوس گشته، امت از آن محروم شوند.

آیا کشف و شهود در عرفان اسلامی حجیت دارد؟ به عبارت دیگر نسبت خارق عادت و یا کرامت با حقیقت چیست؟ ملاک اثبات صحت و سقم تجربه‌های عرفانی چه می‌باشد؟

انصاریان: اگر مراد از کشف و شهود در عرفان منتسب به اسلام همان باشد که در «فتوحات» ابن‌عربی، «صالحیه» ملاعلی گنابادی و «گلشن‌راز» شبستری آمده، و مراد از خارق عادت آن باشد که در «تذکره» عطار، «طبقات صوفیه»، «طیبه‌الاولیاء» ابونعیم، «تفسیر روح‌البیان» و «کیمیای محبت» ضبط شده، باید گفت: هیچ دلیلی بر حقایق کشف و شهود ادعا شده از قرآن و روایات نداریم. اما اگر مراد شهود قلبی انبیا و ائمه (ع) و کرامات و خارق عادات آنان است، در صریح قرآن و روایات به عنوان حقیقت و کاری که مصدق نبوت و امامت است، به صورت فراوان بیان شده است.



دَارُ الْعِرْفَانِ

موسسه دارالعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعارف



حجت الاسلام انصاریان مطرح کرد: فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



از نظر شما مؤلفه‌های عرفان و سلوک ناب اسلامی - شیعی چیست؟

انصاریان: عرفان شیعی، مرکب از سه مقوله «معرفت»، «عشق به حق»، «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره/۱۶۵)، و «عمل و حرکت» است؛ و سلوک عرفانی اسلامی شیعی با توجه به آیات و معارف حقه نهایتاً عبارت است از: اجتناب از محرمات ظاهری و باطنی «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ» (انعام/۱۵۱)، تخلیق به اخلاق حسنه و عمل بر اساس فقه اهل‌بیت(ع)، که جز این سه مرحله گمراهی است، گرچه رنگ و لعاب دینی داشته باشد.

تحلیل شما از موج معنویت‌گرایی نوپدید و عرفان‌های جدید در جهان چیست؟ آیا منشأ این مسئله، احساس خلاء معنویت ناب و احصیل است و یا پروژه‌های سیاسی برای تحت تأثیر قرار دادن ادیان الهی می‌باشد؟ به نظر شما بهترین راه مقابله با این موج یا هدایت و مدیریت آن در ایران اسلامی چیست؟

انصاریان: قطعاً موج معنویت‌گرایی در دنیای امروز معلول و محصول خلاء معنوی بشر است که مکتب‌های مادی و الحادی در شرق و غرب سبب این خلاء شده‌اند؛ اما سیاست‌بازان جهانی و ملحدان به کار گرفته از طرف استعمارگران و استثمارچیان به شدت با پروژه‌های دین‌سازی و عرفان‌سازی جدید، پرکردن این خلاء را پی می‌گیرند تا از رشد جهانی دین اسلام و مکتب ناب قرآن و اهل‌بیت(ع) جلوگیری کنند.

راه مقابله با این خلاء معنوی رساندن پیام اسلام ناب با رسانه‌های صدا و سیما، مجلات، روزنامه‌ها و جذب نسل جدید به معارف دینی است؛ و به خصوص باید از این وسایل مدرن در شناساندن خطرات عرفان‌های کاذب به نسل کنونی کشور اقدام کرد. در این زمینه نیز واجب و ضروری است مساجد و حسینیه‌ها را به هر شکل ممکن تبدیل به حوزه بسیار پرجاذبه از نظر ساختمان و اموری چون کتابخانه و برنامه‌های جذاب مستمر سالانه به ویژه در اوقات فراغت نمود و به تقویت و اعطاء درس‌خوانده در حوزه‌ها و مورد تأیید علمی مدارس دینی و عالمان واجد شرایط پرداخت و منابع و رادیو و تلویزیون را از دست بی‌سوفان و بی‌هنران و آنان که سخنرانی‌هایشان مردم و نسل را دین‌گیز می‌کنند گرفت و در این زمینه به‌خاطر اسلام هیچ ممانعتی را روا نداشت. نیز لازم است جزواتی متین، استوار، مستدل، کهرججم، با جاذبه ادبی از طریق دانشگاه‌ها، مدارس، ادارات، مساجد، در اختیار نسل جدید قرار داد و خطرات و دشمنان را به آنان شناساند.

تحلیل شما از گسترش نشر و استقبال روزافزون از کتاب‌های شرح احوال عرفاء و اهل معنا در جامعه چیست؟ آثار مثبت و آسیب‌های محتمل این امر را چه می‌دانید؟

انصاریان: سخنرانی‌های ناب و صحیح حضرت امام خمینی(ره) در اوایل پیروزی انقلاب و چند سال پس از آن در رابطه با معنویت و یا اشارات ایشان به مسائل عرفان، نسل ما را مجذوب عرفان نمود بخشی از این نسل بدون مراجعه به اهل فن و بدون مطالعه کتب پرمحتوا و نقاد، به مسائل روحی و عرفان‌گرا گرایش پیدا کرد، و به دنبال مباحث عرفانی و شرح حال عرفا رفت. گروهی از کسانی که در هر زمان با هر دست‌آویزی حریصانه برای پر کردن جیب خود از مال و منال دنیا و پول و ثروت در تکاپویند، از این پدیده معنوی سوء استفاده کرده و به نوشتن و فروختن این‌گونه کتاب‌ها در شرح احوال اشخاص گذشته و معاصر پرداختند؛ کتاب‌هایی که پر از داستان‌های غیرواقعی و کشف و کرامات ساختگی بوده است.

ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



حجت الاسلام انصاریان مطرح کرد: فقه‌ای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



من سالیان طولانی با برخی از کسانی که این‌گونه کتاب‌ها در باره آنان نوشته شده است، مراد و معاشرت داشتم، و با این که خود به شدت در طلبش بودم، اما آنچه این بازرگانان ثروت نوشته‌اند، از آنان ندیدم! کرامات اینان فقط در تقوا و عمل صالح فردی‌شان بود هیچ‌کدام به اندازه یک میلیونیم خمینی بزرگ نه با مردم بودند، نه برای دین و مردم در برابر استبداد و استعمار مبارزه کردند و نه کار چشم‌گیری برای مردم و نفع‌ده آنان انجام دادند؛ بلکه برخی از آنان جز عبادت فردی و حفظ شخصیت و ابروی خود کاری نداشتند! روی این حساب من اکثر آن کتاب‌ها را چنان که در منابع و مجالس خصوصی‌ام اعلام کرده‌ام، قبول ندارم. بنده آن کتاب‌ها را فقط وسیله ارتزاق و تخریب عقاید حق مردم می‌دانم. البته تنها کتابی که در این مورد سفارش به خواندنش دارم «فصلیات‌های فراموش شده» شرح حالات اخوند ملاعباس تربیتی است که این کتاب، کتاب متین و درستی است و کرامات اخلاقی و عملی اخوند در آن به قلم فرزند دانشمند و روشنفکرش مرحوم راشد تربیتی بیان شده و در تربیت و رشد طلاب و نسل انقلاب مؤثر است. دیگر کتاب‌ها جز این‌که نگاه مردم را از اهل‌بیت و کرامات آن عرشیان فرشتین به دیگران معطوف نماید، اثر دیگری ندارد و شاید بدون توجه مؤلفانش به همین خاطر نوشته شده باشد.

همان‌گونه که اطلاع دارید علاوه بر درس اخلاق اسلامی در دانشگاه، یکی از دروس معارف اسلامی که به شکل اختیاری ارائه می‌شود «درس عرفان عملی در اسلام» است. نظر شما در این باره چیست؟ استاد این درس چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ آیا شما خود طرح مطالعاتی خاصی در این باره پیشنهاد می‌کنید؟ لطفاً منابع اصیل عرفان اسلامی را برای استاد و دانشجو - به تفکیک سطح - برشمارید.

پنده اغلب جزواتی که به عنوان معارف اسلامی تدریس می‌شود را به عنوان معارف ناب قبول ندارم؛ زیرا آمیخته‌ای از فلسفه و کلام است و برای دانشجویان، پیچیده و گاهی غیر قابل درک و به صورت غیر کاربردی و صرفاً تئوری است. علاوه بر آن که این مباحث اخلاقی هم گاهی مخلوط با نقل شده‌های کتب یونانی شده است و بیشتر محتوای ادبی و انشایی دارد و از آیات قرآن و روایات در زمینه اخلاق، چنان که باید استفاده نشده است.

درس عرفان عملی اسلام، اگر صد در صد عرفان قرآنی - اهل‌بیتی باشد، قابل قبول است. این درس باید برگرفته از قرآن و مدرسه اهل‌بیت (ع) و دارای نظامی خاص و بدون ابهام و پیچیدگی و برای دانشگاهیان بسیار جذاب باشد؛ و باید استادی‌اش با زبان حال آن را به دانشجویان انتقال دهند. این در صورتی است که استادی خودشان به حقایق ناب اخلاق و عرفان آراسته باشند تا دانشجو مصداق عملی آن درس‌ها را با چشم سر و دیده دل ببیند؛ بلکه از طریق استاد در گردونه اخلاق و عرفان قرار گیرند، و خود آسوده و سرمشق دیگران شوند.

کتاب‌هایی مانند «محجة البیضاء» فیض کاشانی، «جامع السعادات» ملامهدی نراقی، مؤلفات میرزا احمد اشتیانی، «ادب فنای مقربان» آیت‌الله جوادی آملی، شرح دعای کمیل فقیر، و از همه بهتر اگر بتوان تلفیقی از همه آنها به دست داد، را سفارش می‌کنم. البته مؤسسه دارالعرفان با گردهم آوردن استادی مؤمن و مخلص و محقق، در صد تألیف دو نوع کتاب عرفانی است؛ یکی برای تدریس در لایمهای مختلف دانشجویی و دیگری شرح حال عرفای اصیل شیعی برای عموم.



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



حجت الاسلام انصاریان مطرح کرد: فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



همانگونه که می‌دانید، در حال حاضر دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها با رویکرد فلسفی - کلامی عرضه می‌شود (به ویژه اندیشه اسلامی ۱ و ۲)؛ به نظر شما این رویکرد و تمرکز بر برهین فلسفی، چقدر می‌تواند در تقویت ایمان و اعتقاد و جذب جوانان به دین و جلوگیری از دین‌گریزی آنها موثر باشد؟

انصاریان: با وجود زحمات و خدمات پدید آورندگان، بنده اندیشه اسلامی ۱ و ۲ را برای دانشجویان به عنوان اندیشه اسلامی ناب نمی‌بینم. از طریق منابع در شهرهای مختلف، از برخی دانشجویان هم شنیده‌ام که از آن کتاب‌ها گریزانند و فقط به خاطر به دست آوردن نمره آنها را می‌خوانند! پس اثر چندان مطلوبی در حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین‌گریزی آنان ندارد. به نظر می‌رسد اگر تفسیر مختصری به اندازه همین کتاب‌ها و حجم آنها از آیات قرآن در زمینه حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین‌گریزی و نیز بخش‌هایی از نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه و روایات مربوطه به صورتی زیبا یا عنوان‌بندی‌های جذاب و به شکلی منظم به عنوان اندیشه اسلامی ۱ و ۲ و دیگر متون وابسته به این رشته تدوین شود، چون هر سه از نور وحی و ولایت صادر شده، اثر فوق‌العاده‌ای بر مخاطب خود دارد و دل‌ها را آن چنان که باید منور می‌کند و قدم‌ها را در مسیر دین ثابت نگاه می‌دارد و درس‌گریزی را علاج می‌کند و دانشجویان را با اسلام ناب محمدی (ص) آشنا می‌سازد. پس باید هر چه زودتر این کار انجام گیرد که بسیار دیر است.

در پایان از بذل توجه و اختصاص وقتی که به معارف و مخاطبان فرهیخته آن دادید، تشکر می‌کنم.

من هم از شما متشکرم. موفق باشید.

استاد انصاریان در یک نگاه:

حجت الاسلام والمسلمین استاد شیخ حسین انصاریان در سال ۱۳۲۲ شمسی در شهر عالم پرور خونسار متولد شد. پدر و مادر او از دو خاندان شناخته شده و خدمتگذار به دین و علم، در آن دیار بوده است. استاد در خاطره‌ای از سن ۳ سالگی خود، بیان می‌کند: «روزی آیت‌الله العظمی محمدتقی خوانساری (ره) به منزل جد ما آمده بود. من در سنین کودکی در اتاق را باز کردم و مستقیم به طرف آیت‌الله خوانساری رفتم و در آغوش او نشستم. پدر بزرگم جلو آمد که من را به آندرون ببرد. آیت‌الله خوانساری جلوی او را گرفت و مرا توازش کرد و از من پرسید: می‌خواهی در آینده چکاره شوی؟ جواب دادم: می‌خواهم مثل شما بشوم. ایشان در حق من دعا کرد. هر گاه شیخ آن خاطره از ذهنم می‌گذرد، و یاد آن چهره ملکوتی و دعای آن بزرگوار، که می‌افتم، یکی از شیرین‌ترین خاطرات عمرم در ذهنم تداعی می‌شود».

وی در سوّمین بهار زندگی، همراه خانواده به تهران منتقل شد و در یکی از محله‌های مذهبی آن شهر - خیابان خراسان - سکونت گزید. در آن زمان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی اکبر برهان (ره)، محور علمی آن منطقه و امام جماعت مسجد لُر زاده بود. آن مرحوم مدرسه‌ای را در آن منطقه بنا نهاد که شاگردانش از کلاس اول تحت تربیت مستقیم خود او قرار گرفته بودند. به این ترتیب استاد انصاریان از همان اوان کودکی محضر پرفیض آن استاد ربّانی را درک کرد. همچنین در آن سال‌ها با چهره‌های الهی چون آیت‌الله سید محمدتقی غضنفری امام جماعت مسجد دو راه شهر خونسار، آیت‌الله سید حسین علوی از مجتهدان سرشناس خونسار، مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدعلی ابن الرضا خوانساری و مرحوم آیت‌الله الهی قمشاهی، مانوس بود.



دار المعارف
موسسه دارالمعارف شامی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



حجت الاسلام انصاریان مطرح کرد: فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



تحصیلات حاج شیخ حسین در دو حوزه علمیه تهران و قم بوده است. در تهران محضر عالم ربانی آیت‌الله میرزا علی فلسفی - که جزء معدود کسانی بود که مرحوم آیت‌الله العظمی خوبی کتباً به اجتهاد او تصریح کرد - درک نمود. وی در حوزه علمیه قم نیز محضر بزرگانی چون آیت‌الله حاج شیخ عباس طهرانی، حاج آقا حسین قاضی، آیت‌الله اعتمادی، آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی، آیت‌الله محمدی گیلانی و آیت‌الله صالحی نجف آبادی را درک نمود و بهره‌ها برد. سپس در مرحله استنباطی فقه و اصول - درس خارج - از محضر فقه‌های عظامی همچون: آیت‌الله سید محمد محقق داماد، آیت‌الله حاج شیخ ابوالفضل نجفی خونساری و به ویژه آیت‌الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی لاریجانی، استفاده‌ها نمود.

استاد بعد از تحصیل علوم دینی و اتمام مدارج عالی جوزوی، به منظور نیل به هدف عالی تحقیق و تألیف و تبلیغ علوم اسلامی، از حوزه علمیه قم به تهران مراجعت نمود؛ که بیش از چهل سال، در داخل و خارج کشور مشغول خدمت در انجام وظایف الهی خود بوده و هست.

افزون بر سی هزار ساعت سخنرانی و بیش از هشتاد عنوان کتاب در قالب ۱۳۰ مجلد، گزارش کوتاه و گویایی از خدمات علمی و دینی استاد انصاریان است.

فهرست برخی از تألیفات فارسی ایشان عبارتند از: ترجمه قرآن کریم، ترجمه نهج البلاغه، ترجمه صحیفه سجاده، دیار عاشقان (تفسیر و شرح صحیفه سجاده در ۱۵ جلد)، ترجمه و بازنویسی مفاتیح الجنان، شرح دعای کمیل (۲ جلد)، اهل بیت (ع) عروشیان فرش نشین، عرفان اسلامی (شرح مصباح الشریعه در ۱۵ جلد)، مونس جان، سیری در معارف اسلامی (۱۸ جلد)، جلوه‌های رحمت الهی، فرهنگ مهرورزی، زیبایی‌های اخلاق، پر بال اندیشه (۲ جلد)، با کاروان نور، لقمان حکیم، فروغی از تربیت اسلامی، رسائل حج، دیوان مسکین (مجموعه اشعار عرفانی)، پرسش‌ها و پاسخ‌ها (۵ مجلد)، نظام خانواده در اسلام، اسلام و علم و دانش، امام حسن بن علی (ع) را بهتر بشناسیم، معنویت اساسی‌ترین نیاز عصر ما، اخلاق خوبان، در بارگاه نور، چهره‌های محبوب و منقور قرآن، راهی به سوی اخلاق اسلامی، ولایت و رهبری از دیدگاه نهج البلاغه، مجموعه مقالات، نفس، و...

همچنین آثاری چند از استاد، تا کنون به زبانهای خارجی ترجمه و چاپ شده، که برخی از عناوین آنها عبارتند از: با کاروان نور (انگلیسی)، نظام خانواده در اسلام (انگلیسی)، اردو، روسی، ترکی استانبولی، عربی، شرح دعای کمیل (عربی، اردو، انگلیسی)، توبه آغوش رحمت (عربی، انگلیسی، اسپانیولی، اردو)، اهل بیت (ع) (عربی، اردو، انگلیسی، روسی)، معاشرت (عربی، اردو، انگلیسی).

شبکه «تلویزیون اینترنتی معارف و عرفان» و نیز «مؤسسه دارالمعارف شیعی» (مرکز دارالعرفان شیعی) به نشانی: www.erfan.ir، با اشراف ایشان در فضای مجازی فعال است.



دارالعرفان

مؤسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



WWW.ENFAN.IR - WWW.ANSARIAN.IR

پایگاه اطلاع رسانی دفتر
حضرت استاد انصاریان

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان و تصوف

۱۳۹۱

دی

۱۹



فلسفه در اصل دانشی بشری است که بر پایه استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است؛ که البته بسیاری از امور مربوط به بخش طبیعی آن با پدید آمدن علوم جدید و ابزار نو، از میان رفته و باطل شده است. به گزارش مشرق؛ گفتگویی که در زیر از نظر می گذرانید مصاحبه نشریه معارف با استاد حجت الاسلام و المسلمین انصاریان پیرامون عرفان مصطلح و تصوف است که توجه شما را به این گفتگو جلب می کنیم. همان گونه که مستحضرد در مورد خاستگاه «عرفان اسلامی» نظریه های متعددی وجود دارد؛ نظر شما در این باره چیست؟ نسبت عرفان با دین را چه می دانید؟

استاد انصاریان: ابتدا باید به این حقیقت توجه کرد که اگر منظور از عرفان، محصول فکری و نظری اندیشمندان و اهل حال جوامع گوناگون و ملت ها و آیین های مختلف است، تقریباً همه آنان با اختلاف آیین هایشان بر اصول و بخش عمده ای از فروع آن اجماع دارند و به صورت دانشی نظری که در حدی هم قابل عمل است درآمده و تحت عنوان عرفان ارائه شده، که بخشی مبتنی بر فطرت انسان هاست و این منبع در همه آیینای بشر مشترک است و البته بخشی تحت تأثیر فرهنگ های جوامع و یا حالات روحی و روانی اشخاص می باشد و بنابراین این ارتباطی به اصل دین ندارد، و دین از امضای کامل آن امتناع دارد اما اگر مقصود از عرفان، عشق سوزانی است که از معرفت به اوصاف و کمالات و زیبایی بی نهایت حضرت رب العزّه، از طریق قرآن و معارف اهل بیت (ع) به ویژه دعاها و چگونگی، عرفه سیدالشهدا (ع) و ابو حمزه ثمالی در قلب ظهور می کند و موتوری برای حرکت انسان به سوی لقاء الله و رضوان الهی است و عامل عمل به خواسته های حق و رنگ گرفتن از اخلاق الهی است، باید گفت چنین عرفانی به منزله روح دین و صفای آیین و مایه و پایه دینداری می باشد.

یکی از پرسش های جدی و دل مشغولی های اندیشمندان بزرگ اسلامی، رابطه «عرفان و فلسفه» یا راه «دل و عقل» است؛ نظر شما در این باره چیست؟ برای وصول انسان به حقیقت، کدام راه کفایت می کند؟

استاد انصاریان: فلسفه در اصل دانشی بشری است که بر پایه استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است؛ که البته بسیاری از امور مربوط به بخش طبیعی آن با پدید آمدن علوم جدید و ابزار نو، از میان رفته و باطل شده است. بخش علمی و معارفی فلسفه که در پرورش ذهن و اندیشه و در حد پخته شدن عقل باقی مانده، به نظر می رسد رابطه ای با عرفان خالص دینی ندارد؛ اما بسیاری از فلاسفه کوشیده اند فلسفه را با عرفان بشری آشتی داده و مکتبی فلسفی - عرفانی از آن بسازند و اصرار بر این دارند که آن راهی که فلسفه برای اثبات موضوعی به کمک استدلال ملی می کند، همان راه را دل در صورتی که از همه دقائق اخلاقی و شائیه ها پاک باشد، ملی می کند، فلسفه از طریق دلیل، دل از طریق کشف و شهود، عمل می کند؛ ولی جای این پرسش هست که آیا دلی غیر از دل انبیا و امامان معصوم (ع) به عرصه کشف و شهود راه دارد یا نه؟ اگر دارد دل چه طایفه ای؟ و نمونه آن دل والا و پاک از هر عیب و نقص، دل کیست؟ با توجه به این که شاهد روشنی بر اثبات کشف و شهود اهل دل، از طریق آیات قرآنی و روایات اهل بیت (ع) در منظر ما وجود ندارد، ادعاهایی که در این زمینه در «فتوحات» محی الدین عربی و شرح «گلشن راز» شبستری و «صالحیه» ملا علی گنابادی و امثال این کتب می بینیم را نمی توانیم بپذیریم. بنابراین عرفان اصطلاحی نه عرفان ناب قرآن و اهل بیت (ع)، رابطه ای قوی و مستحکم با فلسفه ندارد؛ و به نظر می رسد آشتی بین این دو رشته، به زور و به دور از انصاف صورت گرفته است و آشتی عقلی و علمی به نظر نمی رسد.

ادامه در صفحه بعد...



دفتر انصاریان

موسسه دارالمعارف شبستری
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان و تصوف

۱۳۹۱

دی

۱۹



نسبت «عرفان» با «تصوف» چیست؟ موضع افتراق و اشتراک آنها چیست و یا کجاست؟

استاد انصاریان: اولاً با مطالعه دقیق در آثار متصوفه پیش و پس از اسلام، اموری به دست می‌آید که دست کم برخی از آنها بر خلاف اصول دین خدا و بخشی از فروع اسلامی است؛ مانند: دوری از عمل‌گرایی و تن به راحت و استراحت سپردن، جذابی دین از سیاست، مخالفت شدید با فقیهان مکتب اهل‌بیت(ع)، صلح و سازش با همه پیروان مکتب‌ها و به عبارت دیگر صلح کلی بودن؛ چنان‌که با نیک و بد سر کن که بعد از مرگش عرفی

مسلمات به زعمش شود و هندو بسوزاند

نزدیکی به پادشاهان ستمگر و تأمین مخارج خانقاه‌ها از طریق شاه و درباریان و خوردن هرگونه مالی که به صوفی هدیه شود، تأویل عجیب و غریب آیات قرآن و روایات - از باب نمونه تفسیر ابن‌عربی و تأویلات تجمیه - به جای رویکرد به قرآن و اهل‌بیت(ع) رویکرد شدید به شعر و شاعری و خیال‌پردازی، اباحه‌گری، ایجاد روح رخوت و سستی در امت تحت عنوان رضا به قضای الهی، بی تفاوت بودن به جنگ امت با ستمگران و نهایتاً بی‌پرده دانستن جنگ، تهمت به پاکان و نیکان در اشعار و مقالات، اثبات شدن کتب صوفیه از مطالبی که از مکتب‌های بودایی، هندویی، فلوپینی، فرافوربوسی، چینی و البته اندکی نیز از اسلام، و...

موضوع افتراق تصوف با عرفان و اشتراکش با آن چندان قابل توجه نیست، هر دو مکتب در بعضی از امور مثل حال باطنی با هم مشترک و در بعضی از امور مانند مبدأ پیدایش و برخی از قواعد از هم جداست. کتاب «عارف و صوفی» مرحوم حاج میرزا جواد آقاچه‌رانی، چندان تفاوتی بین عارف و صوفی قائل نیست، بلکه هر دو را یک مسلک یا دو نام می‌داند.

حضرت‌عالی نزاع دائم تاریخی فقهاء (اهل شریعت) با اهل معنا (اهل طریقت، به ویژه متصوفه) را چگونه تفسیر می‌کنید؟

استاد انصاریان: در مجموع با توجه به سیر تصوف و عرفان و مسائل بیان شده در هر دو مکتب که به اجمال در سه بخش قبل بیان شد، حق بودن نزاع فقهاء به ویژه فقه‌های شیعه روشن می‌شود؛ چرا که نزاع فقهاء با عارفان اصطلاحی (نه عارفان حقیقی که از مشرب عرفان ناب شیعی سیراب می‌شوند) و متصوفه و به عبارت دیگر اهل طریقت، به این علت بوده که رواج این مکتب را در امت سبب هدم دین و به حاشیه رانده شدن فقه و موجب خطر تأویل نادرست آیات و روایات می‌دانستند و از این وحشت داشتند که مکتب اهل بیت(ع) چون خود اهل‌بیت(ع) از جامعه جدا شود و محبوس گشته، امت از آن محروم شوند.

آیا کشف و شهود در عرفان اسلامی حجت دارد؟ به عبارت دیگر نسبت خارق عادت و یا کرامت با حقیقت چیست؟ ملاک اثبات صحت و سقم تجربه‌های عرفانی چه می‌باشد؟

استاد انصاریان: اگر مراد از کشف و شهود در عرفان منتسب به اسلام همان باشد که در «فتوحات» ابن‌عربی، «صالحیه» ملاعلی گنابادی و «گلشن‌راز» شبستری آمده، و مراد از خارق عادت آن باشد که در «ذکره» عطار، «طبقات صوفیه»، «حلیة الاولیاء» ابونعیم، «تفسیر روح‌البیان» و «کیمیای محبت» ضبط شده، باید گفت: هیچ دلیلی بر حقاقت کشف و شهود ادعا شده از قرآن و روایات نداریم. اما اگر مراد شهود قلبی انبیا و ائمه (ع) و کرامات و خارق عادت آنان است، در صریح قرآن و روایات به عنوان حقیقت و کاری که مصدق نبوت و امامت است، به صورت فراوان بیان شده است.



دفتر العرفان

موسسه دارالعارف شیعی
مركز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان و تصوف

۱۳۹۱

دی

۱۹



از نظر شما مؤلفه‌های عرفان و سلوک ناب اسلامی - شیعی چیست؟

استاد انصاریان: عرفان شیعی، مرکب از سه مقوله «معرفت»، «عشق به حق»، «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره/۱۶۵)، و «عمل و حرکت» است؛ و سلوک عرفانی اسلامی شیعی با توجه به آیات و معارف حقه نهایتاً عبارت است از: اجتناب از محرمات ظاهری و باطنی «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ» (انعام/۱۵۱)، تخلیق به اخلاق حسنه و عمل بر اساس فقه اهل بیت (ع)، که جز این سه مرحله گمراهی است، گرچه رنگ و لعاب دینی داشته باشد.

تحلیل شما از موج معنویت‌گرایی نوپدید و عرفان‌های جدید در جهان چیست؟ آیا منشأ این مسئله، احساس خلاء معنویت ناب و اصیل است و یا پروژه‌ای سیاسی برای تحت تأثیر قرار دادن ادیان الهی می‌باشد؟ به نظر شما بهترین راه مقابله با این موج یا هدایت و مدیریت آن در ایران اسلامی چیست؟

استاد انصاریان: قطعاً موج معنویت‌گرایی در دنیای امروز معلول و محصول خلأ معنوی بشر است که مکتب‌های مادی و الحادی در شرق و غرب سبب این خلأ شده‌اند؛ اما سیاست‌بازان جهانی و ملحدان به کار گرفته از طرف استعمارگران و استثمارچیان به شدت با پروژه‌های دین‌سازی و عرفان‌سازی جدید، پرکردن این خلأ را پی می‌گیرند تا از رشد جهانی دین اسلام و مکتب ناب قرآن و اهل بیت (ع) جلوگیری کنند.

راه مقابله با این خلأ معنوی رساندن پیام اسلام ناب با رسانه‌های صدا و سیما، مجلات، روزنامه‌ها و جذب نسل جدید به معارف دینی است؛ و به خصوص باید از این وسایل مدرن در شناساندن خطرات عرفان‌های کاذب به نسل کنونی کشور اقدام کرد. در این زمینه نیز واجب و ضروری است مساجد و حسینیه‌ها را به هر شکل ممکن تبدیل به حوزه بسیار پرجاذبه از نظر ساختمان و اموری چون کتابخانه و برنامه‌های جذاب مستمر سالانه به ویژه در اوقات فراغت نمود و به تقویت وعاظ و درس‌خوانده در حوزه‌ها و مورد تأیید علمی مدارس دینی و عالمان واجد شرایط پرداخت و منابع و رادیو و تلویزیون را از دست بی‌سوادان و بی‌هنران و آنان که سخنرانی هایشان مردم و نسل را دین‌گریز می‌کنند گرفت و در این زمینه به‌خاطر اسلام هیچ ممانعتی را روا نداشت. نیز لازم است جزواتی متین، استوار، مستدل، کم‌حجم، با جاذبه ادبی از طریق دانشگاه‌ها، مدارس، ادارات، مساجد، در اختیار نسل جدید قرار داد و خطرات و دشمنان را به آنان شناساند.

تحلیل شما از گسترش نشر و استقبال روزافزون از کتاب‌های شرح احوال عرفاء و اهل معنا در جامعه چیست؟ آثار مثبت و آسیب‌های محتمل این امر را چه می‌دانید؟

استاد انصاریان: سخنرانی‌های ناب و صحیح حضرت امام خمینی (ره) در اوایل پیروزی انقلاب و چند سال پس از آن در رابطه با معنویت و یا اشارات ایشان به مسائل عرفان، نسل ما را مجذوب عرفان نمود بخشی از این نسل بدون مراجعه به اهل فن و بدون مطالعه کتب پرمحتوا و نقاد، به مسائل روحی و عرفان‌گرا گرایش پیدا کرد؛ و به دنبال مباحث عرفانی و شرح حال عرفا رفت. گروهی از کسانی که در هر زمان با هر دست‌آویزی حریصانه برای پر کردن جیب خود از مال و منال دنیا و پول و ثروت در تکاپویند، از این پدیده معنوی سوء استفاده کرده و به نوشتن و فروختن این‌گونه کتاب‌ها در شرح احوال اشخاص گذشته و معاصر پرداختند؛ کتاب‌هایی که پر از داستان‌های غیرواقعی و کشف و کرامات ساختگی بوده است.



دفتر انصاریان

موسسه دارالمعارف شیعی
مركز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



WWW.ANSARIAN.COM - WWW.ANSARIAN.IR

فهرست کتب | لوح الاله | صفحه سجاده | فتاوی الحائ | تالیفات | سخنرانیها | دیوانه المسمی | پرسش و پاسخ | کتابخانه | کتب ها | برنامه سخنرانیها

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان و تصوف

۱۳۹۱

دی

۱۹



من سالیان طولانی با برخی از کسانی که این گونه کتابها در باره آنان نوشته شده است، مراوده و معاشرت داشتم، و با این که خود به شدت در طلبش بودم، اما آنچه این بازرگانان ثروت نوشته اند، از آنان ندیدم! کرامات ایشان فقط در تقوا و عمل صالح فردی شان بود هیچکدام به اندازه یک میلیونیم خمیتی بزرگ نه با مردم بودند، نه برای دین و مردم در برابر استبداد و استعمار مبارزه کردند و نه کار چشمگیری برای مردم و دغدغه آنان انجام دادند؛ بلکه برخی از آنان جز عبادت فردی و حفظ شخصیت و آبروی خود کاری نداشتند! روی این حساب من اکثر آن کتابها را چنان که در منابر و مجالس خصوصی ام اعلام کرده ام، قبول ندارم. بنده آن کتاب ها را فقط وسیله ارتزاق و تخریب عقاید حقه مردم می دانم. البته تنها کتابی که در این مورد سفارش به خواندنش دارم «فضیلت های فراموش شده» شرح حالات اخوند ملاعباس تربتی است که این کتاب، کتاب متین و درستی است و کرامات اخلاقی و عملی اخوند در آن به قلم فرزند دانشمند و روشنفکرش مرحوم راشد تربتی بیان شده و در تربیت و رشد طلاب و تسلی انقلاب مؤثر است. دیگر کتابها جز این که نگاه مردم را از اهل بیت و کرامات آن عرشیان قرشین به دیگران معطوف نماید، اثر دیگری ندارد و شاید بدون توجه مؤلفانش به همین خاطر نوشته شده باشد.

همان گونه که اطلاع دارید علاوه بر درس اخلاق اسلامی در دانشگاه، یکی از دروس معارف اسلامی که به شکل اختیاری ارائه می شود «درس عرفان عملی در اسلام» است. نظر شما در این باره چیست؟ استاد این درس چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟ آیا شما خود طرح مطالعاتی خاصی در این باره پیشنهاد می کنید؟ لطفاً منابع اصیل عرفان اسلامی را برای استاد و دانشجو - به تفکیک سطح - برشمارید.

بنده اغلب جزواتی که به عنوان معارف اسلامی تدریس می شود را به عنوان معارف ناب قبول ندارم؛ زیرا آمیخته ای از فلسفه و کلام است و برای دانشجویان، پیچیده و گاهی غیر قابل درک و به صورت غیرکاربردی و صرفاً تئوری است. علاوه بر آن که این مباحث اخلاقی هم گاهی مخلوط با نقل شده های کتب یونانی شده است و بیشتر محتوای اجبی و انشایی دارد و از آیات قرآن و روایات در زمینه اخلاق، چنان که باید استفاده نشده است.

درس عرفان عملی اسلام، اگر صد در صد عرفان قرآنی - اهل بیت باشد، قابل قبول است. این درس باید برگرفته از قرآن و مدرسه اهل بیت (ع) و دارای نظامی خاص و بدون ابهام و پیچیدگی و برای دانشجویان بسیار جذاب باشد؛ و باید استادش با زبان حال آن را به دانشجویان انتقال دهند. این در صورتی است که استاد خودش به حقایق ناب اخلاق و عرفان آراسته باشند تا دانشجو مصداق عملی آن درس ها را با چشم سر و دیده دل ببیند؛ بلکه از طریق استاد در گردونه اخلاق و عرفان قرار گیرند، و خود اسوه و سرمشق دیگران شوند.

کتاب هایی مانند «محجۃ البیضاء» فیض کاشانی، «جامع السعادات» ملا مهدی تراقی، مؤلفات میرزا احمد آشتیانی، «ادب فنای مفران» آیت الله جوادی آملی، شرح دعای کمیل حقیر، و از همه بهتر اگر بتوان تلفیقی از همه آنها به دست داد، را سفارش می کنم. البته مؤسسه دارالعرفان با گردهم آوردن استادی مؤمن و مخلص و محقق، در صد تالیف دو نوع کتاب عرفانی است: یکی برای تدریس در لایه های مختلف دانشجویی و دیگری شرح حال عرفای اصیل شیعی برای عموم.



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان و تصوف

۱۳۹۱

دی

۱۹



همانگونه که می‌دانید، در حال حاضر دروس معارف اسلامی در دانشگاهها با رویکرد فلسفی - کلامی عرضه می‌شود (به ویژه اندیشه اسلامی ۱ و ۲)؛ به نظر شما این رویکرد و تمرکز بر براهین فلسفی، چقدر می‌تواند در تقویت ایمان و اعتقاد و جذب جوانان به دین و جلوگیری از دین‌گریزی آنها مؤثر باشد؟

استاد انصاریان: با وجود زحمات و خدمات پدید آورندگان، بنده اندیشه اسلامی ۱ و ۲ را برای دانشجویان به عنوان اندیشه اسلامی ناب نمی‌پسندم، از طریق منابع در شهرهای مختلف، از برخی دانشجویان هم شنیده‌ام که از آن کتابها گریزانند و فقط به خاطر به دست آوردن نمره آنها را می‌خوانند! پس اثر چندان مطلوبی در حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین‌گریزی آنان ندارد به نظر می‌رسد اگر تفسیر مختصری به اندازه همین کتابها و حجم آنها از آیات قرآن در زمینه حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین‌گریزی و نیز بخش‌هایی از نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه و روایات مربوطه به صورتی زیبا با عنوان‌بندی‌های جذاب و به شکلی منظم به عنوان اندیشه اسلامی ۱ و ۲ و دیگر متون وابسته به این رشته تدوین شود، چون هر سه از نور وحی و ولایت صادر شده، اثر فوق‌العاده‌ای بر مخاطب خود دارد و دل‌ها را آن چنان که باید منور می‌کند و قدمها را در مسیر دین ثابت نگاه می‌دارد و درس‌گریزی را علاج می‌کند و دانشجویان را با اسلام ناب محمدی (ص) آشنا می‌سازد. پس باید هر چه زودتر این کار انجام گیرد که بسیار دیر است. در پایان از بذل توجه و اختصاص وقتی که به معارف و مخاطبان فرهیخته آن دارید، تشکر می‌کنم.

من هم از شما متشکرم، موفق باشید.

استاد انصاریان در یک نگاه:

استاد شیخ حسین انصاریان در سال ۱۳۲۳ شمسی در شهر عالم‌پرور خونسار متولد شد. پدر و مادر او از دو خاندان شناخته شده و خدمتگذار به دین و علم، در آن دیار بوده است. استاد در خاطره‌ای از سن ۳ سالگی خود، بیان می‌کند: «روزی آیت‌الله العظمی محمدتقی خونساری (ره) به منزل جد ما آمده بود. من در سنین کودکی در اتاق را باز کردم و مستقیم به طرف آیت‌الله خونساری رفتم و در آغوش او نشستم. پدر بزرگم جلو آمد که من را به آندرون ببرد. آیت‌الله خونساری جلوی او را گرفت و مرا نوازش کرد و از من پرسید: می‌خواهی در آینده چکاره شوی؟ جواب دادم: می‌خواهم مثل شما بشوم. ایشان در حق من دعا کرد. هر گاه شیخ آن خاطره از ذهنم می‌گذرد، و یاد آن چهره ملکوتی و دعای آن بزرگوار که می‌افتم، یکی از شیرین‌ترین خاطرات عمرم در ذهنم تداعی می‌شود».

وی در سویمین بهار زندگی، همراه خانواده به تهران منتقل شد و در یکی از محله‌های مذهبی آن شهر - خیابان خراسان - سکونت گزید. در آن زمان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی اکبر برهان (ره)، محور علمی آن منطقه و امام جماعت مسجد لُر زاده بود. آن مرحوم مدرسه‌ای را در آن منطقه بنا نهاد که شاگردانش از کلاس اول تحت تربیت مستقیم خود او قرار گرفته بودند. به این ترتیب استاد انصاریان از همان اوان کودکی محضر پرفیض آن استاد ربانی را درک کرد. همچنین در آن سال‌ها با چهره‌های الهی چون آیت‌الله سید محمدتقی غضنفری امام جماعت مسجد دو راه شهر خونسار، آیت‌الله سید حسین علوی از مجتهدان سرشناس خونسار، مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدعلی ابن‌الرضا خونساری و مرحوم آیت‌الله الهی قمشه‌ای، مانوس بود.



دفتر العرفان

موسسه دارالمعارف شبیه
مراکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



www.ansarian.ir - www.ansarian.ir

قرآن کریم | نهج البلاغه | صحیفه سجادیه | فتاوی الحائ | تألیفات | سخنرانها | پرسش و پاسخ | گزارشات | کتب ها | برنامه سخنرانها

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان و تصوف

۱۳۹۱ دی ۱۹



تحصیلات استاد حسین انصاریان در دو حوزه علمیه تهران و قم بوده است. در تهران محضر عالم ربانی آیت الله میرزا علی فلسفی - که جزء معدود کسانی بود که مرحوم آیت الله العظمی خویی کتباً به اجتهاد او تصریح کرد - درک نمود. وی در حوزه علمیه قم نیز محضر بزرگانی چون آیت الله حاج شیخ عباس طهرانی، حاج آقا حسین فاضلی، آیت الله اعتمادی، آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، آیت الله محمدی گیلانی و آیت الله صالحی نجف آبادی را درک نمود و بهره‌ها برد. سپس در مرحله استنباطی فقه و اصول - درس خارج - از محضر فقهای عظامی همچون: آیت الله سید محمد محقق داماد، آیت الله حاج شیخ ابوالفضل نجفی خوانساری و به ویژه آیت الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی لاریجانی، استفاده نمود.

استاد بعد از تحصیل علوم دینی و اتمام مدارج عالی حوزوی، به منظور نیل به هدف عالی تحقیق و تألیف و تبلیغ علوم اسلامی، از حوزه علمیه قم به تهران مراجعت نمود؛ که بیش از چهل سال، در داخل و خارج کشور مشغول خدمت در انجام وظایف الهی خود بوده و هست.

افزون بر سی هزار ساعت سخنرانی و بیش از هشتاد عنوان کتاب در قالب ۱۳۰ مجلد، گزارش کوتاه و گویایی از خدمات علمی و دینی استاد انصاریان است.

فهرست برخی از تألیفات فارسی ایشان عبارتند از: ترجمه قرآن کریم، ترجمه نهج البلاغه، ترجمه صحیفه سجادیه، دیار عاشقان (تفسیر و شرح صحیفه سجادیه در ۱۵ جلد)، ترجمه و بازنویسی مفاتیح الجنان، شرح دعای کمیل (۲ جلد)، اهل بیت (ع) عرشیان فرش نشین، عرفان اسلامی (شرح مصباح الشریعه در ۱۵ جلد)، مؤنس جان، سیری در معارف اسلامی (۱۸ جلد)، جلوه های رحمت الهی، فرهنگ مهرورزی، زیبایی های اخلاق، بر بال تدبیر (۲ جلد)، با کاروان نور، لقمان حکیم، فروغی از تربیت اسلامی، رسائل حج، دیوان مسکین (مجموعه اشعار عرفانی)، پرسش ها و پاسخ ها (۵ مجلد)، نظام خانواده در اسلام، اسلام و علم و دانش، امام حسن بن علی (ع) را بهتر بشناسیم، معنویت اساسی ترین نیاز عصر ما، اخلاق خوبان، در پارکگاه نور، چهره های محبوب و مغفور قرآن، راهی به سوی اخلاق اسلامی، ولایت و رهبری از دیدگاه نهج البلاغه، مجموعه مقالات، نفس، و ...

همچنین آثاری چند از استاد تا کنون به زبانهای خارجی ترجمه و چاپ شده، که برخی از عناوین آنها عبارتند از: با کاروان نور (انگلیسی)، نظام خانواده در اسلام (انگلیسی، اردو، روسی، ترکی استانبولی، عربی)، شرح دعای کمیل (عربی، اردو، انگلیسی)، توبه آغوش رحمت (عربی، انگلیسی، اسپانیولی، اردو)، اهل بیت (ع) (عربی، اردو، انگلیسی، روسی)، معاشرت (عربی، اردو، انگلیسی)، شبکه «تئویزیون اینترنتی معارف و عرفان» و نیز «موسسه دارالمعارف شیعی» (مرکز دارالعرفان شیعی) به نشانی: www.ersan.ir با اشراف ایشان در فضای مجازی فعال است.



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

دوره باستان :
کا برنارد فلد
لگنهاون پتگرنه
شمسین و شیعه
شد



دوره باستان :
کا برنارد فلد
لگنهاون پتگرنه
شمسین و شیعه
شد



فهرست‌های شیعه نیوز

۱۳۹۱

دی

۱۹

فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



به گزارش «شیعه نیوز»، گفتگویی که در زیر از نظر می‌گذرانید مصاحبه نشریه معارف با استاد حجت الاسلام و المسلمین انصاریان پیرامون عرفان مصطلح و تصوف است که توجه شما را به این گفتگو جلب می‌کنیم. همان‌گونه که مستحضردید در مورد خاستگاه «عرفان اسلامی» نظریه‌های متعددی وجود دارد؛ نظر شما در این‌باره چیست؟ نسبت عرفان با دین را چه می‌دانید؟

انصاریان: ابتدا باید به این حقیقت توجه کرد که اگر منظور از عرفان، محصول فکری و نظری اندیشمندان و اهل حال جوامع گوناگون و ملت‌ها و آیین‌های مختلف است، تقریباً همه آنان با اختلاف آیین‌هایشان بر اصول و بخش عمده‌ای از فروع آن اجماع دارند و به صورت دانشی نظری که در حدی هم قابل عمل است درآمده و تحت عنوان عرفان ارائه شده، که بخشی مبتنی بر فطرت انسان هاست و این منبع در همه این‌ها بشر مشترک است و البته بخشی تحت تأثیر فرهنگ‌های جوامع و یا حالات روحی و روانی اشخاص می‌باشد و بنابر این ارتباطی به اصل دین ندارد، و دین از اضمای کامل آن امتناع دارد. اما اگر مقصود از عرفان، عشق سوزنی است که از معرفت به اوصاف و کمالات و زیبایی بی‌نهایت حضرت رب‌العزّه، از طریق قرآن و معارف اهل‌بیت (علیهم السلام) به ویژه دعا‌هایی چون کمیل، عرفه سیدالشهدا (علیه السلام) و ایوحمزّه ثمالی در قلب ظهور می‌کند و موتور برای حرکت انسان به سوی لقاءالله و رضوان الهی است و عامل عمل به خواسته‌های حق و رنگ گرفتن از اخلاق الهی است، باید گفت چنین عرفانی به منزله روح دین و صفای آیین و پایه دینداری می‌باشد یکی از پرسش‌های جدی و دل‌مشغولی‌های اندیشمندان بزرگ اسلامی، رابطه «عرفان و فلسفه» یا راه «دل و عقل» است؛ نظر شما در این‌باره چیست؟ برای وصول انسان به حقیقت، کدام راه کفایت می‌کند؟ انصاریان: فلسفه در اصل دانشی بشری است که بر پایه استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است؛ که البته بسیاری از امور مربوط به بخش طبیعی آن یا پدید آمدن علوم جدید و ابزار نو، از میان رفته و باطل شده است. بخش علمی و معارفی فلسفه که در پرورش ذهن و اندیشه و در حد یخته شدن عقل باقی مانده، به نظر می‌رسد رابطه‌ای با عرفان خالص دینی ندارد؛ اما بسیاری از فلاسفه کوشیده‌اند فلسفه را با عرفان بشری اشتی داده و مکتبی فلسفی - عرفانی از آن بسازند و اصرار بر این دارند که آن راهی که فلسفه برای اثبات موضوعی به کمک استدلال طی می‌کند، همان راه را دل در صورتی که از همه ردگن اخلاقی و شایسته‌ها پاک باشد، طی می‌کند. فلسفه از طریق دلیل، دل از طریق کشف و شهود، عمل می‌کند؛ ولی جای این پرسش هست که آیا دلی غیر از دل آتیا و امانان معصوم (علیهم السلام) به عرصه کشف و شهود راه دارد یا نه؟ اگر دارد دل چه طایفه‌ای؟ و نمونه آن دل والا و پاک از هر عیب و نقص، دل کیست؟ یا توجه به این‌که شاهد روشنی بر اثبات کشف و شهود اهل دل، از طریق آیات قرآنی و روایات اهل بیت (ع) در منظر ما وجود ندارد، ادعاهایی که در این زمینه در «فتوحات» محی‌الدین عربی و شرح «گلشن راز» شبستری و «صالحیه» ملاعلی گنابادی و امثال این کتب می‌بینیم را نمی‌توانیم بپذیریم. بنابر این عرفان اصطلاحی نه عرفان ناب قرآن و اهل بیت (ع)، رابطه‌ای قوی و مستحکم با فلسفه ندارد؛ و به نظر می‌رسد آشتی بین این دو رشته، به زور و به دور از انصاف صورت گرفته است و آشتی عقلی و علمی به نظر نمی‌رسد.



مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی

ره باغچه خندان:
کا یزدانی، خدای
لنگه‌پاز، یزدانی
مسلک و شیعه
شد.



ره باغچه خندان:
کا یزدانی، خدای
لنگه‌پاز، یزدانی
مسلک و شیعه
شد.



فدیکاری شیعه نیوز

فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند

۱۳۹۱

دی

۱۹



نسبت «عرفان» با «تصوف» چیست؟ موضع افتراق و اشتراک آنها چیست و یا کجاست؟

انصاریان: اولاً با مطالعه دقیق در آثار متصوفه پیش و پس از اسلام، اموری به دست می‌آید که دست کم برخی از آنها بر خلاف اصول دین خدا و بخشی از فروع اسلامی است؛ مانند: دوری از عمل‌گرایی و تن به راحت و استراحت سپردن، جدایی دین از سیاست، مخالفت شدید با فقیهان مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، صلح و سازش با همه پیران مکتبها و به عبارت دیگر صلح کلی بودن؛ چنان با نیک و بد سر کن که بعد از مرگت عرفی

مسلمات به زمزم شوید و هندو بسوزانند

نزدیکی به پادشاهان ستمگر و تأمین مخارج خانقاهها از طریق شاه و درباریان و خوردن هرگونه مالی که به صوفی هدیه شود، تأویل عجیب و غریب آیات قرآن و روایات - از باب نمونه تفسیر ابن عربی و تأویلات نجمیه - به جای رویکرد به قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) رویکرد شدید به شعر و شاعری و خیال‌پردازی، اباحه‌گری، ایجاد روح رخوت و سستی در امت تحت عنوان رضا به قضای الهی، بی‌تفاوت بودن به جنگ امت با ستمگران و نهایتاً بیهوده دشمنی جنگ، تهمت به پاکان و نیکان در اشعار و مقالات، اثباته شدن کتب صوفیه از مطالبی که از مکتبهای بودایی، هندویی، قلوطنی، فرافروسی، چینی و البته اندکی نیز از اسلام، ...

موضوع افتراق تصوف با عرفان و اشتراکش با آن چندان قابل توجه نیست. هر دو مکتب در بعضی از امور مثل حال باطنی یا هم مشترک و در بعضی از امور مانند مبدأ پیدایش و برخی از قواعد از هم جداست. کتاب «عارف و صوفی» مرحوم حاج میرزا جواد آقاچه‌رانی، چندان تفاوتی بین عارف و صوفی قائل نیست، بلکه هر دو را یک مسلک با دو نام می‌داند.

حضرت عالی نزاع دایم تاریخی فقه‌ها (اهل شریعت) با اهل معنا (اهل طریقت، به ویژه متصوفه) را چگونه تفسیر می‌کنید؟
انصاریان: در مجموع با توجه به سیر تصوف و عرفان و مسائل بیان شده در هر دو مکتب که به اجمال در سه بخش قبل بیان شد، حق بودن نزاع فقه‌ها به ویژه فقه‌های شیعه روشن می‌شود؛ چرا که نزاع فقه‌ها با عارفان اصطلاحی (نه عارفان حقیقی که از مشرب عرفان ناب شیعی سیراب می‌شوند) و متصوفه و به عبارت دیگر اهل طریقت، به این علت بوده که رواج این مکتب را در امت سبب هدم دین و به حاشیه رانده شدن فقه و موجب خطر تأویل نادرست آیات و روایات می‌دانستند و از این وحشت داشتند که مکتب اهل بیت (علیهم السلام) چون خود اهل بیت (علیهم السلام) از جامعه جدا شود و محبوس گشته، امت از آن محروم شوند.
آیا کشف و شهود در عرفان اسلامی حجیت دارد؟ به عبارت دیگر نسبت خارق عادت و یا کرامت با حقیقت چیست؟ ملاک اثبات صحت و سقم تجربه‌های عرفانی چه می‌باشد؟

انصاریان: اگر مراد از کشف و شهود در عرفان منتسب به اسلام همان باشد که در «فتوحات» ابن عربی، «صالحیه» ملاعلی گنابادی و «گلشن‌راز» شبستری آمده، و مراد از خارق عادت آن باشد که در «تذکره» عطار، «طبقات صوفیه»، «حلیه الاولیاء» ابونعیم، «تفسیر روح البیان» و «کیمیای محبت» ضبط شده، باید گفت: هیچ دلیلی بر حجتیت کشف و شهود ادعا شده از قرآن و روایات نداریم. اما اگر مراد شهود قلبی انبیا و ائمه (علیهم السلام) و کرامات و خارق عادت آنان است، در صریح قرآن و روایات به عنوان حقیقت و کاری که مصدق نبوت و امامت است، به صورت فراوان بیان شده است.

ادامه در صفحه بعد...



دوره ششم، شماره پنجم

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

ره باطنه: ۱
که برافشود فحشه
لگنهاون پنگره
شمعنا و شیمه
شد



ره باطنه: ۱
که روایت خواندن از
شبهه شدن قلیاب
سمنوس، صانع
نیر علی سولای



فیدگرای شیعه نیوز

فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند

۱۳۹۱

دی

۱۹



از نظر شما مؤلفه‌های عرفان و سلوک ناب اسلامی - شیعی چیست؟

انصاریان: عرفان شیعی، مرکب از سه مقوله «معرفت»، «عشق به حق»، «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَتَدْرُكُهَا» (بقره/۱۶۵)، و «عمل و حرکت» است؛ و سلوک عرفانی اسلامی شیعی با توجه به آیات و معارف حقه نهایتاً عبارت است از: اجتناب از محرمات ظاهری و باطنی «ولا تقربوا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن» (انعام/۱۵۱)، تخلی به اخلاق حسنه و عمل بر اساس فقه اهل بیت (علیهم السلام)، که جز این سه مرحله گمراهی است، گرچه رنگ و لعاب دینی داشته باشد.

تحلیل شما از موج معنویت‌گرایی نوپدید و عرفان‌های جدید در جهان چیست؟ آیا منشأ این مسئله، احساس خلأ معنویت ناب و اصیل است و یا پروژه‌های سیاسی برای تحت تأثیر قرار دادن ادیان الهی می‌باشد؟ به نظر شما بهترین راه مقابله با این موج یا هدایت و مدیریت آن در ایران اسلامی چیست؟

انصاریان: قطعاً موج معنویت‌گرایی در بنیای امروز معلول و محصول خلأ معنوی بشر است که مکتب‌های مادی و الحادی در شرق و غرب سبب این خلأ شده‌اند؛ اما سیاست‌بازان جهانی و ملحدان به کار گرفته از طرف استعمارگران و استثمارچیان به شدت با پروژه های دین‌سازی و عرفان‌سازی جدید، پرکردن این خلأ را بی می‌گیرند تا از رشد جهانی دین اسلام و مکتب ناب قرآن و اهل بیت (ع) جلوگیری کنند. راه مقابله با این خلأ معنوی رساندن پیام اسلام ناب با رسانه‌های صدا و سیما، مجلات، روزنامه‌ها و جذب نسل جدید به معارف دینی است؛ و به خصوص باید از این وسایل مدرن در شناساندن خطرات عرفان‌های کاذب به نسل کنونی کشور اقدام کرد. در این زمینه نیز واجب و ضروری است مساجد و حسینیه‌ها را به هر شکل ممکن تبدیل به حوزه بسیار پرجاذبه از نظر ساختمان و اموری چون کتابخانه و برنامه‌های جذاب مستمر سالانه به ویژه در اوقات فراغت نمود و به تقویت وعظ درس‌خوانده در حوزه‌ها و مورد تأیید علمی مدارس دینی و عالمان واجد شرایط پرداخت و منابر و رادیو و تلویزیون را از دست بی‌سوادان و بی‌هنران و آنان که سخنرانی‌هایشان مردم و نسل را دین‌گریز می‌کنند گرفت و در این زمینه به‌خاطر اسلام هیچ ممانعتی را روا نداشت. نیز لازم است جزواتی مثبت، استوار، مستدل، کج‌حجم، با جاذبه ایی از طریق دانشگاه‌ها، مدارس، ادارات، مساجد، در اختیار نسل جدید قرار داد و خطرات و دشمنان را به آنان شناساند.

تحلیل شما از گسترش نشر و استقبال روزافزون از کتاب‌های شرح احوال عرفاء و اهل معنا در جامعه چیست؟ آثار مثبت و آسیب‌های محتمل این امر را چه می‌دانید؟

انصاریان: سخنرانی‌های ناب و صحیح حضرت امام خمینی (ره) در اوایل پیروزی انقلاب و چند سال پس از آن در رابطه با معنویت و یا اشارات ایشان به مسائل عرفان، نسل ما را مجذوب عرفان نمود بخشی از این نسل بدون مراجعه به اهل فن و بدون مطالعه کتب پرمحتوا و نقاد، به مسائل روحی و عرفان‌گرا گرایش پیدا کرد، و به دنبال مباحث عرفانی و شرح حال عرفا رفت. گروهی از کسانی که در هر زمان با هر دست‌آویزی حریصانه برای پر کردن جیب خود از مال و منال دنیا و پول و ثروت در تکاپویند، از این پدیده معنوی سوء استفاده کرده و به نوشتن و فروختن این‌گونه کتاب‌ها در شرح احوال اشخاص گذشته و معاصر پرداختند؛ کتاب‌هایی که پر از داستان‌های غیرواقعی و کشف و کرامات ساختگی بوده است.

ادامه در صفحه بعد...



دوره: سیمه یوز

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

دوره شانزدهم:
آیت الله العظمی میرزا محمد باقر خراسانی و شیعه شد.



دوره شانزدهم:
آیت الله العظمی میرزا محمد باقر خراسانی و شیعه شد.



فهرست شماره یاز

فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند

۱۳۹۱

دی

۱۹



من سالیان طولانی با برخی از کسانی که این‌گونه کتاب‌ها در باره آنان نوشته شده است، مراوده و معاشرت داشتم، و با این که خود به شدت در طلبش بودم، اما آنچه این بازرگانان ثروت نوشته‌اند، از آنان ندیدم! کرامات اینان فقط در تقوا و عمل صالح فردی‌شان بود هیچ‌کدام به اندازه یک میلیونوم خمیتی بزرگ نه با مردم بودند، نه برای دین و مردم در برابر استبداد و استثمار مبارزه کردند و نه کار چشم‌گیری برای مردم و دغدغه آنان انجام دادند؛ بلکه برخی از آنان جز عبادت فردی و حفظ شخصیت و ابروی خود کاری نداشتند! روی این حساب من اکثر آن کتاب‌ها را چنان که در منابر و مجالس خصوصی‌ام اعلام کرده‌ام، قبول ندارم، بنده آن کتاب‌ها را فقط وسیله ارتزاق و تخریب عقاید حق مردم می‌دانم. البته تنها کتابی که در این مورد سفارش به خواندنش دارم «فضیلت‌های فراموش شده» شرح حالات آخوند ملاعباس تربتی است که این کتاب، کتاب متین و درستی است و کرامات اخلاقی و عملی آخوند در آن به قلم فرزند دانشمند و روشنفکرش مرحوم راشد تربتی بیان شده و در تربیت و رشد طلاب و نسل انقلاب مؤثر است. دیگر کتاب‌ها جز این که نگاه مردم را از اهل بیت و کرامات آن عرشیان فرشتین به دیگران معطوف نماید، اثر دیگری ندارد و شاید بدون توجه مؤلفانش به همین خاطر نوشته شده باشد.

همان‌گونه که اطلاع دارید علاوه بر درس اخلاق اسلامی در دانشگاه، یکی از دروس معارف اسلامی که به شکل اختیاری ارائه می‌شود «درس عرفان عملی در اسلام» است. نظر شما در این باره چیست؟ استاد این درس چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ آیا شما خود طرح مطالعاتی خاصی در این باره پیشنهاد می‌کنید؟ لطفاً منابع اصیل عرفان اسلامی را برای استاد و دانشجو - به تفکیک سطح - برشمارید.

بنده اغلب جزواتی که به عنوان معارف اسلامی تدریس می‌شود را به عنوان معارف ناب قبول ندارم؛ زیرا آمیخته‌ای از فلسفه و کلام است و برای دانشجویان، پیچیده و گاهی غیر قابل درک و به صورت غیر کاربردی و صرفاً تئوری است. علاوه بر آن که این مباحث اخلاقی هم گاهی مخلوط با نقل شده‌های کتب یونانی شده است و بیشتر محتوای ادبی و انشایی دارد و از آیات قرآن و روایات در زمینه اخلاق، چنان که باید استفاده نشده است.

درس عرفان عملی اسلام، اگر صد در صد عرفان قرآنی - اهل‌بیتی باشد، قابل قبول است. این درس باید برگرفته از قرآن و مدرسه اهل‌بیت (علیهم السلام) و دارای تظمی خاص و بدون ابهام و پیچیدگی و برای دانشجویان بسیار جذاب باشد؛ و باید استادی‌اش با زبان حال آن را به دانشجویان انتقال دهند. این در صورتی است که استادی خوششان به حقایق ناب اخلاق و عرفان آراسته باشند تا دانشجو مصداق عملی آن درس‌ها را با چشم سر و دیده دل ببیند؛ بلکه از طریق استاد در گردونه اخلاق و عرفان قرار گیرند، و خود اسوه و سرمشق دیگران شوند.

کتاب‌هایی مانند «محجة البیضاء» فیض کاشانی، «جامع السعادات» ملا مهدی نراقی، مؤلفات میرزا احمد آشتیانی، «آداب فناء» مقربان، «آیت‌الله جوادی آملی، شرح دعای کمیل حقیر، و از همه بهتر اگر بتوان تلفیقی از همه آنها به دست داد، را سفارش می‌کنم، البته مؤسسه دارالعرفان با گردهم آوردن اساتیدی مؤمن و مخلص و محقق، در صدد تألیف دو نوع کتاب عرفانی است؛ یکی برای تدریس در لایه‌های مختلف دانشجویی و دیگری شرح حال عرفای اصیل شیعی برای عموم.

ادامه در صفحه بعد...



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

ره باستان ۱:
که برپا شد در عهد
الکهنان و پیکره
مسلحان و شیعه
شد



ره باستان:
که روایت خواندن از
شیعه شدن قلیاب
سندروس، صالح
نیوز ملی سولامی



فیدگزارای شیعه نیوز

فقههای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می دانستند

۱۳۹۱

دی

۱۹



همانگونه که می دانید، در حال حاضر دروس معارف اسلامی در دانشگاهها با رویکرد فلسفی - کلامی عرضه می شود (به ویژه اندیشه اسلامی ۱ و ۲): به نظر شما این رویکرد و تمرکز بر برهین فلسفی، چقدر می تواند در تقویت ایمان و اعتقاد و جذب جوانان به دین و جلوگیری از دین گریزی آنها مؤثر باشد؟

انصاریان: با وجود زحمات و خدمات پدید آورندگان، بنده اندیشه اسلامی ۱ و ۲ را برای دانشجویان به عنوان اندیشه اسلامی ناب نمی یستم. از طریق منابع در شهرهای مختلف، از برخی دانشجویان هم شنیده ام که از آن کتابها گریزانند و فقط به خاطر به دست آوردن نمره آنها را می خوانند! پس اثر چندان مطلوبی در حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین گریزی آنان ندارد. به نظر می رسد اگر تفسیر مختصری به اندازه همین کتابها و حجم آنها از آیات قرآن در زمینه حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین گریزی و نیز بخش هایی از نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و روایات مربوطه به صورتی زیبا با عنوان بندی های جذاب و به شکلی منظم به عنوان اندیشه اسلامی ۱ و ۲ و دیگر متون وابسته به این رشته تدوین شود، چون هر سه از نور وحی و ولایت صادر شده، اثر فوق العاده ای بر مخاطب خود دارد و دل ها را آن چنان که باید منور می کند و قدمها را در مسیر دین ثابت نگاه می دارد و درس گریزی را علاج می کند و دانشجویان را با اسلام ناب محمدی (ص) آشنا می سازد. پس باید هر چه زودتر این کار انجام گیرد که بسیار دیر است.



مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی



همانگونه که می‌دانید، در حال حاضر دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها با رویکرد فلسفی - کلامی عرضه می‌شود (به ویژه اندیشه اسلامی ۱ و ۲): به نظر شما این رویکرد و تمرکز بر براهین فلسفی، چقدر می‌تواند در تقویت ایمان و اعتقاد و جذب جوانان به دین و جلوگیری از دین‌گریزی آنها مؤثر باشد؟

انصاریان: با وجود زحمات و خدمات پدید آورندگان، بنده اندیشه اسلامی ۱ و ۲ را برای دانشجویان به عنوان اندیشه اسلامی ناب نمی‌پسندم. از طریق منابع در شهرهای مختلف، از برخی دانشجویان هم شنیده‌ام که از آن کتاب‌ها گریزانند و فقط به خاطر به دست آوردن نمره آنها را می‌خوانند! پس اثر چندان مطلوبی در حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین‌گریزی آنان ندارد. به نظر می‌رسد اگر تفسیر مختصری به اندازه همین کتاب‌ها و حجم آنها از آیات قرآن در زمینه حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین‌گریزی و نیز بخش‌هایی از نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و روایات مربوطه به صورتی زیبا با عنوان‌بندی‌های جذاب و به شکلی منظم به عنوان اندیشه اسلامی ۱ و ۲ و دیگر متون وابسته به این رشته تدوین شود، چون هر سه از نور وحی و ولایت صادر شده، اثر فوق‌العاده‌ای بر مخاطب خود دارد و دل‌ها را آن چنان که باید منور می‌کند و قدم‌ها را در مسیر دین ثابت نگاه می‌دارد و درس‌گریزی را علاج می‌کند و دانشجویان را با اسلام ناب محمدی (ص) آشنا می‌سازد. پس باید هر چه زودتر این کار انجام گیرد که بسیار دیر است.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



من سالیان طولانی با برخی از کسانی که این‌گونه کتاب‌ها در باره آنان نوشته شده است، مراوده و معاشرت داشتم، و با این که خود به شدت در طلبش بودم، اما آنچه این بازرگانان ثروت نوشته‌اند، از آنان ندیدم! کرامات اینان فقط در تقوا و عمل صالح فردی‌شان بود هیچ‌کدام به اندازه یک میلیونیم خمیتی بزرگ نه با مردم بودند، نه برای دین و مردم در برابر استبداد و استثمار مبارزه کردند و نه کار چشم‌گیری برای مردم و دغدغه آنان انجام دادند؛ بلکه برخی از آنان جز عبادت فردی و حفظ شخصیت و ابروی خود کاری نداشتند! روی این حساب من اکثر آن کتاب‌ها را چنان که در منابر و مجالس خصوصی‌ام اعلام کرده‌ام، قبول ندارم، بنده آن کتاب‌ها را فقط وسیله ارتزاق و تخریب عقاید حقه مردم می‌دانم. البته تنها کتابی که در این مورد سفارش به خواندنش دارم «فضیلت‌های فراموش شده» شرح حالات آخوند ملاعباس تربتی است که این کتاب، کتاب متین و درستی است و کرامات اخلاقی و عملی آخوند در آن به قلم فرزند دانشمند و روشنفکرش مرحوم راشد تربتی بیان شده و در تربیت و رشد طلاب و نسل انقلاب مؤثر است. دیگر کتاب‌ها جز این که نگاه مردم را از اهل‌بیت و کرامات آن عرشیان فرشین به دیگران معطوف نماید، اثر دیگری ندارد و شاید بدون توجه مؤلفانش به همین خاطر نوشته شده باشد.

همان‌گونه که اطلاع دارید علاوه بر درس اخلاق اسلامی در دانشگاه، یکی از دروس معارف اسلامی که به شکل اختیاری ارائه می‌شود «درس عرفان عملی در اسلام» است. نظر شما در این باره چیست؟ استاد این درس چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ آیا شما خود طرح مطالعاتی خاصی در این باره پیشنهاد می‌کنید؟ لطفاً منابع اصیل عرفان اسلامی را برای استاد و دانشجو - به تفکیک سطح - برشمارید.

بنده اغلب جزواتی که به عنوان معارف اسلامی تدریس می‌شود را به عنوان معارف ناب قبول ندارم؛ زیرا آمیخته‌ای از فلسفه و کلام است و برای دانشجویان، پیچیده و گاهی غیر قابل درک و به صورت غیر کاربردی و صرفاً تئوری است. علاوه بر آن که این مباحث اخلاقی هم گاهی مخلوط با نقل شده‌های کتب یونانی شده است و بیشتر محتوای ادبی و انشایی دارد و از آیات قرآن و روایات در زمینه اخلاق، چنان که باید استفاده نشده است.

درس عرفان عملی اسلام، اگر صد در صد عرفان قرآنی - اهل‌بیتی باشد، قابل قبول است. این درس باید برگرفته از قرآن و مدرسه اهل‌بیت (علیهم السلام) و دارای تظمی خاص و بدون ابهام و پیچیدگی و برای دانشجویان بسیار جذاب باشد؛ و باید استادش با زبان حال آن را به دانشجویان انتقال دهند. این در صورتی است که استاد خوششان به حقایق ناب اخلاق و عرفان آراسته باشند تا دانشجو مصداق عملی آن درس‌ها را با چشم سر و دیده دل ببیند؛ بلکه از طریق استاد در گردونه اخلاق و عرفان قرار گیرند، و خود اسوه و سرمشق دیگران شوند.

کتاب‌هایی مانند «محجة البیضاء» فیض کاشانی، «جامع السعادات» ملا مهدی نراقی، مؤلفات میرزا احمد آشتیانی، «آداب فناء» مقربان، «آیت‌الله جوادی آملی، شرح دعای کمیل حقیر، و از همه بهتر اگر بتوان تلفیقی از همه آنها به دست داد، را سفارش می‌کنم، البته مؤسسه دارالعرفان با گردهم آوردن اساتیدی مؤمن و مخلص و محقق، در صدد تألیف دو نوع کتاب عرفانی است؛ یکی برای تدریس در لایه‌های مختلف دانشجویی و دیگری شرح حال عرفای اصیل شیعی برای عموم.

ادامه در صفحه بعد...



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



از نظر شما مؤلفه‌های عرفان و سلوک ناب اسلامی - شیعی چیست؟

انصاریان: عرفان شیعی، مرکب از سه مقوله «معرفت»، «عشق به حق»، «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَتَدْرُكُونَ» (بقره/۱۶۵)، و «عمل و حرکت» است؛ و سلوک عرفانی اسلامی شیعی با توجه به آیات و معارف حقه نهایتاً عبارت است از: اجتناب از محرمات ظاهری و باطنی «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ» (انعام/۱۵۱)، تخلی به اخلاق حسنه و عمل بر اساس فقه اهل بیت (علیهم السلام)، که جز این سه مرحله گمراهی است، گرچه رنگ و لعاب دینی داشته باشد.

تحلیل شما از موج معنویت‌گرایی نوپدید و عرفان‌های جدید در جهان چیست؟ آیا منشأ این مسئله، احساس خلاء معنویت ناب و اصیل است و یا پروژه‌های سیاسی برای تحت تأثیر قرار دادن ادیان الهی می‌باشد؟ به نظر شما بهترین راه مقابله با این موج یا هدایت و مدیریت آن در ایران اسلامی چیست؟

انصاریان: قطعاً موج معنویت‌گرایی در بنیای امروز معلول و محصول خلأ معنوی بشر است که مکتب‌های مادی و الحادی در شرق و غرب سبب این خلأ شده‌اند؛ اما سیاست‌بازان جهانی و ملحدان به کار گرفته از طرف استعمارگران و استثمارچیان به شدت با پروژه‌های دین‌سازی و عرفان‌سازی جدید، پرکردن این خلأ را بی می‌گیرند تا از رشد جهانی دین اسلام و مکتب ناب قرآن و اهل بیت (ع) جلوگیری کنند. راه مقابله با این خلأ معنوی رساندن پیام اسلام ناب با رسانه‌های صدا و سیما، مجلات، روزنامه‌ها و جذب نسل جدید به معارف دینی است؛ و به خصوص باید از این وسایل مدرن در شناساندن خطرات عرفان‌های کاذب به نسل کنونی کشور اقدام کرد. در این زمینه نیز واجب و ضروری است مساجد و حسینیه‌ها را به هر شکل ممکن تبدیل به حوزه بسیار پرجاذبه از نظر ساختمان و اموری چون کتابخانه و برنامه‌های جذاب مستمر سالانه به ویژه در اوقات فراغت نمود و به تقویت وعظ درس‌خوانده در حوزه‌ها و مورد تأیید علمی مدارس دینی و عالمان واجد شرایط پرداخت و منابر و رادیو و تلویزیون را از دست بی‌سوادان و بی‌هنران و آنان که سخنرانی‌هایشان مردم و نسل را دین‌گریز می‌کنند گرفت و در این زمینه به‌خاطر اسلام هیچ ممانعتی را روا نداشت. نیز لازم است جزواتی مثبت، استوار، مستدل، کج‌حجم، یا جاذبه‌ای از طریق دانشگاه‌ها، مدارس، ادارات، مساجد، در اختیار نسل جدید قرار داد و خطرات و دشمنان را به آنان شناساند.

تحلیل شما از گسترش نشر و استقبال روزافزون از کتاب‌های شرح احوال عرفاء و اهل معنا در جامعه چیست؟ آثار مثبت و آسیب‌های محتمل این امر را چه می‌دانید؟

انصاریان: سخنرانی‌های ناب و صحیح حضرت امام خمینی (ره) در اوایل پیروزی انقلاب و چند سال پس از آن در رابطه با معنویت و یا اشارات ایشان به مسائل عرفان، نسل ما را مجذوب عرفان نمود بخشی از این نسل بدون مراجعه به اهل فن و بدون مطالعه کتب پرمحتوا و نقاد، به مسائل روحی و عرفان‌گرا گرایش پیدا کرد، و به دنبال مباحث عرفانی و شرح حال عرفا رفت. گروهی از کسانی که در هر زمان با هر دست‌آویزی حریصانه برای پر کردن جیب خود از مال و منال دنیا و پول و ثروت در تکاپویند، از این پدیده معنوی سوء استفاده کرده و به نوشتن و فروختن این‌گونه کتاب‌ها در شرح احوال اشخاص گذشته و معاصر پرداختند؛ کتاب‌هایی که پر از داستان‌های غیرواقعی و کشف و کرامات ساختگی بوده است.

ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



نسبت «عرفان» با «تصوف» چیست؟ موضع افتراق و اشتراک آنها چیست و یا کجاست؟

انصاریان: اولاً با مطالعه دقیق در آثار متصوفه پیش و پس از اسلام، اموری به دست می‌آید که دست کم برخی از آنها بر خلاف اصول دین خدا و بخشی از فروع اسلامی است؛ مانند: دوری از عمل‌گرایی و تن به راحت و استراحت سپردن، جدایی دین از سیاست، مخالفت شدید با فقیهان مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، صلح و سازش با همه پیران مکتب‌ها و به عبارت دیگر صلح کلی بودن؛ چنان با نیک و بد سر کن که بعد از مرگت عرفی

مسلمات به زمزم شوید و هندو بسوزانند

نزدیکی به پادشاهان ستمگر و تأمین مخارج خانقاه‌ها از طریق شاه و درباریان و خوردن هرگونه مالی که به صوفی هدیه شود، تأویل عجیب و غریب آیات قرآن و روایات - از باب نمونه تفسیر ابن عربی و تأویلات نجمیه - به جای رویکرد به قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) رویکرد شدید به شعر و شاعری و خیال‌پردازی، اباحه‌گری، ایجاد روح رخوت و سستی در امت تحت عنوان رضا به قضای الهی، بی‌تفاوت بودن به جنگ امت با ستمگران و نهایتاً بیهوده دشتن جنگ، تهمت به پاکان و نیکان در اشعار و مقالات، اثباته شدن کتب صوفیه از مطالبی که از مکتب‌های بودایی، هندویی، قلوطنی، فرافوریوسی، چینی و البته اندکی نیز از اسلام، و...

موضوع افتراق تصوف با عرفان و اشتراکش با آن چندان قابل توجه نیست. هر دو مکتب در بعضی از امور مثل حال باطنی یا هم مشترک و در بعضی از امور مانند مبدأ پیدایش و برخی از قواعد از هم جد است. کتاب «عارف و صوفی» مرحوم حاج میرزا جواد آقاچه‌رانی، چندان تفاوتی بین عارف و صوفی قائل نیست، بلکه هر دو را یک مسلک با دو نام می‌داند.

حضرت عالی نزاع دایم تاریخی فقه‌ها (اهل شریعت) با اهل معنا (اهل طریقت، به ویژه متصوفه) را چگونه تفسیر می‌کنید؟
انصاریان: در مجموع با توجه به سیر تصوف و عرفان و مسائل بیان شده در هر دو مکتب که به اجمال در سه بخش قبل بیان شد، حق بودن نزاع فقه‌ها به ویژه فقه‌های شیعه روشن می‌شود؛ چرا که نزاع فقه‌ها با عارفان اصطلاحی (نه عارفان حقیقی که از مشرب عرفان ناب شیعی سیراب می‌شوند) و متصوفه و به عبارت دیگر اهل طریقت، به این علت بوده که رواج این مکتب را در امت سبب هدم دین و به حاشیه رانده شدن فقه و موجب خطر تأویل نادرست آیات و روایات می‌دانستند و از این وحشت داشتند که مکتب اهل بیت (علیهم السلام) چون خود اهل بیت (علیهم السلام) از جامعه جدا شود و محبوس گشته، امت از آن محروم شوند.
آیا کشف و شهود در عرفان اسلامی حجت دارد؟ به عبارت دیگر نسبت خارق عادت و یا کرامت با حقیقت چیست؟ ملاک اثبات صحت و سقم تجربه‌های عرفانی چه می‌باشد؟

انصاریان: اگر مراد از کشف و شهود در عرفان منتسب به اسلام همان باشد که در «فتوحات» ابن عربی، «صالحیه» ملا علی گنابادی و «گلشن‌راز» شبستری آمده، و مراد از خارق عادت آن باشد که در «تذکره» عطار، «طبقات صوفیه»، «حلیه الاولیاء» ابونعیم، «تفسیر روح البیان» و «کیمیای محبت» ضبط شده، باید گفت: هیچ دلیلی بر حجت‌ت کشف و شهود ادعا شده از قرآن و روایات نداریم. اما اگر مراد شهود قلبی انبیا و ائمه (علیهم السلام) و کرامات و خارق عادت آنان است، در صریح قرآن و روایات به عنوان حقیقت و کاری که مصدق نبوت و امامت است، به صورت فراوان بیان شده است.

ادامه در صفحه بعد...



مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

موسسه دارالعارف شیعی

فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



به گزارش «شیعه نیوز»، گفتگویی که در زیر از نظر می‌گذرانید مصاحبه نشریه معارف با استاد حجت الاسلام و المسلمین انصاریان پیرامون عرفان مصطلح و تصوف است که توجه شما را به این گفتگو جلب می‌کنیم. همان‌گونه که مستحضرید در مورد خاستگاه «عرفان اسلامی» نظریه‌های متعددی وجود دارد؛ نظر شما در این‌باره چیست؟ نسبت عرفان با دین را چه می‌دانید؟

انصاریان: ابتدا باید به این حقیقت توجه کرد که اگر منظور از عرفان، محصول فکری و نظری اندیشمندان و اهل حال جوامع گوناگون و ملت‌ها و آیین‌های مختلف است، تقریباً همه آنان با اختلاف آیین‌هایشان بر اصول و بخش عمده‌ای از فروع آن اجماع دارند و به صورت دانشی نظری که در حدی هم قابل عمل است درآمده و تحت عنوان عرفان ارائه شده، که بخشی مبتنی بر فطرت انسان هاست و این منبع در همه آبنای بشر مشترک است و البته بخشی تحت تأثیر فرهنگ‌های جوامع و یا حالات روحی و روانی اشخاص می‌باشد و بنابر این ارتباطی به اصل دین ندارد، و دین از امضای کامل آن امتناع دارد. اما اگر مقصود از عرفان، عشق سوزنی است که از معرفت به اوصاف و کمالات و زیبایی بی‌نهایت حضرت رب‌العزّه، از طریق قرآن و معارف اهل‌بیت (علیهم السلام) به ویژه دعا‌هایی چون کمیل، عرفه سیدالشهدا (علیه السلام) و ایوحمزه ثمالی در قلب ظهور می‌کند و موتور برای حرکت انسان به سوی لقاءالله و رضوان الهی است و عامل عمل به خواسته‌های حق و رنگ گرفتن از اخلاق الهی است، باید گفت چنین عرفانی به منزله روح دین و صفای آیین و مایه و پایه دینداری می‌باشد یکی از پرسش‌های جدی و دل‌مشغولی‌های اندیشمندان بزرگ اسلامی، رابطه «عرفان و فلسفه» یا راه «دل و عقل» است؛ نظر شما در این‌باره چیست؟ برای وصول انسان به حقیقت، کدام راه کفایت می‌کند؟ انصاریان: فلسفه در اصل دانشی بشری است که بر پایه استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است؛ که البته بسیاری از امور مربوط به بخش طبیعی آن یا پدید آمدن علوم جدید و ابزار نو، از میان رفته و باطل شده است. بخش علمی و معارفی فلسفه که در پرورش ذهن و اندیشه و در حد یخته شدن عقل باقی مانده، به نظر می‌رسد رابطه‌ای با عرفان خالص دینی ندارد؛ اما بسیاری از فلاسفه کوشیده‌اند فلسفه را با عرفان بشری اشتی داده و مکتبی فلسفی - عرفانی از آن بسازند و اصرار بر این دارند که آن راهی که فلسفه برای اثبات موضوعی به کمک استدلال طی می‌کند، همان راه را دل در صورتی که از همه ردگن اخلاقی و شائیه‌ها پاک باشد، طی می‌کند. فلسفه از طریق دلیل، دل از طریق کشف و شهود، عمل می‌کند؛ ولی جای این پرسش هست که آیا دلی غیر از دل انبیا و امامان معصوم (علیهم السلام) به عرصه کشف و شهود راه دارد یا نه؟ اگر دارد دل چه طایفه‌ای؟ و نمونه آن دل والا و پاک از هر عیب و نقص، دل کیست؟ یا توجه به این‌که شاهد روشنی بر اثبات کشف و شهود اهل دل، از طریق آیات قرآنی و روایات اهل بیت (ع) در منظر ما وجود ندارد، ادعاهایی که در این زمینه در «فتوحات» محی‌الدین عربی و شرح «گلشن راز» شبستری و «صالحیه» ملاعلی گنابادی و امثال این کتب می‌بینیم را نمی‌توانیم بپذیریم. بنابر این عرفان اصطلاحی نه عرفان ناب قرآن و اهل بیت (ع)، رابطه‌ای قوی و مستحکم با فلسفه ندارد؛ و به نظر می‌رسد آشتی بین این دو رشته، به زور و به دور از انصاف صورت گرفته است و آشتی عقلی و علمی به نظر نمی‌رسد.



دُرِّ الْعِرْفَانِ

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



Mohsen Namjoo in Concert

Santa Clara (Jan 20) - Berkeley (Jan 26)

TICKET INFO
CLICK HERE

حسین انصاریان
English
فارسی
درباره
پست کن
محتوا



نقص ملی
امروز حالت چطوریه؟ ۲۲ نفر (۱۲٪)
ب

ورود | ثبت

ایرون

ایرون

حسین انصاریان: "دماری از روزگارمون در میارند که نتونیم جبران کنیم"

۱۳۹۱

دی

۲۰

"بعد از ۱۵۰۰ سال حکومت را از دشمن گرفتیم، اسلحه را گرفتیم، بیت المال را گرفتیم و تحویل اهل بیت دادیم، برای حفظ این سه نیرو باید هر هزینه ای را پرداخت چون اگه دوباره بوسیله دشمنان داخلی و صهیونیست خارجی و مسیحیت اروپایی و آمریکایی از ما این حکومت را بگیرند، اسلحه را بگیرند، بیت المال را بگیرند، دماری از روزگارمون درمیارند که نتونیم جبران کنیم..."



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مراکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



المتمصل علی محمد و عاقله و اسحق بن اسحاق بن تيمه منصوبين من ذرية آيين

مؤسسه اسلامی هدایت (مؤسسه تخصصی پژوهش و نشر)

پایگاه موسسه اسلامی هدایت

گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان

۱۳۹۱

دی

۲۰



فلسفه در اصل دانشی بشری است که بر پایه استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است؛ که البته بسیاری از امور مربوط به بخش طبیعی آن با پدید آمدن علوم جدید و ابزار نو، از میان رفته و باطل شده است. به گزارش مشرق؛ گفتگویی که در زیر از نظر می گذرانید مصاحبه نشریه معارف با استاد حجت الاسلام و المسلمین انصاریان پیرامون عرفان مصطلاح و تصوف است که توجه شما را به این گفتگو جلب می کنیم. همان گونه که مستحضرد در مورد خلستگاه «عرفان اسلامی» نظریه های متعددی وجود دارد؛ نظر شما در این باره چیست؟ نسبت عرفان با دین را چه می دانید؟

استاد انصاریان: ابتدا باید به این حقیقت توجه کرد که اگر منظور از عرفان، محصول فکری و نظری اندیشمندان و اهل حال جوامع گوناگون و ملتها و آیین های مختلف است، تقریباً همه آنان با اختلاف آیین هایشان بر اصول و بخش عمده ای از فروع آن اجماع دارند و به صورت دانشی نظری که در حدی هم قابل عمل است درآمده و تحت عنوان عرفان ارائه شده، که بخشی مبتنی بر فطرت انسان هاست و این منبع در همه اینای بشر مشترک است و البته بخشی تحت تأثیر فرهنگ های جوامع و یا حالات روحی و روانی اشخاص می باشد و بنابراین این ارتباطی به اصل دین ندارد، و دین از اعضای کامل آن امتناع دارد؛ اما اگر مقصود از عرفان، عشق سوزانی است که از معرفت به اوصاف و کمالات و زیبایی بی نهایت حضرت رب العزّه، از طریق قرآن و معارف اهل بیت (ع) به ویژه دعاهایی چون کمیل، عرقه سیدالشهدا (ع) و لوحمه ثمالی در قلب ظهور می کند و موتوری برای حرکت انسان به سوی لقاءالله و رضوان الهی است و عامل عمل به خواسته های حق و رنگ گرفتن از اخلاق الهی است، باید گفت چنین عرفانی به منزله روح دین و صفای آیین و مایه و پایه دینداری می باشد یکی از پرسش های جدی و دل مشغولی های اندیشمندان بزرگ اسلامی، رابطه «عرفان و فلسفه» یا راه «دل و عقل» است؛ نظر شما در این باره چیست؟ برای وصول انسان به حقیقت، کدام راه کفایت می کند؟

استاد انصاریان: فلسفه در اصل دانشی بشری است که بر پایه استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است؛ که البته بسیاری از امور مربوط به بخش طبیعی آن با پدید آمدن علوم جدید و ابزار نو، از میان رفته و باطل شده است. بخش علمی و معارفی فلسفه که در پرورش ذهن و اندیشه و در حد پخته شدن عقل باقی مانده، به نظر می رسد رابطه ای با عرفان خالص دینی ندارد؛ اما بسیاری از فلاسفه کوشیده اند فلسفه را با عرفان بشری اشتی داده و مکتبی فلسفی - عرفانی از آن بسازند و اصرار بر این دارند که آن راهی که فلسفه برای اثبات موضوعی به کمک استدلال طی می کند، همان راه را دل در صورتی که از همه دقائق اخلاقی و شائیه ها پاک باشد، طی می کند. فلسفه از طریق دلیل، دل از طریق کشف و شهود، عمل می کند؛ ولی جای این پرسش هست که آیا دلی غیر از دل انبیا و امامان معصوم (ع) به عرصه کشف و شهود راه دارد یا نه؟ اگر دارد دل چه طایفه ای؟ و نمونه آن دل والا و پاک از هر عیب و نقص، دل کیست؟ با توجه به این که شاهد روشنی بر اثبات کشف و شهود اهل دل، از طریق آیات قرآنی و روایات اهل بیت (ع) در منظر ما وجود ندارد، ادعاهایی که در این زمینه در «فتوحات» محی الدین عربی و شرح «گلشن راز» شستری و «صالحیه» ملاعلی گنابادی و امثال این کتب می بینیم را نمی توانیم بپذیریم. بنابراین عرفان اصطلاحی نه عرفان ناب قرآن و اهل بیت (ع)، رابطه ای قوی و مستحکم با فلسفه ندارد؛ و به نظر می رسد اشتی بین این دو رشته، به زور و به دور از انصاف صورت گرفته است و اشتی عقلی و علمی به نظر نمی رسد.

ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالمعارف شیعی

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



المتمصل علی محمد و فاطمه و الحسن و الحسین فی تنوع المصوبین من ذریه آیین

مؤسسه اسلامی حدیث و فقه اسلامی در قم

پایگاه مؤسسه اسلامی هدایت

گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان

۱۳۹۱

دی

۲۰



نسبت «عرفان» با «تصوف» چیست؟ موضع افتراق و اشتراک آنها چیست و یا کجاست؟

استاد انصاریان: اولاً با مطالعه دقیق در آثار متصوفه پیش و پس از اسلام، اموری به دست می‌آید که دست کم برخی از آنها بر خلاف اصول دین خدا و بخشی از فروع اسلامی است؛ مانند: دوری از عمل‌گرایی و تن به راحت و استراحت سپردن، جدایی دین از سیاست، مخالفت شدید با فقیهان مکتب اهل‌بیت(ع)، صلح و سازش با همه پیروان مکتب‌ها و به عبارت دیگر صلح کلی بودن؛

چنان‌که یا نیک و بد سر کن که بعد از مرگت عرفی

مسلمات به زرم شوید و هندو بسوزاند

نزدیکی به پادشاهان ستمگر و تأمین مخارج خلفاها از طریق شاه و درباریان و خوردن هرگونه مالی که به صوفی هدیه شود؛ تأویل عجیب و غریب آیات قرآن و روایات - از باب نمونه تفسیر ابن‌عربی و تأویلات نجمیه - به جای رویکرد به قرآن و اهل‌بیت(ع) رویکرد شدید به شعر و شاعری و خیال‌پردازی، اباحه‌گری، ایجاد روح رخوت و سستی در امت تحت عنوان رضا به قضای الهی، بی تفاوت بودن به جنگ امت با ستمگران و نهایتاً بیهوده دانستن جنگ، تهمت به پاکان و نیکان در اشعار و مقالات، اثبات شدن کتب صوفیه از مطالبی که از مکتب‌های بودایی، هندویی، فلوطینی، فرافوریوسی، چینی و البته اشذکی نیز از اسلام، و...

موضوع افتراق تصوف با عرفان و اشتراکش با آن چندان قابل توجه نیست. هر دو مکتب در بعضی از امور مثل حال باطنی با هم مشترک و در بعضی از امور مانند مبدأ پیدایش و برخی از قواعد از هم جداست. کتاب «عارف و صوفی» مرحوم حاج میرزا جواد آقا‌نهرائی، چندان تفاوتی بین عارف و صوفی قائل نیست، بلکه هر دو را یک مسلک با دو نام می‌داند.

حضرت‌عالی نزاع دایم تاریخی فقهاء (اهل شریعت) با اهل معنا (اهل طریقت، به ویژه متصوفه) را چگونه تفسیر می‌کنید؟

استاد انصاریان: در مجموع با توجه به سیر تصوف و عرفان و مسائل بیان شده در هر دو مکتب که به اجمال در سه بخش قبل بیان شد، حق بودن نزاع فقه‌ها به ویژه فقه‌های شیعه روشن می‌شود؛ چرا که نزاع فقه‌ها با عارفان اصطلاحی (نه عارفان حقیقی که از مشرب عرفان ناب شیعی سیراب می‌شوند) و متصوفه و به عبارت دیگر اهل طریقت، به این علت بوده که رواج این مکتب را در امت سبب هدم دین و به حاشیه رانده شدن فقه و موجب خطر تأویل نادرست آیات و روایات می‌دانستند و از این وحشت داشتند که مکتب اهل بیت(ع) چون خود اهل‌بیت(ع) از جامعه جدا شود و محبوس گشته، امت را از آن محروم شوند.

آیا کشف و شهود در عرفان اسلامی حجت دارد؟ به عبارت دیگر نسبت خارق عادت و یا کرامت با حقیقت چیست؟ ملاک اثبات صحت و سقم تجربه‌های عرفانی چه می‌باشد؟

استاد انصاریان: اگر مراد از کشف و شهود در عرفان منتسب به اسلام همان باشد که در «فتوحات» ابن‌عربی، «الحاجیه» ملاعلی گنابادی و «گلشن‌راز» شبستری آمده، و مراد از خارق عادت آن باشد که در «تذکره» عطار، «خلیقات صوفیه»، «حلیة الاولیاء» ابونعیم، «تفسیر روح‌البیان» و «کیمیای محبت» ضبط شده، باید گفت: هیچ دلیلی بر حقایق کشف و شهود ادعا شده از قرآن و روایات نداریم. اما اگر مراد شهود قلبی انبیا و ائمه (ع) و کرامات و خارق عادت آنان است، در صریح قرآن و روایات به عنوان حقیقت و کاری که مصدق نبوت و امامت است، به صورت فراوان بیان شده است.

ادامه در صفحه بعد...



دارالعرفان

موسسه دارالعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



المتمصل علی محمد و آل محمد و اسحق بن اسحاق بن تيمه منصوبين من ذرية آيين

مؤسسه اسلامی هدایت (مؤسسه هدایت اسلامی)

پایگاه مؤسسه اسلامی هدایت

۱۳۹۱ دی ۲۰

گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان



از نظر شما مؤلفه‌های عرفان و سلوک ناب اسلامی - شیعی چیست؟

استاد انصاریان: عرفان شیعی، مرکب از سه مقوله «معرفت»، «عشق به حق»، «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَتَدْرُبُونَ» (بقره/۱۶۵)، و «عمل و حرکت» است؛ و سلوک عرفانی اسلامی شیعی با توجه به آیات و معارف حقه نهایتاً عبارت است از: اجتناب از محرمات ظاهری و باطنی «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ» (انعام/۱۵۱)، تخلق به اخلاق حسنه و عمل بر اساس فقه اهل بیت (ع)، که جز این سه مرحله گمراهی است، گرچه رنگ و لعاب دینی داشته باشد.

تحلیل شما از موج معنویت‌گرایی نوپدید و عرفان‌های جدید در جهان چیست؟ آیا منشأ این مسئله، احساس خلاء معنویت ناب و اصیل است و یا پروژه‌های سیاسی برای تحت تأثیر قرار دادن ادیان الهی می‌باشد؟ به نظر شما بهترین راه مقابله با این موج یا هدایت و مدیریت آن در ایران اسلامی چیست؟

استاد انصاریان: قطعاً موج معنویت‌گرایی در دنیای امروز معلول و محصول خلأ معنوی بشر است که مکتب‌های مادی و الحادی در شرق و غرب سبب این خلأ شده‌اند؛ اما سیاست‌بازان جهانی و ملحدان به کار گرفته از طرف استعمارگران و استثمارچیان به شدت با پروژه‌های دین‌سازی و عرفان‌سازی جدید، پرکردن این خلأ را پی می‌گیرند تا از رشد جهانی دین اسلام و مکتب ناب قرآن و اهل بیت (ع) جلوگیری کنند.

راه مقابله با این خلأ معنوی رساندن پیام اسلام ناب با رسانه‌های صدا و سیما، مجلات، روزنامه‌ها و جذب نسل جدید به معارف دینی است؛ و به خصوص باید از این وسایل مدرن در شناساندن خطرات عرفان‌های کاذب به نسل کنونی کشور اقدام کرد. در این زمینه نیز واجب و ضروری است مساجد و حسینیه‌ها را به هر شکل ممکن تبدیل به حوزه بسیار پرجاذبه از نظر ساختمان و اموری چون کتابخانه و برنامه‌های جذاب مستمر سالانه به ویژه در اوقات فراغت نمود و به تقویت و عطا درس خواننده در حوزه‌ها و مورد تأیید علمی مدارس دینی و عالمان واجد شرایط پرداخت و منابع و رادیو و تلویزیون را از دست بی‌سوادان و بی‌هنران و آنان که سخنرانی هایشان مردم و نسل را دین‌گریز می‌کنند گرفت و در این زمینه به‌خاطر اسلام هیچ ملاحظاتی را روا نداشت. نیز لازم است جزواتی متین، استوار، مستدل، کم‌حجم، با جاذبه ادبی از طریق دانشگاه‌ها، مدارس، ادارات، مساجد، در اختیار نسل جدید قرار داد و خطرات و دشمنان را به آنان شناساند.

تحلیل شما از گسترش نشر و استقبال روزافزون از کتاب‌های شرح احوال عرفاء و اهل معنا در جامعه چیست؟ آثار مثبت و آسیب‌های محتمل این امر را چه می‌دانید؟

استاد انصاریان: سخنرانی‌های ناب و صحیح حضرت امام خمینی (ره) در اوایل پیروزی انقلاب و چند سال پس از آن در رابطه با معنویت و یا اشارات ایشان به مسائل عرفان، نسل ما را مجذوب عرفان نمود. بخشی از این نسل بدون مراجعه به اهل فن و بدون مطالعه کتب پرمحتوا و نقاد، به مسائل روحی و عرفان‌گرا گرایش پیدا کرد، و به دنبال مباحث عرفانی و شرح حال عرفا رفت. گروهی از کسانی که در هر زمان با هر دست‌آویزی حریصانه برای پر کردن جیب خود از مال و منال دنیا و پول و ثروت در تکاپویند، از این پدیده معنوی سوء استفاده کرده و به نوشتن و فروختن این‌گونه کتاب‌ها در شرح احوال اشخاص گذشته و معاصر پرداختند؛ کتاب‌هایی که پر از داستان‌های غیرواقعی و کشف و کرامات ساختگی بوده است. ادامه در صفحه بعد...



مؤسسه دارالمعارف شیعی

مركز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



المتمصل علی محمد وعلی فاطمه و الحسن و الحسین فی تئمه المعصومین من ذریه آیین

مؤسسه اسلامی معارف اسلامی در مشهد

پایگاه موسسه اسلامی هدایت

گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان

۱۳۹۱

دی

۲۰



من سالیان طولانی با برخی از کسانی که این گونه کتابها در باره آنان نوشته شده است، مراوده و معاشرت داشتم، و با این که خود به شدت در طلبش بودم، اما آنچه این بازرگانان ثروت نوشته‌اند، از آنان ندیدم! کرامات ایشان فقط در تقوا و عمل صالح فردی‌شان بود. هیچکدام به اندازه یک میلیونم خمینی بزرگ نه یا مردم بودند، نه برای دین و مردم در برابر استبداد و استعمار مبارزه کردند و نه کار چشم‌گیری برای مردم و دغدغه آنان انجام دادند؛ بلکه برخی از آنان جز عبادت فردی و حفظ شخصیت و آبروی خود کاری نداشتند! روی این حساب من اکثر آن کتابها را چنان که در منابر و مجالس خصوصی‌ام اعلام کرده‌ام، قبول ندارم، بنده آن کتاب‌ها را فقط وسیله ارتزاق و تخریب عقاید حقه مردم می‌دانم. البته تنها کتابی که در این مورد سفارش به خواندنش دارم «فضیلت‌های فراموش شده» شرح حالات آخوند ملاعباس تربتی است که این کتاب، کتاب متین و درستی است و کرامات اخلاقی و عملی آخوند در آن به قلم فرزند دانشمند و روشنفکرش مرحوم راشد تربتی بیان شده و در تربیت و رشد طلاب و نسل انقلاب مؤثر است. دیگر کتابها جز این که نگاه مردم را از اهل بیت و کرامات آن عرشیان فرشتین به دیگران معطوف نماید، اثر دیگری ندارد و شاید بدون توجه مؤلفانش به همین خاطر نوشته شده باشد.

همان گونه که اطلاع دارید علاوه بر درس اخلاق اسلامی در دانشگاه، یکی از دروس معارف اسلامی که به شکل اختیاری ارائه می‌شود «درس عرفان عملی در اسلام» است. نظر شما در این باره چیست؟ استاد این درس چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ آیا شما خود طرح مطالعاتی خاصی در این باره پیشنهاد می‌کنید؟ لطفاً منابع اصیل عرفان اسلامی را برای استاد و دانشجو - به تفکیک سطح - برشمارید.

بنده اغلب جزواتی که به عنوان معارف اسلامی تدریس می‌شود را به عنوان معارف ناب قبول ندارم؛ زیرا آمیخته‌ای از فلسفه و کلام است و برای دانشجویان، پیچیده و گاهی غیر قابل درک و به صورت غیر کاربردی و صرفاً تئوری است. علاوه بر آن که این مباحث اخلاقی هم گاهی مخلوط با نقل شده‌های کتب یونانی شده است و بیشتر محتوای ادبی و انشایی دارد و از آیات قرآن و روایات در زمینه اخلاق، چنان که باید استفاده نشده است.

درس عرفان عملی اسلام، اگر صد در صد عرفان قرآنی - اهل‌بیتی باشد، قابل قبول است. این درس باید برگرفته از قرآن و مدرسه اهل‌بیت (ع) و دارای نظامی خاص و بدون ابهام و پیچیدگی و برای دانشجویان بسیار جذاب باشد؛ و باید اساتیدش با زبان حال آن را به دانشجویان انتقال دهند. این در صورتی است که اساتید خودشان به حقایق ناب اخلاق و عرفان آراسته باشند تا دانشجو مصداق عملی آن درس‌ها را با چشم سر و دیده دل ببیند؛ بلکه از طریق استاد در گردونه اخلاق و عرفان قرار گیرند، و خود اسوه و سرمشق دیگران شوند.

کتاب‌هایی مانند «مجمع‌البیضاء» فیض کاشانی، «جامع‌السعادات» ملامهدی نراقی، مؤلفات میرزا احمد اشتیانی، «ادب فنای مهربان» آیت‌الله جوادی آملی، شرح دعای کمیل حقیر، و از همه بهتر اگر بتوان تلفیقی از همه آنها به دست داد، را سفارش می‌کنم. البته مؤسسه دارالعرفان با گردهم آوردن اساتیدی مؤمن و مخلص و محقق، در صدد تألیف دو نوع کتاب عرفانی است؛ یکی برای تدریس در لایمهای مختلف دانشجویی و دیگری شرح حال عرفای اصیل شیعی برای عموم.

ادامه در صفحه بعد...



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



المتمصل علی محمد وعلی فاطمه و الحسن و الحسین فی تنویر المنصورین من ذریه آیین

مؤسسه اسلامی معارف اسلامی در شهر تهران

پایگاه مؤسسه اسلامی هدایت

۱۳۹۱

دی

۲۰

گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان



همانگونه که می‌دانید، در حال حاضر دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها با رویکرد فلسفی - کلامی عرضه می‌شود (به ویژه اندیشه اسلامی ۱ و ۲)؛ به نظر شما این رویکرد و تمرکز بر برهین فلسفی، چقدر می‌تواند در تقویت ایمان و اعتقاد و جذب جوانان به دین و جلوگیری از دین‌گریزی آنها مؤثر باشد؟

استاد انصاریان: با وجود زحمات و خدمات پدید آورندگان، بنده اندیشه اسلامی ۱ و ۲ را برای دانشجویان به عنوان اندیشه اسلامی ناب نمی‌پسندم. از طریق منابع در شهرهای مختلف، از برخی دانشجویان هم شنیده‌ام که از آن کتاب‌ها گریزانند و فقط به خاطر به دست آوردن نمره آنها را می‌خوانند! پس اثر چندان مطلقویی در حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین‌گریزی آنان ندارد. به نظر می‌رسد اگر تفسیر مختصری به اندازه همین کتاب‌ها و حجم آنها از آیات قرآن در زمینه حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین‌گریزی و نیز بخش‌هایی از نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و روایات مربوطه به صورتی زیبا یا عنوان‌بندی‌های جذاب و به شکلی منظم به عنوان اندیشه اسلامی ۱ و ۲ و دیگر متون وابسته به این رشته تدوین شود، چون هر سه از نور وحی و ولایت صادر شده، اثر فوق‌العاده‌ای بر مخاطب خود دارد و دل‌ها را آن چنان که باید متور می‌کند و قدم‌ها را در مسیر دین ثابت نگاه می‌دارد و درس‌گریزی را علاج می‌کند و دانشجویان را با اسلام ناب محمدی (ص) آشنا می‌سازد. پس باید هر چه زودتر این کار انجام گیرد که بسیار دیر است. در پایان از بذل توجه و اختصاص وقتی که به معارف و مخاطبان فرهیخته آن دارید، تشکر می‌کنم.

من هم از شما متشکرم، موفق باشید.

استاد انصاریان در یک نگاه:

استاد شیخ حسین انصاریان در سال ۱۳۲۳ شمسی در شهر عالم پرور خونسار متولد شد. پدر و مادر او از دو خاندان شناخته شده و خدمتگذار به دین و علم، در آن دیار بوده است. استاد در خاطره‌ای از سن ۳ سالگی خود، بیان می‌کند: «روزی آیت‌الله العظمی محمدتقی خونساری (ره) به منزل جد ما آمده بود. من در ستین کودکی در اتاق را باز کردم و مستقیم به طرف آیت‌الله خونساری رفتم و در آغوش او نشستم. پدر بزرگم جلو آمد که من را به اندرون ببرد. آیت‌الله خونساری جلوی او را گرفت و مرا نوازش کرد و از من پرسید: می‌خواهی در آینده چکاره شوی؟ جواب دادم: می‌خواهم مثل شما بشوم. ایشان در حق من دعا کرد هر گاه شیخ آن خاطره از ذهنم می‌گذرد و یاد آن چهره ملکوتی و دعای آن بزرگوار که می‌افتم، یکی از شیرین‌ترین خاطرات عمرم در ذهنم تداعی می‌شود».

وی در سومین بهار زندگی، همراه خانواده به تهران منتقل شد و در یکی از محله‌های مذهبی آن شهر - خیابان خراسان - سکونت گزید. در آن زمان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی اکبر برهانی (ره)، محور علمی آن منطقه و امام جماعت مسجد لُر زاده بود. آن مرحوم مدرسه‌ای را در آن منطقه بنا نهاد که شاگردانش از کلاس اول تحت تربیت مستقیم خود او قرار گرفته بودند. به این ترتیب استاد انصاریان از همان اوان کودکی محضر پرفیض آن استاد ربانی را درک کرد. همچنین در آن سال‌ها با چهره‌های الهی چون آیت‌الله سید محمدتقی غضنفری امام جماعت مسجد دو راه شهر خونسار، آیت‌الله سید حسین علوی از مجتهدان سرشناس خونسار، مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدعلی ابن الرضا خونساری و مرحوم آیت‌الله الهی قمشه‌ای، مانوس بود.

ادامه در صفحه بعد...



دارالمعارف شامی

موسسه دارالمعارف شامی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



المتمصل علی محمد و فاطمه و الحسن و حسین و آلهم صلوٰة الله علیهم اجمعین

مؤسسه دارالمعارف اسلامی، مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

پایگاه موسسه اسلامی هدایت

۱۳۹۱

دی

۲۰

گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان



تحصیلات استاد حسین انصاریان در دو حوزه علمیه تهران و قم بوده است. در تهران محضر عالم ربانی آیتالله میرزا علی فلسفی - که جزء معدود کسانی بود که مرحوم آیتالله العظمی خویی کتباً به اجتهاد او تصریح کرد - درک نمود وی در حوزه علمیه قم نیز محضر بزرگانی چون آیتالله حاج شیخ عباس طهرانی، حاج آقا حسین فاضل، آیتالله اعتمادی، آیتالله العظمی فاضل لنکرانی، آیتالله محمدی گیلانی و آیتالله صالحی نجف آبادی را درک نمود و بهره‌ها برد. سپس در مرحله استنباطی فقه و اصول - درس خارج - از محضر فقهای عظامی همچون: آیتالله سید محمد محقق داماد، آیتالله حاج شیخ ابوالفضل نجفی خواصاری و به ویژه آیتالله العظمی حاج میرزا هاشم آملی لاریجانی، استفاده نمود.

استاد بعد از تحصیل علوم دینی و اتمام مدارج عالی حوزوی، به منظور نیل به هدف عالی تحقیق و تألیف و تبلیغ علوم اسلامی، از حوزه علمیه قم به تهران مراجعت نمود؛ که بیش از چهل سال، در داخل و خارج کشور مشغول خدمت در انجام وظایف الهی خود بوده و هست.

افزون بر سی هزار ساعت سخنرانی و بیش از هشتاد عنوان کتاب در قالب ۱۳۰ مجلد، گزارش کوتاه و گویایی از خدمات علمی و دینی استاد انصاریان است.

فهرست برخی از تألیفات فارسی ایشان عبارتند از: ترجمه قرآن کریم، ترجمه نهج البلاغه، ترجمه صحیفه سجاده، دیار عاشقان (تفسیر و شرح صحیفه سجاده در ۱۵ جلد)، ترجمه و بازنویسی مقابیح الجنان، شرح دعای کمیل (۲ جلد)، اهل بیت (ع) عربیان فرش نشین، عرفان اسلامی (شرح مصباح الشریعه در ۱۵ جلد)، مونس جان، سیری در معارف اسلامی (۱۸ جلد)، جلوه های رحمت الهی، فرهنگ مهرورزی، زیبایی‌های اخلاق، بر بال اندیشه (۳ جلد)، با کاروان نور، لقمان حکیم، فروغی از تربیت اسلامی، رسائل حج، دیوان مسکین (مجموعه اشعار عرفانی)، پرسش‌ها و پاسخ‌ها (۵ مجلد)، نظام خانواده در اسلام، اسلام و علم و دانش، امام حسن بن علی (ع) را بهتر بشناسیم، معنویت اسلامی‌ترین نیاز عصر ما، اخلاق خوبان، در پارک تور، چهره‌های محبوب و منفور قرآن، راهی به سوی اخلاق اسلامی، ولایت و رهبری از دیدگاه نهج البلاغه، مجموعه مقالات، نفس، و ...

همچنین آثاری چند از استاد، تا کنون به زبانهای خارجی ترجمه و چاپ شده، که برخی از عناوین آنها عبارتند از: با کاروان نور (انگلیسی)، نظام خانواده در اسلام (انگلیسی، اردو، روسی، ترکی استانبولی، عربی)، شرح دعای کمیل (عربی، اردو، انگلیسی)، توبه آغوش رحمت (عربی، انگلیسی، اسپانیولی، اردو)، اهل بیت (ع) (عربی، اردو، انگلیسی، روسی)، معاشرت (عربی، اردو، انگلیسی).

شبکه «تلویزیون اینترنتی معارف و عرفان» و نیز «مؤسسه دارالمعارف شیعی» (مرکز دارالعرفان شیعی) به نشانی: www.erfan.ir با اشراف ایشان در فضای مجازی فعال است.



دارالعرفان

مؤسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



همانگونه که می‌دانید، در حال حاضر دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها با رویکرد فلسفی - کلامی عرضه می‌شود (به ویژه اندیشه اسلامی ۱ و ۲): به نظر شما این رویکرد و تمرکز بر براهین فلسفی، چقدر می‌تواند در تقویت ایمان و اعتقاد و جذب جوانان به دین و جلوگیری از دین‌گریزی آنها مؤثر باشد؟

انصاریان: با وجود زحمات و خدمات پدید آورندگان، بنده اندیشه اسلامی ۱ و ۲ را برای دانشجویان به عنوان اندیشه اسلامی ناب نمی‌پسندم. از طریق منابع در شهرهای مختلف، از برخی دانشجویان هم شنیده‌ام که از آن کتاب‌ها گریزانند و فقط به خاطر به دست آوردن نمره آنها را می‌خوانند! پس اثر چندان مطلوبی در حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین‌گریزی آنان ندارد. به نظر می‌رسد اگر تفسیر مختصری به اندازه همین کتاب‌ها و حجم آنها از آیات قرآن در زمینه حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین‌گریزی و نیز بخش‌هایی از نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه و روایات مربوطه به صورتی زیبا با عنوان‌بندی‌های جذاب و به شکلی منظم به عنوان اندیشه اسلامی ۱ و ۲ و دیگر متون وابسته به این رشته تدوین شود، چون هر سه از نور وحی و ولایت صادر شده، اثر فوق‌العاده‌ای بر مخاطب خود دارد و دل‌ها را آن چنان که باید منور می‌کند و قدم‌ها را در مسیر دین ثابت نگاه می‌دارد و درس‌گریزی را علاج می‌کند و دانشجویان را با اسلام ناب محمدی (ص) آشنا می‌سازد. پس باید هر چه زودتر این کار انجام گیرد که بسیار دیر است.



موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



من سالیان طولانی با برخی از کسانی که این‌گونه کتاب‌ها در باره آنان نوشته شده است، مراوده و معاشرت داشتم، و با این که خود به شدت در طلبش بودم، اما آنچه این بازرگانان ثروت نوشته‌اند، از آنان ندیدم! کرامات اینان فقط در تقوا و عمل صالح فردی‌شان بود هیچ‌کدام به اندازه یک میلیونیم خمیتی بزرگ نه با مردم بودند، نه برای دین و مردم در برابر استبداد و استثمار مبارزه کردند و نه کار چشم‌گیری برای مردم و دغدغه آنان انجام دادند؛ بلکه برخی از آنان جز عبادت فردی و حفظ شخصیت و ابروی خود کاری نداشتند! روی این حساب من اکثر آن کتاب‌ها را چنان که در منابر و مجالس خصوصی‌ام اعلام کرده‌ام، قبول ندارم، بنده آن کتاب‌ها را فقط وسیله ارتزاق و تخریب عقاید حقه مردم می‌دانم. البته تنها کتابی که در این مورد سفارش به خواندنش دارم «فضیلت‌های فراموش شده» شرح حالات آخوند ملاعباس تربتی است که این کتاب، کتاب متین و درستی است و کرامات اخلاقی و عملی آخوند در آن به قلم فرزند دانشمند و روشنفکرش مرحوم راشد تربتی بیان شده و در تربیت و رشد طلاب و نسل انقلاب مؤثر است. دیگر کتاب‌ها جز این که نگاه مردم را از اهل‌بیت و کرامات آن عرشیان فرشتین به دیگران معطوف نماید، اثر دیگری ندارد و شاید بدون توجه مؤلفانش به همین خاطر نوشته شده باشد.

همان‌گونه که اطلاع دارید علاوه بر درس اخلاق اسلامی در دانشگاه، یکی از دروس معارف اسلامی که به شکل اختیاری ارائه می‌شود «درس عرفان عملی در اسلام» است. نظر شما در این باره چیست؟ استاد این درس چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ آیا شما خود طرح مطالعاتی خاصی در این باره پیشنهاد می‌کنید؟ لطفاً منابع اصیل عرفان اسلامی را برای استاد و دانشجو - به تفکیک سطح - برشمارید.

بنده اغلب جزواتی که به عنوان معارف اسلامی تدریس می‌شود را به عنوان معارف ناب قبول ندارم؛ زیرا آمیخته‌ای از فلسفه و کلام است و برای دانشجویان، پیچیده و گاهی غیر قابل درک و به صورت غیر کاربردی و صرفاً تئوری است. علاوه بر آن که این مباحث اخلاقی هم گاهی مخلوط با نقل شده‌های کتب یونانی شده است و بیشتر محتوای ادبی و انشایی دارد و از آیات قرآن و روایات در زمینه اخلاق، چنان که باید استفاده نشده است.

درس عرفان عملی اسلام، اگر صد در صد عرفان قرآنی - اهل‌بیتی باشد، قابل قبول است. این درس باید برگرفته از قرآن و مدرسه اهل‌بیت (علیهم السلام) و دارای تظمی خاص و بدون ابهام و پیچیدگی و برای دانشجویان بسیار جذاب باشد؛ و باید استادش با زبان حال آن را به دانشجویان انتقال دهند. این در صورتی است که استاد خوششان به حقایق ناب اخلاق و عرفان آراسته باشند تا دانشجو مصداق عملی آن درس‌ها را با چشم سر و دیده دل ببیند؛ بلکه از طریق استاد در گردونه اخلاق و عرفان قرار گیرند، و خود اسوه و سرمشق دیگران شوند.

کتاب‌هایی مانند «محجة البیضاء» فیض کاشانی، «جامع السعادات» ملامهدی نراقی، مؤلفات میرزا احمد آشتیانی، «آداب فناء» مقربان، «آیت‌الله جوادی آملی، شرح دعای کمیل حقیر، و از همه بهتر اگر بتوان تلفیقی از همه آنها به دست داد، را سفارش می‌کنم، البته مؤسسه دارالعرفان با گردهم آوردن اساتیدی مؤمن و مخلص و محقق، در صدد تألیف دو نوع کتاب عرفانی است؛ یکی برای تدریس در لایه‌های مختلف دانشجویی و دیگری شرح حال عرفای اصیل شیعی برای عموم.

ادامه در صفحه بعد...



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی احیای دارالعرفان



فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



از نظر شما مؤلفه‌های عرفان و سلوک ناب اسلامی - شیعی چیست؟

انصاریان: عرفان شیعی، مرکب از سه مقوله «معرفت»، «عشق به حق»، «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَتَدْرُكُونَ» (نقره/۱۶۵)، و «عمل و حرکت» است؛ و سلوک عرفانی اسلامی شیعی با توجه به آیات و معارف حقه نهایتاً عبارت است از: اجتناب از محرمات ظاهری و باطنی «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ» (انعام/۱۵۱)، تخلی به اخلاق حسنه و عمل بر اساس فقه اهل بیت (علیهم السلام)، که جز این سه مرحله گمراهی است، گرچه رنگ و لعاب دینی داشته باشد.

تحلیل شما از موج معنویت‌گرایی نوپدید و عرفان‌های جدید در جهان چیست؟ آیا منشأ این مسئله، احساس خلاء معنویت ناب و اصیل است و یا پروژه‌های سیاسی برای تحت تأثیر قرار دادن ادیان الهی می‌باشد؟ به نظر شما بهترین راه مقابله با این موج یا هدایت و مدیریت آن در ایران اسلامی چیست؟

انصاریان: قطعاً موج معنویت‌گرایی در بنیای امروز معلول و محصول خلأ معنوی بشر است که مکتب‌های مادی و الحادی در شرق و غرب سبب این خلأ شده‌اند؛ اما سیاست‌بازان جهانی و ملحدان به کار گرفته از طرف استعمارگران و استثمارچیان به شدت با پروژه‌های دین‌سازی و عرفان‌سازی جدید، پرکردن این خلأ را پی می‌گیرند تا از رشد جهانی دین اسلام و مکتب ناب قرآن و اهل بیت (ع) جلوگیری کنند. راه مقابله با این خلأ معنوی رساندن پیام اسلام ناب با رسانه‌های صدا و سیما، مجلات، روزنامه‌ها و جذب نسل جدید به معارف دینی است؛ و به خصوص باید از این وسایل مدرن در شناساندن خطرات عرفان‌های کاذب به نسل کنونی کشور اقدام کرد. در این زمینه نیز واجب و ضروری است مساجد و حسینیه‌ها را به هر شکل ممکن تبدیل به حوزه بسیار پرجاذبه از نظر ساختمان و اموری چون کتابخانه و برنامه‌های جذاب مستمر سالانه به ویژه در اوقات فراغت نمود و به تقویت و عفاظ درس‌خوانده در حوزه‌ها و مورد تأیید علمی مدارس دینی و عالمان واجد شرایط پرداخت و منابر و رادیو و تلویزیون را از دست بی‌سوادان و بی‌هنران و آنان که سخنرانی‌هایشان مردم و نسل را دین‌گریز می‌کنند گرفت و در این زمینه به‌خاطر اسلام هیچ ممانعتی را روا ندانست. نیز لازم است جزواتی مثبت، استوار، مستدل، کج‌حجم، یا جاذبه‌ای از طریق دانشگاه‌ها، مدارس، ادارات، مساجد، در اختیار نسل جدید قرار داد و خطرات و دشمنان را به آنان شناساند.

تحلیل شما از گسترش نشر و استقبال روزافزون از کتاب‌های شرح احوال عرفاء و اهل معنا در جامعه چیست؟ آثار مثبت و آسیب‌های محتمل این امر را چه می‌دانید؟

انصاریان: سخنرانی‌های ناب و صحیح حضرت امام خمینی (ره) در اوایل پیروزی انقلاب و چند سال پس از آن در رابطه با معنویت و یا اشارات ایشان به مسائل عرفان، نسل ما را مجذوب عرفان نمود بخشی از این نسل بدون مراجعه به اهل فن و بدون مطالعه کتب پرمحتوا و نقاد، به مسائل روحی و عرفان‌گرا گرایش پیدا کرد، و به دنبال مباحث عرفانی و شرح حال عرفا رفت. گروهی از کسانی که در هر زمان با هر دست‌آویزی حریصانه برای پر کردن جیب خود از مال و منال دنیا و پول و ثروت در تکاپویند، از این پدیده معنوی سوء استفاده کرده و به نوشتن و قروختن این‌گونه کتاب‌ها در شرح احوال اشخاص گذشته و معاصر پرداختند؛ کتاب‌هایی که پر از داستان‌های غیرواقعی و کشف و کرامات ساختگی بوده است.

ادامه در صفحه بعد...



وبلاگ معرفتی اعتدالی میقات

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



نسبت «عرفان» با «تصوف» چیست؟ موضع افتراق و اشتراک آنها چیست و یا کجاست؟

انصاریان: اولاً با مطالعه دقیق در آثار متصوفه پیش و پس از اسلام، اموری به دست می‌آید که دست کم برخی از آنها بر خلاف اصول دین خدا و بخشی از فروع اسلامی است؛ مانند: دوری از عمل‌گرایی و تن به راحت و استراحت سپردن، جدایی دین از سیاست، مخالفت شدید با فقیهان مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، صلح و سازش با همه پیران مکتبها و به عبارت دیگر صلح کلی بودن؛ چنان با نیک و بد سر کن که بعد از مرگت عرفی

مسلمات به زمزم شوید و هندو بسوزانند

نزدیکی به پادشاهان ستمگر و تأمین مخارج خانقاهها از طریق شاه و درباریان و خوردن هرگونه مالی که به صوفی هدیه شود، تأویل عجیب و غریب آیات قرآن و روایات - از باب نمونه تفسیر ابن عربی و تأویلات نجمیه - به جای رویکرد به قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) رویکرد شدید به شعر و شاعری و خیال‌پردازی، اباحه‌گری، ایجاد روح رخوت و سستی در امت تحت عنوان رضا به قضای الهی، بی‌تفاوت بودن به جنگ امت با ستمگران و نهایتاً بیهوده دشتن جنگ، تهمت به پاکان و نیکان در اشعار و مقالات، اثباته شدن کتب صوفیه از مطالبی که از مکتبهای بودایی، هندویی، قلوطنی، فرافوریوسی، چینی و البته اندکی نیز از اسلام، و...

موضوع افتراق تصوف با عرفان و اشتراکش با آن چندان قابل توجه نیست. هر دو مکتب در بعضی از امور مثل حال باطنی یا هم مشترک و در بعضی از امور مانند مبدأ پیدایش و برخی از قواعد از هم جد است. کتاب «عارف و صوفی» مرحوم حاج میرزا جواد آقاخان، چندان تفاوتی بین عارف و صوفی قائل نیست، بلکه هر دو را یک مسلک با دو نام می‌داند.

حضرت عالی نزاع دایم تاریخی فقه‌ها (اهل شریعت) با اهل معنا (اهل طریقت، به ویژه متصوفه) را چگونه تفسیر می‌کنید؟
انصاریان: در مجموع با توجه به سیر تصوف و عرفان و مسائل بیان شده در هر دو مکتب که به اجمال در سه بخش قبل بیان شد، حق بودن نزاع فقه‌ها به ویژه فقه‌های شیعه روشن می‌شود؛ چرا که نزاع فقه‌ها با عارفان اصطلاحی (نه عارفان حقیقی که از مشرب عرفان ناب شیعی سیراب می‌شوند) و متصوفه و به عبارت دیگر اهل طریقت، به این علت بوده که رواج این مکتب را در امت سبب هدم دین و به حاشیه رانده شدن فقه و موجب خطر تأویل نادرست آیات و روایات می‌دانستند و از این وحشت داشتند که مکتب اهل بیت (علیهم السلام) چون خود اهل بیت (علیهم السلام) از جامعه جدا شود و محبوس گشته، امت از آن محروم شوند.
آیا کشف و شهود در عرفان اسلامی حجت دارد؟ به عبارت دیگر نسبت خارق عادت و یا کرامت با حقیقت چیست؟ ملاک اثبات صحت و سقم تجربه‌های عرفانی چه می‌باشد؟

انصاریان: اگر مراد از کشف و شهود در عرفان منتسب به اسلام همان باشد که در «فتوحات» ابن عربی، «صالحیه» ملا علی گنابادی و «گلشن‌راز» شبستری آمده، و مراد از خارق عادت آن باشد که در «تذکره» عطار، «طبقات صوفیه»، «حلیه الاولیاء» ابونعیم، «تفسیر روح البیان» و «کیمیای محبت» ضبط شده، باید گفت: هیچ دلیلی بر حجت‌ت کشف و شهود ادعا شده از قرآن و روایات نداریم. اما اگر مراد شهود قلبی انبیا و ائمه (علیهم السلام) و کرامات و خارق عادت آنان است، در صریح قرآن و روایات به عنوان حقیقت و کاری که مصدق نبوت و امامت است، به صورت فراوان بیان شده است.

ادامه در صفحه بعد...



دستور العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



فقه‌های شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



به گزارش «شیعه نیوز»، گفتگویی که در زیر از نظر می‌گذرانید مصاحبه نشریه معارف با استاد حجت الاسلام و المسلمین انصاریان پیرامون عرفان مصطلح و تصوف است که توجه شما را به این گفتگو جلب می‌کنیم. همان‌گونه که مستحضرید در مورد خاستگاه «عرفان اسلامی» نظریه‌های متعددی وجود دارد؛ نظر شما در این‌باره چیست؟ نسبت عرفان با دین را چه می‌دانید؟

انصاریان: ابتدا باید به این حقیقت توجه کرد که اگر منظور از عرفان، محصول فکری و نظری اندیشمندان و اهل حال جوامع گوناگون و ملت‌ها و آیین‌های مختلف است، تقریباً همه آنان با اختلاف آیین‌هایشان بر اصول و بخش عمده‌ای از فروع آن اجماع دارند و به صورت دانشی نظری که در حدی هم قابل عمل است درآمده و تحت عنوان عرفان ارائه شده، که بخشی مبتنی بر فطرت انسان هاست و این منبع در همه این‌ها بشر مشترک است و البته بخشی تحت تأثیر فرهنگ‌های جوامع و یا حالات روحی و روانی اشخاص می‌باشد و بنابر این ارتباطی به اصل دین ندارد، و دین از امضای کامل آن امتناع دارد. اما اگر مقصود از عرفان، عشق سوزنی است که از معرفت به اوصاف و کمالات و زیبایی بی‌نهایت حضرت رب‌العززه، از طریق قرآن و معارف اهل‌بیت (علیهم السلام) به ویژه دعا‌هایی چون کمیل، عرفه سیدالشهدا (علیه السلام) و ایوحمزه ثمالی در قلب ظهور می‌کند و موتور برای حرکت انسان به سوی لقاءالله و رضوان الهی است و عامل عمل به خواسته‌های حق و رنگ گرفتن از اخلاق الهی است، باید گفت چنین عرفانی به منزله روح دین و صفای آیین و مایه و پایه دینداری می‌باشد یکی از پرسش‌های جدی و دل‌مشغولی‌های اندیشمندان بزرگ اسلامی، رابطه «عرفان و فلسفه» یا راه «دل و عقل» است؛ نظر شما در این‌باره چیست؟ برای وصول انسان به حقیقت، کدام راه کفایت می‌کند؟ انصاریان: فلسفه در اصل دانشی بشری است که بر پایه استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است؛ که البته بسیاری از امور مربوط به بخش طبیعی آن یا پدید آمدن علوم جدید و ابزار نو، از میان رفته و باطل شده است. بخش علمی و معارفی فلسفه که در پرورش ذهن و اندیشه و در حد یخته شدن عقل باقی مانده، به نظر می‌رسد رابطه‌ای با عرفان خالص دینی ندارد؛ اما بسیاری از فلاسفه کوشیده‌اند فلسفه را با عرفان بشری اشتی داده و مکتبی فلسفی - عرفانی از آن بسازند و اصرار بر این دارند که آن راهی که فلسفه برای اثبات موضوعی به کمک استدلال طی می‌کند، همان راه را دل در صورتی که از همه ردگذاخته اخلاقی و شائیه‌ها پاک باشد، طی می‌کند. فلسفه از طریق دلیل، دل از طریق کشف و شهود، عمل می‌کند؛ ولی جای این پرسش هست که آیا دلی غیر از دل انبیا و امامان معصوم (علیهم السلام) به عرصه کشف و شهود راه دارد یا نه؟ اگر دارد دل چه طایفه‌ای؟ و نمونه آن دل والا و پاک از هر عیب و نقص، دل کیست؟ یا توجه به این‌که شاهد روشنی بر اثبات کشف و شهود اهل دل، از طریق آیات قرآنی و روایات اهل بیت (ع) در منظر ما وجود ندارد، ادعاهایی که در این زمینه در «فتوحات» محی‌الدین عربی و شرح «گلشن راز» شبستری و «صالحیه» ملاعلی گنابادی و امثال این کتب می‌بینیم را نمی‌توانیم بپذیریم. بنابر این عرفان اصطلاحی نه عرفان ناب قرآن و اهل بیت (ع)، رابطه‌ای قوی و مستحکم با فلسفه ندارد؛ و به نظر می‌رسد آشتی بین این دو رشته، به زور و به دور از انصاف صورت گرفته است و آشتی عقلی و علمی به نظر نمی‌رسد.



مرکز علمی احیای دین

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی احیای دین دارالعرفان



پسین سیت علی رضا (عقید)

AGHAILIR

مجله خدایت / نشریات / مجازات / ویرا ویرا ویرا / آید شایان

پایگاه اطلاع (سای) عقید

۱۳۹۱

دی

۳۳

ماجرایی خواندنی از زبان استاد شیخ حسین انصاریان وقتی امام رضا (ع) ضامن یک لات جیب بر شد



حضرت رضا (ع) را در خواب دیدم که با محبتی خاص به من فرمودند: در این سفر ابراهیم جیبیر را همراه خود بیاور. از خواب بیدار شدم در حالی که در تعجب بودم که چرا از من خواسته شده چنین شخص فاسق و فاجری را که در بین مردم بسیار بدنام است به مشهد بوم

زندگی بزرگان مخصوصاً اولیای الهی دانشگاهی است انسان ساز که شاگردان آن سلمتها و ابوثرها هستند و بهترین عمل تدبیر و تفکر و اندیشه در زندگی اولیاء الهی است.

زیباترین صورتهای معشوق حقیقی در هر زمان و مکانی تمامی فرزندان آدم (ع) را به عشق بازی فرا می خواند، اما آموزادگان چنان سرگرم خورد و خوراک و پوشاکند که از تمام فریادهای بلند جهان هستی حتی ندای ضعیف را نمی شنود.

حضرت امیرالمومنین (ع) در بیانی نورانی می فرمایند: مایه عبرت بشر بسیار است، ولیکن عبرت آموزان اندک اند. و ندای ملکوتی فرشته وحی به تمامی بشر امر می کند: اگر دلی بیدار باشد خواهد دید که سراسر جهان هستی فریاد برمی آورند، یکی هست و نیست جز او.

لیکن اقتضای زندگی مادی، انسان را از مسیر حق غافل می کند؛ لذا خداوند انبیاء و اولیاء خود را برای بیدار کردن فطرت خفته بشر می فرستد تا شاید انسان خاک نشین نظری به افلاک کند و همراه آخرین فرستاده خود ثقل اکبر و نور مبین قرآن کریم را نازل می کند و در آن قصه و داستان گذشتگان را بیان می کند تا شاید «عبرت آموزان» عبرت بگیرند.

در ادامه حکایتی درباره توبه می خوانید که حجت الاسلام و المسلمین شیخ حسین انصاریان آن را در کتاب خود با نام «داستانهای عبرت آموز» اینگونه نقل کرده اند:

شبی در شهر قم به نماز فقیه بزرگوار، عارف معارف، معلم اخلاق، مرحوم حاج سید رضا بهاء الدینی مشرف شدم. پس از نماز به محضر آن عزیز عرضه داشتم: محتاج و نیازمند سخنان گهربار شمایم، در پاسخ فرمود همیشه به خداوند کریم چشم امید داشته باش که فیض او دایمی است و احدی را از عنایتش محروم نمی کند، و به هر وسیله و بهانه ای زمینه هدایت و دستگیری عباد را فراهم می نماید، آنگاه داستان شگفت انگیزی را از قول حمله داری از شهر ارومیه که سالی یک بار مسافر به مشهد می برد بدین صورت نقل کرد:

مسافرت با ماشین تازه آغاز شده بود؛ ماشین، مسافر و بارش را یکجا سوار می کرد، چرا که ماشین به صورت ماشین باری بود، در قسمت بار هم مسافران را می نشاندند و هم بار آنها را به صورت متراکم می چیدند.

من نزدیک به سی مسافر برای بردن به زیارت حضرت رضا (ع) پذیرفته بودم و قرار بود اوایل هفته بعد به جالب مشهد حرکت کنیم. شب چهارشنبه حضرت رضا (ع) را در خواب دیدم که با محبتی خاص به من فرمودند: در این سفر ابراهیم جیبیر را همراه خود بیاور. از خواب بیدار شدم در حالی که در تعجب بودم که چرا از من خواسته شده چنین شخص فاسق و فاجری را که در بین مردم بسیار بدنام است به مشهد ببرم، فکر کردم خوابی که دیده ام صحیح نیست، شب بعد همان خواب را بدون کم و زیاد دیدم، ولی باز توجه به آن ننمودم، شب سوم در عالم رؤیا حضرت رضا (ع) را خشمگین مشاهده کردم که با حالتی خاص به من فرمودند: چرا در این زمینه اقدام نمی کنی؟

ادامه در صفحه بعد...



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

ماجراجویی خواندنی از زبان استاد شیخ حسین انصاریان وقتی امام رضا(ع) ضامن یک لات جیب بر شد



روز جمعه به محلی که افراد شرور و گنهکار جمع می شدند رفتیم، ابراهیم را در میان آنان دیدیم، نزدیک او رفته سلام کردم و از او برای زیارت مشهد دعوت نمودم. با شگفتی با دعوتیم روبرو شد، به من گفت: حرم حضرت رضا جای من آلوده نیست، آنجا مرکز اجتماع اهل دل و پاکان است، مرا از این سفر معاف دار، اصرار کردم و او نمی پذیرفت، عاقبت با عصبانیت به من گفت: من خرجی این راه را ندارم، فعلا تمام سرمایه من سی ریال پول است، آن هم پولی حرام که از کیسه پیرزن فقیری دستبرد زده ام! به او گفتم: من از تو مخارج سفر نمی خواهم، رقت و برگشت این سفر را مهمان منی. اصرارم مقبول افتاد، آمدن به مشهد را پذیرفت، قرار شد روز یکشنبه همراه با کاروان حرکت کند. کاروان به راه افتاد، مسافران از بودن شخصی مانند ابراهیم جیب بر تعجب داشتند، ولی احدی را جرأت سؤال و جواب نسبت به این مسافر نبود. ماشین باری همراه بار و مسافر در جاده خراب و خاکی به جانب کوی دوست در حرکت بود، ترسیده به منطقه زیدر که محلی ناامن و جای حمله ترکمن ها به زوآر بود، عرض جاده به وسیله قلدری ستمکار بسته شده بود. ماشین توقف کرد، راهزن بالا آمد، خطاب به تمام مسافران گفت: آنچه پول دارید در این کیسه بریزید و در برابر من ایستادگی نکنید که شما را به قتل می رسانیم!

پول راننده و تمام مسافران را گرفت، سپس ماشین را ترک گفت.

ماشین پس از ساعتی چند به محل زیدر رسید و کنار قهوه خانه نگاه داشت. مسافرین پیاده شدند، کنار هم نشستند، غم و اندوه جانکاهی بر آنان سایه انداخت، بیش از همه راننده ناراحت بود، می گفت: نه اینکه خرجی خود را ندارم، بلکه از پول بنزین و دیگر مخارج ماشین هم محروم شدم، رسیدن ما به مقصد بسیار مشکل به نظر می رسد. سپس از شدت ناراحتی به گریه افتاد، در میان بهت و حیرت مسافران ابراهیم جیب بر به راننده گفت: چه مقدار پول تو را آن راهزن برده؟ راننده مبلغی را گفت، ابراهیم آن مبلغ را به او پرداخت، سپس از بقیه مسافران به طور تک تک مبلغ رپوده شده آنان را پرسید و به هر کدام هر مبلغی را که می گفتند می پرداخت، در نهایت کار سی ریال باقی ماند که ابراهیم گفت: این هم مبلغ رپوده شده از من بود که سهم من است. همه شگفت زده شدند، از او پرسیدند: این همه پول را از کجا آورده ای؟ در پاسخ گفت: وقتی آن راهزن از همه شما پول گرفت و سپس مطمئن و آرام خواست از ماشین پیاده شود، بی سر و صدا جیب او را زدم، او پیاده شد، و ماشین هم به سرعت به حرکت آمد و از منطقه دور گشت تا به اینجا رسید، این پولهایی که به شما دادم پول خود شماست. حمله دار می گوید: بلند بلند گریستم، ابراهیم به من گفت: پول تو را هم که برگرداندم، چرا گریه می کنی؟ خوابم را که در سه شب پی در پی دیده بودم برای او گفتم و اعلام کردم من از فلسفه خواب بی خبر بودم تا الآن فهمیدم که دعوت حضرت رضا از تو بدون دلیل نبوده، امام (ع) می خواست به وسیله تو این خطر را از ما دور کند. حال ابراهیم عوض شد، انقلاب شدیدی به او دست داد، به شدت گریست، این حال تا رسیدن به تپه سلام جایی که برق گنبد بارگاه ملکوتی حضرت رضا (ع) دیده مسافران را روشن می کند ادامه داشت، در آنجا گفت: زنجیری به گردن من بیندازید، مرا تا نزدیک صحن به این صورت ببرید، چون پیاده شدیم مرا به جانب حرم به همین حال حرکت دهید. آنچه می خواست انجام دادیم. تا در مشهد بودیم همین حال تواضع و خضوع را داشت، توبه عجیبی کرد، پول پیرزن ناشناس را در ضریح مطهر انداخت، امام را شفیع خود قرار داد تا گناهان گذشته اش بخشیده شود، همه مسافران کاروان به او غبطه می خوردند.

سفر در حال خوشی پایان یافت، همه به ارومیه برگشتیم ولی آن تائب بارزش، مقیم کوی یار شد!

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۱۰/۲۵ تعداد بازدید: ۵ [ارسال به دوستان] بازگشت
دوره جدید ماهنامه پگاه حوزه منتشر شد

دوره جدید ماهنامه پگاه حوزه منتشر شد

ماهنامه پگاه حوزه (دوره جدید) ویژه محرم و صفر ۱۴۳۴ هـ.ق بصورت همزمان در یک مجلد منتشر شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، در این شماره از مجله «پگاه حوزه»، مطالبی مانند زندگی به سبک پیامبر، (پرونده‌ای درباره تحقیق سیره نبوی در جامعه امروز)، که گفتگویی با دکتر دلشاد تهرانی است، «چرا امام حسین (ع) از قدرت ماوراء الطبیعه در کربلا استفاده نکرد؟» و «در فرعیات عاشورا متوقف نشویم» مطالبی از آیت الله جوادی آملی و «عاشورا و مبلغان» (آموزه‌های تبلیغی) نوشته محمود مهدی پور، «از منبر سنتی تا ابزارهای تبلیغی مدرن» گفتگو و بحثی پیرامون آسیب شناسی تبلیغ دینی با شیخ حسین انصاریان، و با آثار و گفتاری دیگر از جمله کافظم صدیقی، محسن اسماعیلی، بی‌آزار شیرازی، رسول جعفریان، محمد حسین رجبی، حسن بلخاری، سید محمد مهدی جعفری و محمود حکیمی و... منتشر شده است.

ماهنامه پگاه حوزه با صاحب امتیازی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و با مدیر مسئولی حجت الاسلام دکتر واعظی و سردبیری حجت الاسلام محمد حسین معزی منتشر می‌شود.



دارالعرفان
 موسسه دارالمعارف شیعی
 مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

مهرگزاری مهر

۱۳۹۱

دی

۲۵

دوره جدید ماهنامه پگاه حوزه منتشر شد

ماهنامه پگاه حوزه (دوره جدید) ویژه محرم و صفر ۱۴۳۴ ه.ق بصورت همزمان در یک مجلد منتشر شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، در این شماره از مجله «پگاه حوزه»، مطالبی مانند زندگی به سبک پیامبر، (پرونده‌های درباره تحقیق سیره نبوی در جامعه امروز)، که گفتگویی با دکتر دلشاد تهرانی است، «چرا امام حسین (ع) از قدرت مآوراء الطبیعه در کربلا استفاده نکرد؟»، و «در قرعیات عاشورا متوقف نشویم» مطالبی از آیت الله جوادی آملی و «عاشورا و مبلغان» (آموزش‌های تبلیغی) نوشته محمود مهدی پور، «از منبر سنتی تا ابزارهای تبلیغی مدرن» گفتگو و بحثی پیرامون آسیب شناسی تبلیغ دینی با شیخ حسین انصاریان، و با آثار و گفتاری دیگر از جمله کاظم صدیقی، محسن اسماعیلی، بی‌آزار شیرازی، رسول جعفریان، محمد حسین رجبی، حسن بلخاری، سید محمد مهدی جعفری و محمود حکیمی و... منتشر شده است.

ماهنامه پگاه حوزه با صاحب امتیازی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و با مدیر مسئولی حجت الاسلام دکتر واعظی و سردبیری حجت الاسلام محمد حسین معزی منتشر می شود.



دارالاعراف

موسسه دارالاعراف شبلی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالاعراف



المتمصل علی محمد وعلی وفا طهره و الحسن بن حسین فی تنعیه المعصومین من ذریه آیین

مؤسسه اسلامی شهادت امام رضا (ع) مشهد مقدس

پایگاه موسسه اسلامی هدایت

شهادت امام رضا (ع) حسینه هدایت

۱۳۹۱

دی

۲۶



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



المتمصل علی محمد وعلی فاطمه و الحسن و الحسین فی تنعیه المعصومین من ذریه آیین

موسسه دارالمعارف شیعی مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

پایگاه موسسه اسلامی هدایت

مراسم اربعین در حسینیه استاد انصاریان

۱۳۹۱

دی

۲۶



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



مجله اینترنتی سوزه‌ها
WWW.SOOJEHA.IR

482-60 BANNER

مجله دوست | آثار و گفتاوردها | سمیت | سرگرمی | اخبار | خانواده | فرهنگ و هنر | مذهبی | فناوری اطلاعات | گردشگری | سلامت

مجله اینترنتی سوزه‌ها

شیخ حسین انصاریان در جمع آبی پوشان (عکس)

۱۳۹۱

دی

۲۶



سوزه‌ها
SOOJEHA.IR



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مراکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



FARS
NEWS AGENCY

WWW.FARSNEWS.IR

خبرگزاری فارس

فیدگزارى فارس

۱۳۹۱

دی

۲۷

شیخ حسین چگونه حال شکنجه گر ساواک را گرفت



خبرگزاری فارس: وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم. به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.

به گزارش گروه حماسه و مقاومت خبرگزاری فارس، شیخ حسین نصاریان سال ۱۳۳۳ در خوانسار به دنیا آمد. ایشان در مورخه ششم شهریور سال ۵۷ به اتهام تفسیر قرآن و نهج البلاغه توسط مامورین ساواک دستگیر و به کمیته مشترک ضد خرابکاری فرستاده شد. شیخ حسین جمعا مدت بیست روزی را در شکنجه‌گاه کمیته مشترک زندانی بود. ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می‌کند:

«ده روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتم را به فاتحه برای گذشتگان نماز قضا و شنیدن صدای ناله و فریاد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصا شب‌ها سپری می‌کردم. نماز صبح را با صدای اذان مسجد امین السلطان در خیابان فردوسی می‌خواندم. بعد از انتقال به سلول عمومی با آقای توسلی که اوایل انقلاب در سیمای جمهوری اسلامی ایران قرآن تدریس می‌کرد و همچنین هاشم صباغیان که اوایل انقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم.

یک مرتبه هوشنگ ازغندی (معروف به منوچهری) شکنجه‌گری که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول‌ها آمده بود. هاشم صباغیان به من گفت: به جهت این که من سابقه زندان دارم و به روحیات این افراد واقفم. به محض ورود او به سلول ما همه باید به احترامش بایستیم. من به او گفتم افرادی که به این صورت به مردم ظلم می‌کنند. دیگر احترام به آنها معنایی ندارد. در نهایت اگر ما به احترام او بلند نشویم آخرش زندان است که الان در زندان هستیم. لذا من توکل به پروردگار کردم و تصمیم گرفتم که به او احترام نگذاشته و به خاطر ورودش بلند نشوم.

وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم. به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.

موقع رفتن هاشم صباغیان به من گفت: کارت تمام است.

وقتی بیرون امدم مشخصات مرا پرسید. خودم را معرفی کردم. علت دستگیری را از من سؤال کرد. و گفتم: قرآن و نهج البلاغه برای مردم تفسیر کرده‌ام. مقداری اخچهایش را در هم کشید و پرسید: ملاقاتی داشتی؟ گفتم: نه. گفت: می‌خواهی ملاقات داشته باشی؟ گفتم: نه بعد از این گفت‌وگوی کوتاه با کمال تعجب مرا مجدداً به سلول برگردانید.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مراکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



"با حضور استاد حسین انصاریان چالش های پیش روی وحدت حوزه و دانشگاه در کرمانشاه بررسی شد"

کرمانشاه - خبرگزاری مهر: همزمان با سالروز وحدت حوزه و دانشگاه طی میزگردی با حضور اساتید حوزه و دانشگاه چالش های حوزه و دانشگاه بررسی شد.

به گزارش خبرنگار مهر، مراسم گرامیداشت سالروز روز شهادت استاد شهید آیت الله محمد مفتاح و روز وحدت حوزه و دانشگاه صبح امروز در سالن آمفی تئاتر دانشگاه رازی با حضور استاد حسین انصاریان، آیت الله شیخ مصطفی علما امام جمعه کرمانشاه، آیت الله عبدالمهدی و اساتید حوزه و دانشگاه برگزار شد.

در جلسه میزگردی به ریاست دکتر عبدالحمید پاپ زن و با حضور حجت الاسلام حسینی، حجت الاسلام فاضلی و استاد زین العابدینی از اساتید حوزه و دانشگاه کرمانشاه در خصوص چالش های پیشرو حوزه و دانشگاه برگزار شد.

در این میزگرد عضو هیئت علمی دانشگاه رازی گفت: موقعیت دانشگاه بر تربیت آموزش و پژوهش استوار است و این مأموریت علماء دینی و طلاب علوم دینی نیز است.

عبدالحمید پاپ زن افزود: بعد انقلاب اسلامی تلاش های فراوانی جهت رفع چالش های پیش روی مراکز حوزه و دانشگاه صورت گرفت و در راستای این اتفاقات زیادی نیفتاد ولی به صورت رسمی و غیر رسمی حضور اساتید حوزه در دانشگاه ها و جلسات دانشگاهی پر رنگتر شد.

وی ادامه داد: این ارتباط یک طرفه تأثیر عمیقی در ایجاد وحدت کاربردی بین حوزه و دانشگاه ایجاد نکرده است.

پاپ زن گفت: بیش از ۱۲۵ مورد روش دانشگاهی در سطح دانشگاه های دنیا وجود دارد که در کشور ما تنها از یک یا دو مورد از این روش ها در دانشگاه ها استفاده می شود.

وی افزود: در سیستم های دانشگاهی اعتقاد بر این است که روش های خوبی بالغ بر ۱۲۵ تکنیک آموزشی وجود دارد که از مقطع ابتدایی تا سطح دانشگاه از آنها برای آموزش استفاده می شود و متأسفانه در دانشگاه های ایران کاربرد جدی ندارد ولی باید بگویم این کاربرد ها در دروس جزوی به کار گرفته می شود و دانشگاه و حوزه به صورت نمادین بایکدیگر ارتباط دارند و در عمل اینگونه نیست.

وی افزود: در خصوص شرکت های دانش بنیان که وظیفه تبدیل علم به ثروت را دارند در کشور و استان ما در قیاس با کشورهای غربی و اروپایی ضعیف عمل شده است.

دکتر پاپ زن با ذکر اینکه هیچگاه دانشگاهیان از تکنیک های مدارس علمیه آگاهی نیافته اند و اینکه چگونه مورد بهره برداری قرار می گیرد، گفت: برای رسیدن به اهداف پیش روی کشور باید تلاش کنیم از تجارب یکدیگر استفاده کنیم و محسنات دانشگاهیان را با پتانسیل های مدارس دینی باید محور اصلی کار قرار دهیم و ایران را که یکی از قطب های علوم آسانی است به جایگاه رفیع تری برسانیم.

وی با ذکر اینکه رتبه علمی ایران که حدود ۱۶ بر آورد شده به دلیل آن است که تمامی مقالات علمی و دانش های موجود به زبان انگلیسی ترجمه نشده و اغلب به زبان فارسی و عربی و دیگر زبان هاست و قیاس مقالات فقط به زبان انگلیسی است.

وی افزود: بخش عمده ای از پتانسیل علمی ایران بایگانی است و باید با رفع موانع پیش روی ظرفیت ها را به ظهور برسانیم.

در ادامه این جلسه از دیگر چالش های پیش روی حوزه و دانشگاه را موضوع دیدگاه بی تفاوتی مطرح نمودند که دشمنان از این موضوع بهترین و بیشترین بهره را می گیرند.

دیگر سخنران این جلسه از اساتید حوزه علمیه کرمانشاه بود که در تشریح این موضوع گفت: جامعه نیازمند تدابیری و برنامه های دقیقی است که اساتید حوزه و دانشگاه باید در بدنه آن راهکار ها و دستورالعمل های خاصی پیاده کنند و در صدد رفع موانع نظری و عملی بگویند.





المتمصل علی محمد وعلی باقر و الحسن و الحسین و آلهم الطیبین

مؤسسه اسلامی حدیث و فقه و کلام و تاریخ و فلسفه و حقوق

پایگاه مؤسسه اسلامی هدایت

۱۳۹۱

دی

۲۷

"با حضور استاد حسین انصاریان چالش های پیش روی وحدت حوزه و دانشگاه در کرمانشاه بررسی شد"

حجت الاسلام حسینی از جمله موانع عملی در جامعه را موانع سیاسی و اخلاقی دانست و گفت: موانع سیاسی یکی از مهمترین موانع در قبل از انقلاب بود که بعد از انقلاب در ایران رفع شد ولی در میان دیگر مسلمانان وجود دارد.

وی ادامه داد: موانع اخلاقی از مهمترین موانع موجود در جامعه است و در بحث "عُجب" که جزء خطرناکترین آثار فردی و اجتماعی و سیاسی است در بعضی از دانشگاه ها دیده می شود.

وی افزود: بحث عُجب تنها مختص دانشگاهیان نیست و متوجه دین داران نیز هست.

حجت الاسلام حسینی گفت: دانشگاه هایی که با در اختیار داشتن علم و دین در بحث دین انحصاری عمل می کنند و این از خطرناکترین موارد تک روی است.

در پایان این میزگرد از حجت الاسلام عبدالهی و حجت الاسلام حجتی از اساتید حوزه علمیه کرمانشاه بوسیله نماینده ولی فقیه و امام جمعه کرمانشاه تجلیل شد.

لازم به ذکر است از حجت الاسلام عبدالجلیل جلیلی و حجت الاسلام میبیدی در منزل ایشان توسط سه تن از اساتید دانشگاه رازی کرمانشاه تجلیل خواهد شد.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



المتمصل علی محمد و عاقله و الحسن بن حسین فی تفسیر المعصومین من ذریه آیین

مؤسسه اسلامی هدایت (مؤسسه تخصصی پژوهش و نشر)

پایگاه موسسه اسلامی هدایت

۱۳۹۱

دی

۲۷

استاد انصاریان:

پیشرفت و تکامل علمی و معنوی، تجلی وحدت حوزه و دانشگاه است

به گزارش ایسنا، استاد حسین انصاریان در همایش پیشرفت و تکامل علمی و معنوی را تجلی وحدت حوزه و دانشگاه عنوان کرد و گفت: زلف دین و علم باید به هم گره بخورد تا یک کشور به اوج عظمت برسد و هزاران چهره برجسته، ملکوتی و اثرگذار همانند دکتر حسابی خلق شود.

استاد انصاریان در ادامه با اشاره به جایگاه دانشگاه و حوزه‌های علمی در جامعه افزود: اگر طلاب علوم دینی با جدیدترین دستاوردها و فناوری روز آشنا شده و در مسائل و موضوعات مختلف دانشگاه نقش آفرینی کنند و چنانچه دانشگاهیان نیز بتوانند افرادی متمهد و مقید به احکام شرعی به جامعه تحویل دهند، تجلی وحدت حوزه و دانشگاه در جامعه به وقوع می‌پیوندد.

وی با بیان اینکه علم بشدت مورد احترام پروردگار است زیرا جلوه‌ای از علم بی‌نهایت ذات الهی است، گفت: هر عالمی، افق تجلی علم الله است و اگر به این معنا واقف گردد به آگاهی و قدر شناسی از خود می‌رسد.

این مدرس حوزه علمیه قم اظهار کرد: عالم در صورتی که جایگاه خود را بشناسد حرکت عادلانه‌ای خواهد داشت و به عنوان خادم خداوند عمل خواهد کرد و از تجاوز و آلوده شدن به شرک در امان خواهد ماند.

وی در خاتمه تأکید کرد: وحدت حوزه و دانشگاه باید براساس همین آیات قرآن کریم شکل واقعی بگیرد و این به معنی دخالت حوزه در دانشگاه نیست بلکه باید با ظرافت و هنرمندی و اوج محبت به دانشجو انتقال پیدا کند.

گفتنی است در ادامه این مراسم از آیت‌الله جلیلی، آیت الله مبینی، حجت‌الاسلام عبدالهی و حجت‌الاسلام حجتی از روحانیون برجسته و با سابقه استان کرمانشاه و همچنین از اساتید برجسته دانشگاه رازی پرفسور مجتبی شمسی پور، پرفسور محمدمهدی خدایی و پرفسور محمدباقر قلیوند از اساتید برجسته علوم شیمی کشور با اهدای لوح تقدیر و هدایا تجلیل بعمل آمد.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شبی
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



المتمصل علی محمد وعلی فاطمه و الحسن و الحسین فی تنجس المصوبین من ذریه آیین

مؤسسه دارالمعارف شیعی

پایگاه مؤسسه اسلامی هدایت

"شاخصه‌های برتری اصحاب امام حسین (ع) بر دیگر شهدای تاریخ"

۱۳۹۱

دی

۲۷

مدیر مؤسسه دارالمعارف شیعی با اشاره به روایتی از پیامبر اکرم (ص) شهدای کربلا را برتر از شهدای تمام تاریخ بشریت دانست و گفت: در حادثه بی‌نظیر کربلا ۷۲ تن، شیوه عملی امامشناسی را به منصفه ظهور رساندند.

به گزارش راسخون به نقل از فارس، استاد حسین انصاریان مدیر مؤسسه دارالمعارف شیعی در دومین کنگره حماسه حسینی با محوریت اخلاق و معنویت با اشاره به اینکه بعد عرفانی ۷۲ انسان بی‌نظیری که حادثه عظیم کربلا را به وجود آوردند، از نظر ظاهر روشن است، اظهار داشت: آن چیزی که باعث شد ۷۲ یار امام حسین (ع) به اوج برستند، معرفت، عرفان و شناخت آن‌ها بود.

وی این شناخت را حاصل عکس‌العمل ۷۲ تن در شب عاشورا به سخنان اباعبدالله الحسین (ع) دانست و افزود: آنچه باعث برتری آن‌ها شده، وجهه امامشناسی آن‌ها است، چرا که این اعتقاد عظیم معنوی، ۷۲ تن را به جایی رساند که برای تاریخ، بی‌نظیر و بی‌نمونه معرفی شوند.

استاد انصاریان با اشاره به زیارت ناحیه امام زمان (عج) و سلام حضرت حجت (عج) برای برخی از یاران امام حسین (ع)، خاطرنشان کرد: یکی از یاران امام حسین در شب عاشورا خطاب به مولای خویش گفت: اگر فردا ۷۰ بار من را بکشند و خدا من را زنده کند من هرگز هستم از شما بر نمی‌دارم و شما را تنها نمی‌گذارم. این جملات «مسلم بن عوسجه» اوج معرفت یک انسان به امامش را نشان می‌دهد.



دارالمعارف

مؤسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



استاد حسین انصاریان سخنران سرشناس در خاطراتی در مورد جهان پهلوان تختی، چنین گفت: چند سالی که در محله خانی آباد منبر می‌رفتم، وی همراه خانواده‌اش پای منبر می‌آمدند. خود من نیز گاه گاهی به زورخانه می‌رفتم. بدین ترتیب به مرور زمان با هم آشنا شده بودیم.

به گزارش خبرگزاری پارس فوتبال «استاد حسین انصاریان» می‌افزاید: عللی برای کشته شدن او ذکر می‌کنند. برای مثال روزی به بازار رفته بودم، از جلوی مغازه آقای شکوهی، پدر یکی از دوستان هم دوره‌ای مدرسه‌ام، رد می‌شدم. مرا صدا زد و خواست تا با هم جای بخوریم. ایشان سید بزرگواری بود و مغازه جای فروشی داشت. صحبت از تختی شد. او گفت که "زمانی وقتی تختی این جا بود، من به او گفتم پهلوان باید حواست خیلی جمع باشد. من می‌ترسم با دو سه برنامه‌ای که داری به مشکلی بر بخوری و خدای ناکرده کار دست خودت بدهی. یکی ارتباط با سید محمود طالقانی است، دیگری عضویت در جبهه ملی و بالاخره محبوبیتی که در بین مردم داری".

استاد انصاریان در ادامه خاطره خود افزود: مرحوم غلامرضا تختی در بین مردم خیلی عزیز و پرطرفدار بود. در زلزله بومین زهرا، برای جمع آوری کمک‌های مردمی از طرف دولت چادرهایی برپا شده بود، اما مردم به آنها توجه چندانی نمی‌کردند. یک مرتبه آقای تختی وسط سبزه میدان بازار، بلند فریاد زد: "ای مردم، کمک کنید." با ندای آن رادمرد، سیل کمک‌های مردمی سرازیر و انبوهی از انواع و مایحتاج زلزله زدگان وسط میدان جمع شد.

استاد حسین انصاریان در ادامه گفت: یک بار نیز در باشگاهی در نزدیکی پارک شهر، مجلسی برپا و شاهپور غلامرضا، برادر شاه، دعوت بوده است. وقتی وارد می‌شود، مردم توجهی نمی‌کنند و استقبالی از او به عمل نمی‌آورند. تقابقی بعد، غلامرضا تختی وارد می‌شود مردم همه سرپا می‌ایستند و کف مرتبی برایش می‌زنند و با سر دادن شعارهایی ابراز احساسات می‌کنند. بدین ترتیب شاهپور غلامرضا خیلی کوچک می‌شود و پیش روی مردم احساس خوار و ذلت می‌کند.

«استاد حسین انصاریان» در پایان خاطرات خود گفت: در محله خانی آباد در مجلس ختم او شرکت کردم. مراسم به آرامی برگزار شد، اما در مجلس شب هفت او که در این بابویه برگزار شد، از اقتدار مختلف مردم، شرکت داشتند، بخصوص انقلابیون و ملی‌گراها که در تضاد با حکومت بودند.





المتمصل علی محمد و عاقله و اسحق بن اسحاق بن تيمه معصومین من ذریه آیین

مؤسسه اسلامی هدایت - تهران - مرکز علمی و فرهنگی

پایگاه مؤسسه اسلامی هدایت

۱۳۹۱

دی

۲۷

"استاد انصاریان: در جامعه ما کافران به نعمت خدا زیاد هستند"



خبرگزاری رسا - استاد حسین انصاریان با اشاره به این که تعریف از کارهای مثبت روش اهل بیت (ع) است، کتمان یا تکذیب خوبی مسئولین در جامعه اسلامی را کفران نعمت دانست و گفت: متأسفانه در جامعه ما کافران به نعمت خدا زیاد هستند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری رسا، استاد حسین انصاریان از اساتید حوزه علمیه شامگاه چهارشنبه سیزدهم دی ماه در مراسم شب اربعین که در مسجد امام صادق (ع) تهران واقع در میدان فلسطین برگزار شد اظهار داشت: از مدینه تا مکه بیش از هفتاد فرسخ از جاده قدیم راه است و هزار و پانصد سال قبل وجود مبارک حضرت سیدالشهدا ۲۵ بار از منزل خود با پای برهنه این جاده را برای انجام حج و عمره طی می کردند.

استاد انصاریان با اشاره به این که امام معصوم با داشتن توان مالی، شترهای جوان و اسبهای تیزرو با پای پیاده و برهنه ۲۵ بار از مدینه به سوی آن منطقه مقدس مرکز تور مرکز هدایت قبله عبادت سفر می کند گفت: امام (ع) با این عمل خود خواستند عظمت کعبه و مسجدالحرام و مناسک حج را به مردم بفهمانند که این خانه مسجد و مناسک از چه جایگاهی برخوردار است.

وی در ادامه افزود: البته خداوند جواب این پیادمروری های او را داد امسال نزدیک ۱۸ میلیون نفر از شصت کشور پیاده و عده ای از آن ها با پای بدون کفش برای زیارت مزار او که کعبه دل ها و مرکز پخش نور خدا در عالم است حرکت کردند.

این واعظ برجسته با تأکید بر این که امام حسین (ع) این عظمت و شخصیت را دارد گفت: مهم ترین روایات مربوط به زیارت او است که اغلب آن ها در معتبرترین کتاب کامل زیارات جمع و عنوان بندی شده است، اگر تعدادی از آن روایات و متن را کنار هم بچنینیم این معنا از آن در می آید که «زیارت قبرالحسین الفضل من زیارت امام الحی» زیارت قبر امام حسین (ع) با فضیلت تر از زیارت امام زنده می باشد.

استاد انصاریان با اشاره به این که امام حسین (ع) در ۲۵ سفر هنگامی که به ذرب ورودی مسجدالحرام می رسیدند وارد مسجد نمی شدند بلکه صورت مبارک را روی دیوار بیرون مسجد می گذاشتند و به شدت گریه می کردند اظهار داشت: امام حسین (ع) به پیشگاه پروردگار با تواضع حاضر می شدند، چنان تواضعی که امروز در کسی از این هفت میلیارد جمعیت وجود ندارد.

وی افزود: حضرت سیدالشهدا (ع) پس از این تواضع و فروتنی با همان پای خسته و پرابله وارد مسجدالحرام می شدند و تا کنار بیت پیش می آمدند و در کنار بیت به دیوار کعبه تکیه می دادند و مانند ابر بهار گریه می کردند.

این استاد حوزه علمیه با بیان این که حدود ۱۵۰ سال است شیعه مانند آخوند خراسانی را مخصوصاً در علم اصول به خودش ندیده است گفت: در این ۱۵۰ سال هر کس مرجع تقلید شده است بر سر سفره این مرد مرجع شده است، پهلوانان علم در شیعه یا حاشیه زدن بر کتاب کفایه او پهلوان شدند، علم عالمان شیعه با حاشیه های بر کتاب آخوند سنجیده می شد.

استاد انصاریان افزود: فردی خواب آخوند خراسانی را دید و از او سوال کرد آقا شما از دنیا نرفتید؟ فرمود بله من الان در دنیا نیستم، گفت آقا از بروزخان می توانید برای ما تعریف کنید؟ گفت نه الزامی ندارم خبری از آن بدهم ولی یک خبری می توانم بدهم و آن این است که من که ۷۰ سال شناگر ۱۱ رشته علم بودم و در آن ها مجتهد بودم این جا که آمد حسین بن علی (ع) را شناختم.

این واعظ برجسته در رابطه با امام حسین (ع) تصریح کرد: این گوهر مجهول در عالم بعد برای مردم معلوم می شود و یک سر الهی است که در قیامت روشن خواهد شد.



موسسه دارالمعارف شبی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



المتمصل علی محمد و آله و ائمه و اسحق ائین فی نعمه المنصوبین من ذریه آئین

موسسه دارالعارف شیعی مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

پایگاه موسسه اسلامی هدایت

"استاد انصاریان: در جامعه ما کافران به نعمت خدا زیاد هستند"

۱۳۹۱

دی

۲۷



وی با بیان این که اگر همه دنیا حرف‌های حضرت را می‌فهمیدند کره زمین بستر تواضع، پاکی، امتیث، فضیلت و درستی می‌شد و سبب می‌شد که مردم بهشت روز قیامت را در همین دنیا تجربه کنند گفت: این وجود مقدس به کعبه تکیه می‌داند و با پروردگار می‌گفتند «خدایا هر نعمت مادی و معنوی را که به بندهات حسین (ع) عنایت کردی یکبار حسین (ع) را در کنار هیچ نعمتی شاکر نیافتی یعنی من بر هر نعمت تو که شکر آن لازم است باید شکرش را انجام بدهم، برای این که به من توفیق انجام شکر را دادی نیز شکر لازم است و من کدام نعمت تو را توانستم شکر کنم.

استاد انصاریان با طرح این سوال که آیا معنی شکر در اسلام پراندن لفظ مقدس از نوک زبان است؟ گفت: این نهایت تمسخر است، شکر نعمت عملی است.

این استاد حوزه علمیه با بیان این که شکر یعنی هر نعمتی را در جای خود تحقق عملی دادن در راه خدا اظهار داشت: شکر نعمت قدرت، عدالت واقعی می‌باشد، شکر نعمت قلم، این است که خداوند بتواند به آن نوشته و قلم قسم بخورد اما در غیر این صورت این کفران نعمت است، اگر قدرتی صرف ظلم شود و یا قلمی صرف هجوم به یک فرد آبرومند، مدیر قوی، رزمنده، فرد مدبر و دلسوز و یا آبادگر شد این کفران نعمت است و ضلالت با پروردگار است و این از مبدایی به نام حسد سرچشمه می‌گیرد.

وی با بیان حدیثی از امام صادق (ع) مبنی بر این که روش ما اهل بیت (ع) این است که از کار مثبت اهل مثبت تعریف کنیم و تکذیب کار خوبان کار دشمنان ماست گفت: این دشمنان هستند که خوبی‌ها را کتمان می‌کنند، بدی می‌سازند و بدی‌ها را به دیگران نسبت می‌دهند و متأسفانه در جامعه ما کافران به نعمت خدا زیاد هستند.

استاد انصاریان در پایان با طرح سؤالاتی نظیر «کجا رفت مهرورزی‌ها و صفاهای؟»، «اخلاق اثیا کجا رفت؟»، «زبان‌ها و قلم‌های پاک کجا رفت؟» گفت: این کفران نعمت است که این گونه فضا را آلوده و نجس کرده‌اند.



دارالعارف

موسسه دارالعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

شیخ حسین حال شکنجه گر ساواک را گرفت

وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم. به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون. به گزارش جهان به نقل از فارس، شیخ حسین انصاریان سال ۱۳۳۳ در خواسار به دنیا آمد. ایشان در مورخه ششم شهریور سال ۵۷ به اتهام تفسیر قرآن و نهج البلاغه توسط مامورین ساواک دستگیر و به کمیته مشترک ضد خرابکاری فرستاده شد. شیخ حسین جمعا مدت بیست روزی را در شکنجه‌گاه کمیته مشترک زندانی بود. ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می‌کند:

«ده روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتم را به فاتحه برای گذشتگان نماز قضا و شنیدن صدای ناله و فریاد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصا شب‌ها سپری می‌کردم. نماز صبح را با صدای آذان مسجد امین السلطان در خیابان فردوسی می‌خواندم. بعد از انتقال به سلول عمومی با آقای توسلی که اوایل انقلاب در سیمای جمهوری اسلامی ایران قرآن تدریس می‌کرد و همچنین هاشم صباغیان که اوایل انقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم. یک مرتبه هوشنگ ازغندی (معروف به متوجه‌ری) شکنجه‌گری که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول‌ها آمده بود. هاشم صباغیان به من گفت: به جهت این که من سابقه زندان دارم و به روحیات این افراد واقفم. به محض ورود او به سلول ما همه باید به احترامش بایستیم. من به او گفتم افرادی که به این صورت به مردم ظلم می‌کنند. دیگر احترام به آنها معنایی ندارد. در نهایت اگر ما به احترام او بلند نشویم آخرش زندان است که الان در زندان هستیم. لذا من توکل به پروردگار کردم و تصمیم گرفتم که به او احترام نگذاشته و به خاطر ورودش بلند نشوم.

وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم. به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون. موقع رفتن هاشم صباغیان به من گفت: کارت تمام است.

وقتی بیرون آمدم مشخصات مرا پرسید. خودم را معرفی کردم. علت دستگیری را از من سؤال کرد و گفتم: قرآن و نهج البلاغه برای مردم تفسیر کردم. مقداری آنچه‌ایش را در هم کشید و پرسید: ملاقاتی داشته‌ای؟ گفتم: نه. گفت: می‌خواهی ملاقات داشته باشی؟ گفتم: نه بعد از این گفت‌وگوی کوتاه با کمال تعجب مرا مجدداً به سلول برگردانید.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

شیخ حسین حال شکنجه گر ساواک را گرفت



وقتی نگاهیان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم. به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.
به گزارش جهان به نقل از فارس، شیخ حسین انصاریان سال ۱۳۳۳ در خوانسار به دنیا آمد ایشان در مورخه ششم شهریور سال ۵۷ به اتهام تفسیر قرآن و نهج البلاغه توسط مامورین ساواک دستگیر و به کمیته مشترک ضد خرابکاری فرستاده شد.
شیخ حسین جمعا مدت بیست روزی را در شکنجه گاه کمیته مشترک زندانی بود ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می کنند:

«ده روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتم را به فاتحه برای گذشتگان نماز قضا و شنیدن صدای ناله و فریاد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصا شبها سپری می کردم. نماز صبح را یا صدای آذان مسجد امین السلطان در خیابان فردوسی می خواندم. بعد از انتقال به سلول عمومی یا آقای توسلی که اوایل انقلاب در سیمای جمهوری اسلامی ایران قرآن تدریس می کرد و همچنین هاشم صباغیان که اوایل انقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم.

یک مرتبه هوشنگ ازغندی (معروف به منوچهری) شکنجه گری که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول ها آمده بود. هاشم صباغیان به من گفت: به جهت این که من سابقه زندان دارم و به روحیات این افراد واقفم. به محض ورود او به سلول ما همه باید به احترامش بایستیم. من به او گفتم افرادی که به این صورت به مردم ظلم می کنند. دیگر احترام به آنها معنایی ندارد در نهایت اگر ما به احترام او بلند نشویم آخرش زندان است که الان در زندان هستیم. لذا من توکل به پروردگار کردم و تصمیم گرفتم که به او احترام نگذاشته و به خاطر ورودش بلند نشوم.

وقتی نگاهیان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم. به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.
موقع رفتن هاشم صباغیان به من گفت: کارت تمام است.

وقتی بیرون آمدم مشخصات مرا پرسید. خودم را معرفی کردم. علت دستگیری را از من سؤال کرد و گفتم: قرآن و نهج البلاغه برای مردم تفسیر کرده ام، مقداری اخچهایش را در هم کشید و پرسید: ملاقاتی داشته ای؟ گفتم: نه. گفت: می خواهی ملاقات داشته باشی؟ گفتم: نه بعد از این گفت و گوی کوتاه با کمال تعجب مرا مجددا به سلول برگردانید.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شبیه
مركز علمی تحقیقاتی دار العرفان

شیخ حسین حال شکنجه گر ساواک را گرفت



وقتی نگاهیان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم. به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.
به گزارش جهان به نقل از فارس، شیخ حسین انصاریان سال ۱۳۳۳ در خوانسار به دنیا آمد ایشان در مورخه ششم شهریور سال ۵۷ به اتهام تفسیر قرآن و نهج البلاغه توسط مأمورین ساواک دستگیر و به کمیته مشترک ضد خرابکاری فرستاده شد.
شیخ حسین جمعا مدت بیست روزی را در شکنجه گاه کمیته مشترک زندانی بود ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می کنند:

«ده روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتم را به فاتحه برای گذشتگان نماز قضا و شنیدن صدای ناله و فریاد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصا شبها سپری می کردم. نماز صبح را یا صدای آذان مسجد امین السلطان در خیابان فردوسی می خواندم. بعد از انتقال به سلول عمومی یا آقای توسلی که اوایل انقلاب در سیمای جمهوری اسلامی ایران قرآن تدریس می کرد و همچنین هاشم صباغیان که اوایل انقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم.

یک مرتبه هوشنگ ازغندی (معروف به منوچهری) شکنجه گری که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول ها آمده بود. هاشم صباغیان به من گفت: به جهت این که من سابقه زندان دارم و به روحیات این افراد واقفم. به محض ورود او به سلول ما همه باید به احترامش بایستیم. من به او گفتم افرادی که به این صورت به مردم ظلم می کنند. دیگر احترام به آنها معنایی ندارد در نهایت اگر ما به احترام او بلند نشویم آخرش زندان است که الان در زندان هستیم. لذا من توکل به پروردگار کردم و تصمیم گرفتم که به او احترام نگذاشته و به خاطر ورودش بلند نشوم.

وقتی نگاهیان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم. به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.
موقع رفتن هاشم صباغیان به من گفت: کارت تمام است.

وقتی بیرون آمدم مشخصات مرا پرسید. خودم را معرفی کردم. علت دستگیری را از من سؤال کرد و گفتم: قرآن و نهج البلاغه برای مردم تفسیر کرده ام، مقداری اخچهایش را در هم کشید و پرسید: ملاقاتی داشته ای؟ گفتم: نه. گفت: می خواهی ملاقات داشته باشی؟ گفتم: نه بعد از این گفت و گوی کوتاه با کمال تعجب مرا مجددا به سلول برگردانید.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مركز علمی تحقیقاتی دار العرفان

شیخ حسین حال شکنجه گر ساواک را گرفت



وقتی نگاهیان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم. به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.
به گزارش جهان به نقل از فارس، شیخ حسین انصاریان سال ۱۳۳۳ در خوانسار به دنیا آمد ایشان در مورخه ششم شهریور سال ۵۷ به اتهام تفسیر قرآن و نهج البلاغه توسط مأمورین ساواک دستگیر و به کمیته مشترک ضد خرابکاری فرستاده شد.
شیخ حسین جمعا مدت بیست روزی را در شکنجه گاه کمیته مشترک زندانی بود ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می کند:

«ده روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتم را به فاتحه برای گذشتگان نماز قضا و شنیدن صدای ناله و فریاد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصا شبها سپری می کردم. نماز صبح را یا صدای آذان مسجد امین السلطان در خیابان فردوسی می خواندم. بعد از انتقال به سلول عمومی یا آقای توسلی که اوایل انقلاب در سیمای جمهوری اسلامی ایران قرآن تدریس می کرد و همچنین هاشم صباغیان که اوایل انقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم.

یک مرتبه هوشنگ ازغندی (معروف به منوچهری) شکنجه گری که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول ها آمده بود. هاشم صباغیان به من گفت: به جهت این که من سابقه زندان دارم و به روحیات این افراد واقفم. به محض ورود او به سلول ما همه باید به احترامش بایستیم. من به او گفتم افرادی که به این صورت به مردم ظلم می کنند. دیگر احترام به آنها معنایی ندارد در نهایت اگر ما به احترام او بلند نشویم آخرش زندان است که الان در زندان هستیم. لذا من توکل به پروردگار کردم و تصمیم گرفتم که به او احترام نگذاشته و به خاطر ورودش بلند نشوم.

وقتی نگاهیان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم. به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.
موقع رفتن هاشم صباغیان به من گفت: کارت تمام است.

وقتی بیرون آمدم مشخصات مرا پرسید. خودم را معرفی کردم. علت دستگیری را از من سؤال کرد و گفتم: قرآن و نهج البلاغه برای مردم تفسیر کرده ام، مقداری اخچهایش را در هم کشید و پرسید: ملاقاتی داشته ای؟ گفتم: نه. گفت: می خواهی ملاقات داشته باشی؟ گفتم: نه بعد از این گفت و گوی کوتاه با کمال تعجب مرا مجددا به سلول برگردانید.



دار العرفان

موسسه دارالاعراف شیعی
مركز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

شیخ حسین حال شکنجه گر ساواک را گرفت



وقتی نگاهیان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم. به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.
به گزارش جهان به نقل از فارس، شیخ حسین انصاریان سال ۱۳۳۳ در خوانسار به دنیا آمد ایشان در مورخه ششم شهریور سال ۵۷ به اتهام تفسیر قرآن و نهج البلاغه توسط مامورین ساواک دستگیر و به کمیته مشترک ضد خرابکاری فرستاده شد.
شیخ حسین جمعا مدت بیست روزی را در شکنجه گاه کمیته مشترک زندانی بود ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می کند:

«ده روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتم را به فاتحه برای گذشتگان نماز قضا و شنیدن صدای ناله و فریاد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصا شبها سپری می کردم. نماز صبح را یا صدای آذان مسجد امین السلطان در خیابان فردوسی می خواندم. بعد از انتقال به سلول عمومی یا آقای توسلی که اوایل انقلاب در سیمای جمهوری اسلامی ایران قرآن تدریس می کرد و همچنین هاشم صباغیان که اوایل انقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم.

یک مرتبه هوشنگ ازغندی (معروف به منوچهری) شکنجه گری که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول ها آمده بود. هاشم صباغیان به من گفت: به جهت این که من سابقه زندان دارم و به روحیات این افراد واقفم. به محض ورود او به سلول ما همه باید به احترامش بایستیم. من به او گفتم افرادی که به این صورت به مردم ظلم می کنند. دیگر احترام به آنها معنایی ندارد در نهایت اگر ما به احترام او بلند نشویم آخرش زندان است که الان در زندان هستیم. لذا من توکل به پروردگار کردم و تصمیم گرفتم که به او احترام نگذاشته و به خاطر ورودش بلند نشوم.

وقتی نگاهیان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم. به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.
موقع رفتن هاشم صباغیان به من گفت: کارت تمام است.

وقتی بیرون آمدم مشخصات مرا پرسید. خودم را معرفی کردم. علت دستگیری را از من سؤال کرد و گفتم: قرآن و نهج البلاغه برای مردم تفسیر کرده ام، مقداری اخچهایش را در هم کشید و پرسید: ملاقاتی داشته ای؟ گفتم: نه. گفت: می خواهی ملاقات داشته باشی؟ گفتم: نه بعد از این گفت و گوی کوتاه با کمال تعجب مرا مجددا به سلول برگردانید.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مركز علمی تحقیقاتی دار العرفان

شیخ حسین حال شکنجه گر ساواک را گرفت



وقتی نگره‌بان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم. به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون. به گزارش جهان به نقل از فارس، شیخ حسین انصاریان سال ۱۳۳۳ در خوانسار به دنیا آمد. ایشان در مورخه ششم شهریور سال ۵۷ به اتهام تفسیر قرآن و نهج البلاغه توسط مامورین ساواک دستگیر و به کمیته مشترک ضد خرابکاری فرستاده شد. شیخ حسین جمعا مدت بیست روزی را در شکنجه‌گاه کمیته مشترک زندانی بود. ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می‌کند:

«ده روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتم را به فاتحه برای گذشتگان نماز قضا و شنیدن صدای ناله و فریاد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصا شب‌ها سپری می‌کردم. نماز صبح را یا صدای آذان مسجد امین السلطان در خیابان فردوسی می‌خواندم. بعد از انتقال به سلول عمومی یا آقای توسلی که اوایل انقلاب در سیمای جمهوری اسلامی ایران قرآن تدریس می‌کرد و همچنین هاشم صباغیان که اوایل انقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم.

یک مرتبه هوشنگ ازغندی (معروف به منوچهری) شکنجه‌گری که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول‌ها آمده بود. هاشم صباغیان به من گفت: به جهت این که من سابقه زندان دارم و به روحیات این افراد واقفم. به محض ورود او به سلول ما همه باید به احترامش بایستیم. من به او گفتم افرادی که به این صورت به مردم ظلم می‌کنند. دیگر احترام به آنها معنایی ندارد در نهایت اگر ما به احترام او بلند نشویم آخرش زندان است که الان در زندان هستیم. لذا من توکل به پروردگار کردم و تصمیم گرفتم که به او احترام نگذاشته و به خاطر ورودش بلند نشوم.

وقتی نگره‌بان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم. به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون. موقع رفتن هاشم صباغیان به من گفت: کارت تمام است.

وقتی بیرون آمدم مشخصات مرا پرسید. خودم را معرفی کردم. علت دستگیری را از من سؤال کرد و گفتم: قرآن و نهج البلاغه برای مردم تفسیر کرده‌ام، مقداری اخچ‌هایش را در هم کشید و پرسید: ملاقاتی داشته‌ای؟ گفتم: نه. گفت: می‌خواهی ملاقات داشته باشی؟ گفتم: نه بعد از این گفت‌وگوی کوتاه با کمال تعجب مرا مجدداً به سلول برگردانید.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

آخرین روزهای سال: انتخاباتی پیش
خورشید امروز: ۱۳۶۹

نرم افزار اندروید خبرخون
هم اکنون در دسترس شماست



خبرخون

۱۳۹۱

دی

۲۷

شیخ حسین حال شکنجه گر ساواک را گرفت



وقتی نگاهیان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم. به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.
به گزارش جهان به نقل از فارس، شیخ حسین انصاریان سال ۱۳۳۳ در خوانسار به دنیا آمد ایشان در مورخه ششم شهریور سال ۵۷ به اتهام تفسیر قرآن و نهج البلاغه توسط مأمورین ساواک دستگیر و به کمیته مشترک ضد خرابکاری فرستاده شد.
شیخ حسین جمعا مدت بیست روزی را در شکنجه گاه کمیته مشترک زندانی بود ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می کنند:

«ده روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتم را به فاتحه برای گذشتگان نماز قضا و شنیدن صدای ناله و فریاد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصا شبها سپری می کردم. نماز صبح را یا صدای آذان مسجد امین السلطان در خیابان فردوسی می خواندم. بعد از انتقال به سلول عمومی یا آقای توسلی که اوایل انقلاب در سیمای جمهوری اسلامی ایران قرآن تدریس می کرد و همچنین هاشم صباغیان که اوایل انقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم.

یک مرتبه هوشنگ ازغندی (معروف به منوچهری) شکنجه گری که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول ها آمده بود. هاشم صباغیان به من گفت: به جهت این که من سابقه زندان دارم و به روحیات این افراد واقفم. به محض ورود او به سلول ما همه باید به احترامش بایستیم. من به او گفتم افرادی که به این صورت به مردم ظلم می کنند. دیگر احترام به آنها معنایی ندارد در نهایت اگر ما به احترام او بلند نشویم آخرش زندان است که الان در زندان هستیم. لذا من توکل به پروردگار کردم و تصمیم گرفتم که به او احترام نگذاشته و به خاطر ورودش بلند نشوم.

وقتی نگاهیان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم. به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.
موقع رفتن هاشم صباغیان به من گفت: کارت تمام است.

وقتی بیرون آمدم مشخصات مرا پرسید. خودم را معرفی کردم. علت دستگیری را از من سؤال کرد و گفتم: قرآن و نهج البلاغه برای مردم تفسیر کرده ام. مقداری اخچهایش را در هم کشید و پرسید: ملاقاتی داشته ای؟ گفتم: نه. گفت: می خواهی ملاقات داشته باشی؟ گفتم: نه بعد از این گفت و گوی کوتاه با کمال تعجب مرا مجددا به سلول برگردانید.



دارالاعراف

موسسه دارالاعراف شبیه
مرکز علمی تحقیقاتی دارالاعراف



شیخ حسین چگونه حال شکنجه گر را گرفت

به گزارش بولتن نیوز به نقل از فارس، شیخ حسین انصاریان سال ۱۳۲۳ در خوانسار به دنیا آمد. ایشان در مورخه ششم شهریور سال ۵۷ به اتهام تفسیر قرآن و نهج البلاغه توسط مامورین ساواک دستگیر و به کمیته مشترک ضد خرابکاری فرستاده شد.

شیخ حسین جمعا مدت بیست روزی را در شکنجه گاه کمیته مشترک زندانی بود. ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می‌کند:

«ده روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتم را به فاتحه برای گنشتگان نماز قضا و شنیدن صدای ناله و فریاد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصا شب‌ها سپری می‌کردم. نماز صبح را با صدای اذان مسجد امین السلطان در خیابان فردوسی می‌خواندم. بعد از انتقال به سلول عمومی با آقای توسلی که اوایل انقلاب در سیمای جمهوری اسلامی ایران قرآن تدریس می‌کرد و همچنین هاشم صباغیان که اوایل انقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم.

یک مرتبه هوشنگ ازغندی (معروف به منوچهری) شکنجه‌گری که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول‌ها آمده بود. هاشم صباغیان به من گفت: به جهت این که من سابقه زندان دارم و به روحیات این افراد واقفم. به محض ورود او به سلول ما همه باید به احترامش ...



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



در امور کودکان بی سرپرست هزینه می شود

شیخ حسین حال شکنجه گر ساواک را گرفت



وقتی نگره‌بان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم. به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.
به گزارش جهان به نقل از فارس، شیخ حسین انصاریان سال ۱۳۳۳ در خوانسار به دنیا آمد ایشان در مورخه ششم شهریور سال ۵۷ به اتهام تفسیر قرآن و نهج البلاغه توسط مامورین ساواک دستگیر و به کمیته مشترک ضد خرابکاری فرستاده شد.
شیخ حسین جمعا مدت بیست روزی را در شکنجه‌گاه کمیته مشترک زندانی بود ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می‌کند:

«ده روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتم را به فاتحه برای گذشتگان نماز قضا و شنیدن صدای ناله و فریاد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصا شب‌ها سپری می‌کردم. نماز صبح را یا صدای آذان مسجد امین السلطان در خیابان فردوسی می‌خواندم. بعد از انتقال به سلول عمومی یا آقای توسلی که اوایل انقلاب در سیمای جمهوری اسلامی ایران قرآن تدریس می‌کرد و همچنین هاشم صباغیان که اوایل انقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم.

یک مرتبه هوشنگ ازغندی (معروف به منوچهری) شکنجه‌گری که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول‌ها آمده بود. هاشم صباغیان به من گفت: به جهت این که من سابقه زندان دارم و به روحیات این افراد واقفم. به محض ورود او به سلول ما همه باید به احترامش بایستیم. من به او گفتم افرادی که به این صورت به مردم ظلم می‌کنند. دیگر احترام به آنها معنایی ندارد در نهایت اگر ما به احترام او بلند نشویم آخرش زندان است که الان در زندان هستیم. لذا من توکل به پروردگار کردم و تصمیم گرفتم که به او احترام نگذاشته و به خاطر ورودش بلند نشوم.

وقتی نگره‌بان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم. به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.
موقع رفتن هاشم صباغیان به من گفت: کارت تمام است.

وقتی بیرون آمدم مشخصات مرا پرسید. خودم را معرفی کردم. علت دستگیری را از من سؤال کرد و گفتم: قرآن و نهج البلاغه برای مردم تفسیر کرده‌ام، مقداری اخچ‌هایش را در هم کشید و پرسید: ملاقاتی داشته‌ای؟ گفتم: نه. گفت: می‌خواهی ملاقات داشته باشی؟ گفتم: نه بعد از این گفت‌وگوی کوتاه با کمال تعجب مرا مجدداً به سلول برگردانید.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



WWW.ENFAN.IR - WWW.ANSARIAN.IR

پایگاه اطلاع رسانی
حضرت استاد حسین انصاریان

فرمان کلامی | نهج البلاغه | صحیفه سجادیه | معانی الحائ | التلخیص | سخنرانیها | بیوتی العسوی | پرسش و پاسخ | کتابخانه | کتب ها | برنامه سخنرانیها

پایگاه اطلاع رسانی (سایه استاد انصاریان)

خاطره ای از شش سالگی استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

دی

۲۹



عقیق: شش ساله بودم که دست در دست پدر بزرگ، برای ثبت نام به مدرسه مرحوم برهان رفتم. چون پدرم کار داشت، پدر بزرگم مرا به مدرسه برد.

وی در راه می گفت: پسر، آیا می دانی تو را به کجا می برم؟ و خود جواب می داد: تو را به مدرسه می برم تا سواد یاد بگیری، خواندن و نوشتن و قرآن خواندن یاد بگیری، آن وقت ثواب خواندن تو به من هم می رسد. پدر بزرگم همواره به من می گفت زمانی که مردم برایم قرآن بخوان. در آن سن و سال، من مسئله مرگ و میر را به درستی درک نمی کردم، اما بعد ها آن را به خوبی دریافتم و سخنان ایشان تاثیر شگرفی بر من نهاد زیرا «علم در کودکی مانند نقش بر روی سنگ است»

آن مرد یا خدا، با چهره ای ملکوتی و مجلسی سفید، چنان با لحنی دل نشین این جملات را می گفت که هنوز هم صدایش در گوشم طنین انداز است. بحمدالله تا به حال به این خواسته عمل کرده ام و به ویژه هر وقت به حج مشرف می شوم، هم در حرم پیامبر اکرم (ص) و هم در بارگاه پروردگار، برای او و دیگر اموات، یک دوره کامل قرآن را ختم می کنم. به مدرسه که رسیدیم، آیت الله برهان نیز حضور داشت، رفتار و استقبال ایشان به گونه ای بود که من بعد از ثبت نام با آرامش و آسودگی در مدرسه ماندم. مدرسه زیر نظر آن مرحوم اداره می شد و همه معلم ها را نیز خود ایشان انتخاب می نمود. «حروف الفبا» را از معلمی سید و روحانی، که بسیار خوش اخلاق و مهربان بود، فرا گرفتم. اکنون نیز هر گاه او را می بینم، برای سیاسی گزاری، ژانوی ادب بر زمین زده، بر دست مبارکش بوسه می زنم، در اولین جلسه ای که آیت الله برهان در کلاس حضور یافت، سوره حمد را به ما یاد داد و آن قدر حوصله به خرج داد تا آن را کاملاً حفظ کردیم. معلمان روحانی و مکلای دیگری هم داشتیم که همگی مومن بودند. در آن مدرسه، پرورش بیش از آموزش اهمیت داشت و بچه ها تحت نظر معلمان نیک و دلسوز به خوبی پرورش یافتند. بحمد الله تا به حال هر کدام از شاگردان آن مدرسه را که می بینم، آنان را متدین و معنوی می یابم.

نماز خواندن آقای برهان به گونه ای بود که برای همه جاذبه داشت. ایشان صدای بسیار گیرایی داشتند و به قدری متواضع بودند که یک ساعت پیش از نماز، دستشویی مسجد را پاک می کردند. همه افراد بی دین و بی قید نیز مجذوب ایشان شده بودند.



دَارُ الْعُرْفَانِ

موسسه دارالمعارف شبیهی
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

خاطره ای از شش سالگی استاد حسین انصاریان



به گزارش آدیان نیوز به نقل از پایگاه اطلاع رسانی استاد حسین انصاریان، خاطره ای کوتاه را از زبان استاد چنین نقل می کند: شش ساله بودم که هست در دست پدر بزرگ، برای ثبت نام به مدرسه مرحوم برهان رفتم. چون پدرم کار داشت، پدر بزرگم مرا به مدرسه برد.

وی در راه می گفت: پسر، آیا می دانی تو را به کجا می برم؟ و خود جواب می داد: تو را به مدرسه می برم تا سواد یاد بگیری، خواندن و نوشتن و قرآن خواندن یاد بگیری، آن وقت ثواب خواندن تو به من هم می رسد. پدر بزرگم همواره به من می گفت زمانی که مردم برایم قرآن بخوان.

در آن سن و سال، من مسئله مرگ و میر را به درستی درک نمی کردم، اما بعد ها آن را به خوبی دریافتم و سخنان ایشان تأثیر شگرفی بر من نهاد زیرا «علم در کودکی مانند نقش بر روی سنگ است» آن مرد با خدا، با چهره ای ملکوتی و محاسنی سفید، چنان با لحنی دل نشین این جملات را می گفت که هنوز هم صدایش در گوشم طنین انداز است.

بحمدالله تا به حال به این خواسته عمل کرده ام و به ویژه هر وقت به حج مشرف می شوم، هم در حرم پیامبر اکرم (ص) و هم در یازگانه پروردگار، برای او و دیگر اموات، یک دوره کامل قرآن را ختم می کنم. به مدرسه که رسیدیم، آیت الله برهان نیز حضور داشت، رفتار و استقبال ایشان به گونه ای بود که من بعد از ثبت نام با آرامش و آسودگی در مدرسه ماندم.

مدرسه زیر نظر آن مرحوم اداره می شد و همه معلم ها را نیز خود ایشان انتخاب می نمود «حروف الفبا» را از معلمی سید و روحانی، که بسیار خوش اخلاق و مهربان بود، فرا گرفتیم. اکنون نیز هر گاه او را می بینم، برای سیاس گزاری، زائوی ادب بر زمین زده، بر دست مبارکش بوسه می زنم، در اولین جلسه ای که آیت الله برهان در کلاس حضور یافت، سوره حمد را به ما یاد داد و آن قدر حوصله به خرج داد تا آن را کاملاً حفظ کردیم. معلمان روحانی و مکلای دیگری هم داشتیم که همگی مومن بودند.

در آن مدرسه، پرورش بیش از آموزش اهمیت داشت و بچه ها تحت نظر معلمان نیک و دلسوز به خوبی پرورش یافتند، بحمد الله تا به حال هر کدام از شاگردان آن مدرسه را که می بینم، آنان را متذین و معنوی می یابم.

نماز خواندن آقای برهان به گونه ای بود که برای همه جاذبه داشت. ایشان صدای بسیار گیرایی داشتند و به قدری متواضع بودند که یک ساعت پیش از نماز، دستشویی مسجد را پاک می کردند. همه افراد بی دین و بی قید نیز مجذوب ایشان شده بودند.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف الشیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



به گزارش خبرگزاری اهل بیت (ع) - اینا - «حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین انصاریان»
خاطره ای کوتاه از کودکی خود را چنین بیان می کند.

شش ساله بودم که دست در دست پدر بزرگ، برای ثبت نام به مدرسه مرحوم برهان رفتم. چون پدرم کار داشت، پدر بزرگم مرا به مدرسه برد.

وی در راه می گفت: پسر، آیا می دانی تو را به کجا می برم؟ و خود جواب می داد: تو را به مدرسه می برم تا سواد یاد بگیری، خواندن و نوشتن و قرآن خواندن یاد بگیری. آن وقت ثواب خواندن تو به من هم می رسد. پدر بزرگم همواره به من می گفت زمانی که مردم برایم قرآن بخوان.

در آن سن و سال، من مسئله مرگ و میر را به درستی درک نمی کردم، اما بعد ها آن را به خوبی دریافتم و سخنان ایشان تاثیر شگرفی بر من نهاد زیرا «علم در کودکی مانند نقش بر روی سنگ است».
آن مرد با خدا، با چهره ای ملکوتی و محاسنی سفید، چنان با لحنی دل نشین این جملات را می گفت که هنوز هم صدایش در گوشم طنین انداز است.

بحمدالله تا به حال به این خواسته عمل کرده ام و به ویژه هر وقت به حج مشرف می شوم، هم در حرم پیامبر اکرم (ص) و هم در بازگاہ پروندگان، برای او و دیگر اموات، یک دوره کامل قرآن را ختم می کنم. به مدرسه که رسیدیم، آیت الله برهان نیز حضور داشت. رفتار و استقبال ایشان به گونه ای بود که من بعد از ثبت نام با آرامش و آسودگی در مدرسه ماندم.

مدرسه زیر نظر آن مرحوم اداره می شد و همه معلم ها را نیز خود ایشان انتخاب می نمود. «حروف الفبا» را از معلمی سید و روحانی، که بسیار خوش اخلاق و مهربان بود، فرا گرفتیم. اکنون نیز هر گاه او را می بینم، برای سیاس گذاری، زائوی ادب بر زمین زده، بر دست مبارکش بوسه می زنم، در اولین جلسه ای که آیت الله برهان در کلاس حضور یافت، سوره حمد را به ما یاد داد و آن قدر حوصله به خرج داد تا آن را کاملاً حفظ کردیم. معلمان روحانی و مکلای دیگری هم داشتیم که همگی مومن بودند.

در آن مدرسه، پرورش بیش از آموزش اهمیت داشت و بچه ها تحت نظر معلمان نیک و دلسوز به خوبی پرورش یافتند، بحمد الله تا به حال هر کدام از شاگردان آن مدرسه را که می بینم، آنان را متذکر و معنوی می یابم.
نماز خواندن آقای برهان به گونه ای بود که برای همه جاذبه داشت. ایشان صدای بسیار گیرایی داشتند و به قدری متواضع بودند که یک ساعت پیش از نماز، دستشویی مسجد را پاک می کردند. همه افراد بی دین و بی قید نیز مجذوب ایشان شده بودند.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

آپارات

سرویس اشتراک ویدیو

صفحه نخست
 لیست ویدیو ها
 ثبت نام
 نرم افزار آپارات

شعر (248294) | تخصصی (7058) | طنز (11938) | آموزشی (13126) | تفریحی (24297) | فیلم (10541) | فناوری (46525) | موسیقی (24402) | خبری (4352) | سیاسی (12130)

علمی (7435) | ورزشی (36095) | حوادث (8085) | طبیعت (1550) | حیوانات (8141) | سفره (25860) | تزیینات (7053) | شرف (3141) | کارتون (5180) | موسیقی

آپارات

وای از قیمت بیداری (استاد شیخ حسین انصاریان)

۱۳۹۱

دی

۳۰



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی
مراکز علمی تحقیقاتی دار العرفان